



موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و

سیاست گذاری توسعه منابع انسانی کشور

طرح پژوهشی شماره ۲۸

ویراست ۱

پژوهشگر:

احمد حیدری عبدی

پاییز ۱۳۸۰

به نام خدا



موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی



ویراست ۱ -



## پیشگفتار

»

«

(CD)

محمد باقر غفرانی  
مدیر اجرایی  
طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص  
و برنامه ریزی توسعه منابع انسانی در کشور  
پاییز ۱۳۸۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه
۴.....	فصل اول: طرح تحقیق
۴.....	۱- بیان مسأله
۶.....	۲- اهمیت و ضرورت تحقیق
۷.....	۳- اهداف تحقیق
۸.....	۴- سؤالهای تحقیق
۹.....	۵- روش تحقیق
۹.....	منابع
۱۰.....	فصل دوم : اندونزی
۱۰.....	۱- تاریخچه
۱۴.....	۲- اهداف و سیاستهای آموزش عالی
۱۶.....	۳- انواع آموزش
۲۱.....	۴- آموزش عالی خصوصی
۲۷.....	۵- کیفیت آموزشی
۳۳.....	۶- ساختار نظام اداری
۳۶.....	۷- منابع مالی
۳۷.....	۸- برنامه‌های توسعه
۴۲.....	منابع
۴۳.....	فصل سوم : ژاپن
۴۳.....	۱- تاریخچه
۵۰.....	۲- اهداف و سیاستهای آموزش عالی
۵۲.....	۳- انواع مؤسسات آموزش عالی
۶۰.....	۴- آموزشهای فنی و حرفه‌ای

۶۴	۱- آموزش عالی خصوصی.....
۶۸	۲- کیفیت آموزش.....
۸۰	۳- ساختار نظام اداری.....
۸۲	۴- وضعیت اشتغال دانش آموختگان دانشگاهها.....
۸۶	۵- ویژگیهای نظام اداری.....
۹۰	۱۰- ویژگیهای جذب و نگهداری نیروی انسانی.....
۹۴	۱۱- منابع مالی.....
۹۵	۱۲- برنامه‌های توسعه و سیاستهای اشتغال زایی.....
۱۰۰	منابع.....

## فصل چهارم : کره جنوبی ..... ۱۰۲

۱۰۲	۱- تاریخچه.....
۱۰۵	۲- اهداف و سیاستهای آموزش عالی.....
۱۰۶	۳- انواع مؤسسات آموزش عالی.....
۱۱۱	۴- آموزشهای فنی و حرفه‌ای.....
۱۱۷	۵- آموزش عالی خصوصی.....
۱۱۷	۶- ساختار نظام اداری.....
۱۱۹	۷- ویژگیهای نظام اداری.....
۱۲۱	۸- منابع مالی.....
۱۲۲	۹- برنامه‌های توسعه و سیاستهای اشتغال زایی.....
۱۳۹	۱۰- دلایل پیشرفتهای اقتصادی.....
۱۴۲	۱۱- برنامه‌های آینده.....
۱۴۴	منابع.....

## فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری ..... ۱۴۵

۱۶۵	منابع.....
-----	------------

## مقدمه

آسیایی‌ها همیشه از اینکه فرزندان خود را به خوبی تربیت کرده‌اند، به خود می‌بالند. رهبران برخی از این کشورها، طی سالیان اخیر بارها درباره مزایای ارزشهای آسیایی و این که نظم در آموزشگاهها، دانشگاهها و دولتهای مشابه آسیایی، بهتر از آزادی به سبک غرب عمل می‌کند، سخنانی ایراد کرده‌اند.

در واقع آموزش افراد یکی از پیچیده‌ترین وظایف کشورها بویژه کشورهای در حال رشد به شمار می‌آید. شاید بتوان گفت که هیچ وظیفه‌ای به اندازه آموزش افراد در یک جامعه، بویژه جوامع در حال توسعه، در تحکیم ارزشهای آن جامعه، انتقال دانش و تکنولوژی و افزایش توان تولیدی آن نقش اساسی نداشته باشد. زیرا نظام آموزشی از یک سو ارزشهای جامعه را در فرد پرورش می‌دهد و از سوی دیگر همزمان با پرورش تواناییهای بالقوه او تفکر انتقادی فرد را جهت تصدی مشاغلی در بخشهای مختلف اجتماعی و اقتصادی آماده می‌کند.

این ارتباط در نظام آموزش عالی بیشتر به چشم می‌خورد. زیرا نظام آموزش عالی کشورها وظایف سنگینی برعهده دارند. حفظ، انتقال و توسعه میراث فرهنگی، ارزشهای اجتماعی و تربیت نیروی انسانی متخصص از جمله این وظایف می‌باشد. دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، مراکزی برای عرضه آموزش عالی هستند که به عنوان کانون یاددهی و یادگیری، تدریس و تحقیق را در رشته‌های تحصیلی مختلف دانشگاهی، به صورت عمقی ارائه می‌کنند و فرصت به فعلیت در آوردن تواناییهای هوشی، اخلاقی و عملی را برای دانشجویان فراهم می‌سازد.

علاوه بر اینها نقش و جایگاه نظام آموزش عالی در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی برکسی پوشیده نیست و در واقع می‌توان گفت که نظام آموزش عالی مهمترین نقش را در رشد و توسعه کشورهای مختلف برعهده دارد.

در این تحقیق سعی می‌شود تا حاصل ثمره و تلاش ۳ کشور شرق آسیا جهت سرمایه‌گذاری در نظام آموزشی جهت تربیت نیروی انسانی متخصص تشریح و تحلیل شود. زیرا این کشورها با آینده‌نگری دقیق و سرمایه‌گذاری مادی و معنوی در نظام آموزشی توانسته‌اند به اهداف عالی خود جامه عمل بپوشانند. کشورهای شرق آسیا از جمله معدود کشورهایی هستند که ظرف ربع قرن گذشته

توانسته‌اند با اتخاذ سیاستهای آموزشی درست و برنامه‌ریزی مناسب، موفقیت‌های چشمگیری در زمینه‌های رشد و توسعه، کاهش فقر و افزایش سطح رفاه اجتماعی به دست آورند.

در این تحقیق برای آشنایی با سیاستهای منطقه شرق آسیا، نظامهای آموزش عالی کشورهای اندونزی، ژاپن و کره جنوبی و ارتباط آنها با برنامه‌های توسعه و بازار کار از بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون بررسی می‌شود.

کشورهای یاد شده در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، کوششهای قابل توجهی را در زمینه توسعه نظام آموزشی و منابع انسانی به عمل آورده و به موفقیت‌های چشمگیری در این زمینه‌ها نایل شده‌اند. شاخصهای کمی نظیر تعداد افراد تحصیلکرده و تعداد دانشجو نشان می‌دهد که آنها در چهاردهه اخیر پیشرفتهای قابل توجهی در این موارد به دست آورده‌اند.

ژاپن که از کشورهای یاد شده پیشرفته‌تر و صنعتی‌تر است، فاقد منابع طبیعی است و عمدتاً به صادرات کالاهای صنعتی متکی است. این کشور در دهه ۷۰ توانست طوری پیشرفت نماید که از آن به عنوان **“معجزه اقتصادی”** یاد می‌کنند. به طوری که غربی‌ها مجبور شدند در مقابل کالاهای صادراتی ژاپن، سیاست حمایت از کالاهای خویش را در پیش گیرند.

کره جنوبی نیز متکی به صادرات کالاهای صنعتی است. کره‌ای‌ها بعد از به کارگیری تجارب ژاپن، اکنون در زمینه‌های متعددی با این کشور به رقابت برخاسته‌اند. از تمایل خود به استفاده از صنایع و تکنولوژی ژاپن کاسته‌اند و سعی دارند که سرمایه‌گذاران مشترکی با شرکتهای صنعتی اروپایی و آمریکایی داشته باشند.

ژاپن و کره جنوبی اتکای بیشتری به تکنولوژی بازار و سرمایه آمریکا دارند. در ژاپن و کره جنوبی احساس وحدت ملی قوی‌ای وجود دارد و دولت‌مردان این دو کشور با استفاده از این نیروی قوی با گامهای سریعی توانسته‌اند تکنولوژی غرب را جذب کرده و بومی‌سازند و سپس توسعه و گسترش دهند.

این دو کشور که از خاکسترهای جنگ، صنایع سنگین، متوسط و کوچک خود را گسترش داده و به تولید انبوه رسانده‌اند، از کشتی‌سازی و صنایع فولاد شروع کرده و به سمت صنایع الکترونیکی حرکت کرده‌اند.

اندونزی از کشورهای یاد شده، عقب مانده‌تر است ولی از منابع طبیعی سرشاری برخوردار است. این کشور در صورت استفاده بهینه از امکانات طبیعی و انسانی خود می‌تواند به یک قدرت اقتصادی منطقه‌ای و حتی جهانی تبدیل شود.



همچنان که اوضاع واحوال اقتصادی واجتماعی جهانی تغییر پیدا می‌کند، کشورها مجبور می‌شوند که تغییراتی در نظامهای اجتماعی خود برای مطابقت با تحولات مذکور بدهند. بدون تردید ضرورت لازمه تغییرات اجتماعی، اصلاح و تغییر نظامهای آموزشی است. از اینرو کشورهای شرق آسیا با توجه به مسأله یا دشده سرمایه‌گذاریهای زیادی روی نظام آموزشی و تکنولوژیهای جدید آموزشی نموده‌اند. به طوری که رایانه در بعضی از این کشورها همانند یک راه میانه برای آموزش مدرن عمل می‌کند. کشورهای مذکور یک برنامه دراز مدت و جدی را برای به کارگیری انواع تکنولوژیهای جدید آموزشی به تمام آموزشگاهها ودانشگاههای کشورهای خود آغاز کرده‌اند.

علاوه بر اینها، برای کسب علوم ودانشهای جدید مبادلات علمی گسترده‌ای را با کشورهای پیشرفته انجام داده‌اند. برای بومی سازی علوم و تکنولوژیهای جدید نیز هزینه‌های هنگفتی را صرف امور تحقیق وتوسعه نموده‌اند.

کشورهای شرق آسیا اخیراً با توجه به تغییر وتحولات جهانی، تأکید زیادی بر روی تکنولوژی اطلاعاتی، الکترونیکی و بیوتکنولوژی کرده‌اند. از این رو برخی معتقدند که این کشورها با استفاده از تکنولوژی ودانش غربی به قدرتهای بزرگ قرن بیست و یکم تبدیل خواهند شد. از این رو تلاش می‌شود تا ضمن معرفی نظامها وسیاستهای آموزش عالی این کشورها، ارتباط آنها با برنامه‌های توسعه وبازار کار بررسی وتحلیل شود.

این تحقیق در یک مقدمه و ۵ فصل به شرح زیر ارائه شده است:

فصل اول، شامل بیان مسأله، اهمیت و ضرورت تحقیق، اهداف تحقیق و روش تحقیق می‌باشد. در فصول دوم، سوم و چهارم به ترتیب نظامهای آموزش عالی کشورهای اندونزی، ژاپن و کره جنوبی و ارتباط آنها با برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشورها بررسی شده است.

فصل پنجم نیز اختصاص به بحث ونتیجه‌گیری دارد. در این فصل ضمن بررسی شاخصهای مهم پیشرفت وتوسعه کشورهای اندونزی، ژاپن و کره جنوبی ومقایسه آنها با ایران، پیشنهاداتی جهت ارتباط بیشتر نظام آموزش عالی با برنامه‌های توسعه وبازار کار کشورمان ارائه شده است. امید است که از تجارب این کشورها جهت پی‌ریزی ساختار وزارت علوم، تحقیقات وفناوری، تربیت نیروی انسانی متخصص وارتباط نظام آموزش عالی با برنامه‌های توسعه وبازار کار استفاده شود واقداماتی جهت رفع مشکلات ونارساییهای کنونی صورت گیرد.

# فصل اول

## طرح تحقیق

### ۱- بیان مسأله

بعد از پایان جنگ جهانی دوم ورهایی اکثر کشورهای جهان سوم از سلطه استعماری غرب موضوع رشد و توسعه این کشورها به صورت موضوع روز در آمد. ازاینرو مقامات این کشورها تلاشهایی را برای بازسازی نهادهای جامعه خود و ایجاد مؤسسات مورد نیاز آغاز کردند.

آنها در این رابطه توجه خاصی به نظام آموزشی بویژه نظام آموزش عالی خود نمودند. زیرا نظام آموزش عالی کشورها وظایف سنگینی برعهده دارند. حفظ، انتقال و توسعه میراث فرهنگی و ارزشهای اخلاقی و اجتماعی، تبیین مبانی سازگاری اجتماعی و تربیت نیروی انسانی متخصص از جمله این وظایف می باشد. کوشش در راه ایجاد و گسترش تعاون و تفاهم ملی و بین المللی نیز از جمله وظایف مهم آموزش عالی محسوب می شود. به علاوه نقش و جایگاه نظام آموزش عالی در توسعه اقتصادی و اجتماعی برکسی پوشیده نیست. زیرا مبنای هر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی توسعه منابع انسانی است و این از کارکردهای مهم نظام آموزش عالی است [۲].

در چند دهه گذشته تقاضا برای آموزش عالی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، روند صعودی داشته است. افزایش تعداد داوطلبان همراه با افزایش هزینه های آموزشی باعث شده است که مسایل و مشکلات فراوانی برای نظام های آموزش عالی این کشورها بوجود آید و کارآیی درونی و برونی چنین نظامهایی به طور قابل انتظاری کاهش یابد [۱].

رویدادها و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین تغییرات سریع تکنولوژیکی، نظام های آموزش عالی اغلب کشورها را با مشکلات بیشماری روبه رو کرده است. عمده ترین این مشکلات عبارتند از:

الف- افزایش جمعیت و تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و در نتیجه گسترده‌تر و پیچیده‌تر شدن نظام آموزش عالی

ب- هماهنگ نبودن دروس دانشگاهی با برنامه‌های توسعه و نیازهای بازار کار و دشواری جذب دانش‌آموختگان آموزش عالی در بازار کار

ج- کاهش فرآیند یاددهی و یادگیری و پژوهش در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی

د- متناسب نبودن منابع مالی با افزایش فعالیتهای آموزشی و پژوهشی

از این رو ضروری است که راهکارهایی برای حل مسایل مطرح شده ارائه شود. زیرا به نظر می‌رسد که در آینده با توجه با افزایش جمعیت دانشجویی، مشکلات جدی‌تر شود.

بررسی هر کدام از موضوعات مذکور نیازمند تحقیقات گسترده‌ای است. اما به نظر می‌رسد که با توجه به اوضاع کنونی جهانی (سیاستهای جهانی سازی)، ارتباط نظام آموزش عالی با بازار کار، جدیدترین مسأله باشد و شاید در سالهای آینده تبدیل به جدی‌ترین و حادترین مسأله شود. زیرا فرصتهای شغلی کنونی قادر به پاسخگویی به سیل تقاضاهای جوانان جویای کار نیست و هر روز بر شمار بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی افزوده می‌شود. از این رو انجام تحقیقی به منظور بررسی این مسأله ضرورت دارد.

از طرف دیگر شکافتن مسأله یادشده نیازمند بررسی تجارب جهانی است. در این رابطه به نظر می‌رسد تجارب کشورهای که با کشور ما تشابهات تاریخی و فرهنگی بیشتری دارند اهمیت و اولویت بیشتری داشته باشند. از این رو در این تحقیق به بررسی نحوه ارتباط نظام آموزش عالی کشورهای شرق آسیا (اندونزی، ژاپن و کره جنوبی) با برنامه‌های توسعه و بازار کار این کشورها پرداخته می‌شود.

این امر از آنجا اهمیت بیشتری می‌یابد که برخی از کشورهای شرق آسیا از جمله ژاپن توانسته‌اند به خوبی نظام آموزش عالی خود را با برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و بازار کار پیوند دهند. زیرا این کشور به سرعت دریافت که برای رسیدن به توسعه و پیشرفت باید نظام آموزشی متناسب با نیازهای جامعه ایجاد کند. این کشور توانست با توجه به تلاشهای مدیران خود نظام آموزشی مستقلی ایجاد کند که امروزه مدلی برای سایر کشورهای در حال توسعه شده است.

از این رو این سؤالات مطرح می‌شود:

۱- کشورهای شرق آسیا تحت چه شرایطی موفق به اصلاح و توسعه نظام آموزشی خود شدند؟

۲- کشورهای شرق آسیا چه سیاستهایی را برای تربیت نیروی انسانی متخصص و اشتغال آنها

در پیش گرفتند؟

۳- کشورهای شرق آسیا چه سیاستهایی را برای پیوند نظام آموزش عالی با برنامه‌های توسعه و بازار کار در پیش گرفتند؟

۴- میزان مشارکت مردم و بخش خصوصی در سرمایه گذاری در نظام آموزش عالی چه اندازه است؟

## ۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، مذهبی و جغرافیایی کشورهای مختلف نظام‌های اجتماعی مختلف بوجود می‌آورد. نظام‌های آموزش عالی این کشورها نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این رو تجارب کشورهای مختلف درباره ساختار نظام آموزش عالی و ارتباط آن با برنامه‌های توسعه اقتصادی و فرهنگی و بازار کار برای مقامات و دست‌اندرکاران کشور می‌تواند بسیار مفید و ارزنده باشد. زیرا می‌تواند آنها را با دستاوردهای این کشورها آشنا سازد و از تجارب مثبت آنها جهت بهره‌برداری در نظام آموزش عالی کشور استفاده نمایند. بدین ترتیب مطالعه تطبیقی ارتباط نظام آموزش عالی با برنامه‌های توسعه و بازار کار بویژه در کشورهای در حال توسعه و آسیایی ضروری به نظر می‌رسد. زیرا این کشورها همواره مورد تهاجم و سلطه استعماری کشورهای غربی بوده‌اند.

این تحقیق از آنجا اهمیت بیشتری می‌یابد که قشر جوان و تحصیلکرده نقش مهمی در روند توسعه کشور دارد و با توجه به افزایش تعداد آنها طی سالیان اخیر، خواه ناخواه افزایش تقاضای اشتغال را به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر با توجه به آمارهای موجود، فرصت‌های شغلی کنونی جوابگوی تقاضای فراینده آنها نیست و نبود امکانات برای ایجاد اشتغال کامل باعث تشدید بیکاری جوانان در جامعه خواهد شد. به عبارت دیگر فشار بر بازار کار باعث تشدید بیکاری، ایجاد بیکاری پنهان، رشد و گسترش مشاغل خدمات واسطه‌ای و غیر مولد و کاذب در جامعه خواهد شد.

از طرف دیگر آشنایی با الگوهای سایر کشورها در مورد ارتباط نظام آموزش عالی با بازار کار راه را برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و مولد هموار خواهد ساخت. زیرا اشتغال مولد یکی از مهمترین ابزارهای مؤثر به منظور توزیع عادلانه درآمدها، افزایش خدمات اساسی و بهبود سطح زندگی اکثریت افراد جامعه است.

آگاهی از روند ارتباط نظام آموزش عالی با بازار کار، ساختار اشتغال را در اقدام جهت سالم سازی ساختار و اقتصاد جامعه تواناتر خواهد ساخت. بدین ترتیب می توان گفت ضرورت انجام چنین تحقیقی ناشی از عوامل زیر است:

۱- از آنجایی که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در حال شکل گیری است، آشنایی با تجارب سایر کشورها در زمینه ساختار جدید می تواند بسیار مفید باشد.

۲- توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در حال حاضر از اهداف اولیه و اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران است.

۳- شناخت نظام آموزش عالی کشورهای مختلف و ارتباط آنها با برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بازار کار ابزار مناسبی در اختیار برنامه ریزان و سیاستگذاران توسعه کشور قرار خواهد داد تا اقداماتی در این زمینه انجام دهند.

۴- از تجارب کشورهای شرق آسیا می توان جهت بومی ساختن علوم و تکنولوژی استفاده کرد.

۵- با نحوه استفاده از تجارب، سرمایه گذاری و تخصص بخش خصوصی در نظام آموزش عالی و ایجاد اشتغال آشنا شد.

### ۳- اهداف تحقیق

۱-۳- هدف کلی - معرفی نظامهای آموزش عالی کشورهای اندونزی، ژاپن و کره جنوبی و ارتباط آنها با بازار کار و آشنایی با سیاستهای اشتغال زایی دانش آموختگان آموزش عالی آنها به منظور انتخاب الگوها و سیاستهای کار آمد که با اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران انطباق بیشتری داشته باشند. تا بدین طریق بتوان با استفاده از تجارب آنها راه را برای رسیدن به اشتغال دانش آموختگان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ورشد و شکوفایی اقتصاد ایران هموار ساخت.

علاوه بر اینها هدف دیگر تحقیق کمک به برنامه ریزان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جهت تهیه و تنظیم یک استراتژی کارا برای هماهنگ ساختن دروس دانشگاهی با برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است.

۲-۳- اهداف جزئی - ۱- بررسی تاریخچه و سیر تحول و تکامل دانشگاهها و مؤسسات

آموزش عالی کشورهای شرق آسیا (اندونزی، ژاپن و کره جنوبی)

- ۲- آشنایی با اهداف و سیاستهای آموزش عالی کشورهای شرق آسیا
- ۳- آشنایی با آموزشهای فنی و حرفه‌ای کشورهای شرق آسیا
- ۴- بررسی ساختار و نحوه اداره دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشورهای شرق آسیا
- ۵- بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان این کشورها
- ۶- بررسی وضعیت و راههای تأمین منابع مالی دانشگاههای کشورهای شرق آسیا
- ۷- آشنایی با برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای شرق آسیا
- ۸- بررسی تجارب کشورهای شرق آسیا جهت مشارکت دادن مردم و بخش خصوصی در تولید علوم و فنون و کاربردی کردن آنها
- ۹- ارائه پیشنهادهاى عملی به منظور ارتباط نظام آموزش عالی با بازار کار

#### ۴- سؤالاتی تحقیق

- ۱- تاریخچه و سیر تحول و تکامل دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشورهای شرق آسیا (اندونزی، ژاپن و کره جنوبی) به چه صورت بوده است؟
- ۲- نظام آموزشی کشورهای شرق آسیا چه اهداف و سیاستهایی را دنبال می‌کنند؟
- ۳- آموزشهای فنی و حرفه‌ای کشورهای شرق آسیا به چه صورت است؟
- ۴- ساختار و نحوه اداره دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشورهای شرق آسیا چگونه است؟
- ۵- برنامه ریزان آموزش عالی کشورهای شرق آسیا چه سیاستهایی را جهت ایجاد رشته‌ها و دوره‌های تحصیلی مورد نیاز جامعه در پیش گرفتند؟
- ۶- نحوه تأمین منابع مالی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشورهای شرق آسیا چگونه است؟
- ۷- کشورهای شرق آسیا چه برنامه‌هایی را برای رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خود اتخاذ کردند؟
- ۸- کشورهای شرق آسیا چه سیاستهایی را جهت مشارکت دادن مردم و بخش خصوصی در ایجاد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و کاربردی کردن علوم و فنون به مورد اجرا گذاشتند؟

## ۵- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، روش توصیفی - تحلیلی است. در این تحقیق تلاش شده است که براساس اطلاعات کتابخانه‌ای نظامها و برنامه‌های آموزش عالی کشورهای اندونزی، ژاپن و کره جنوبی جهت تربیت نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز جامعه و ارتباط آنها با برنامه‌های توسعه و بازار کار این کشورها توصیف و تشریح شود. سپس این اطلاعات جهت بهره‌گیری از تجارب مثبت آنها در پی ریزی ساختار وزارت، علوم، تحقیقات و فناوری و ارتباط نظام آموزش عالی با بازار کار و حل مشکلات مبتلا به مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و به روش علمی دستاوردهای آنها تبیین شود. زیرا برای تنظیم راهبردها و برنامه‌ریزیهای آینده شناخت دقیق وضعیت گذشته و حال کشورهای در حال توسعه ضروری است تا بتوان براساس آنها برای آینده بخش نظام آموزش عالی پیش‌بینی‌های لازم را نمود.

براین اساس تاریخچه، اهداف، ساختار، نحوه اداره، میزان مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی و برنامه‌های توسعه این کشورها و همچنین تنگناها و مشکلات آنها بیان می‌شود. سپس مطالب مذکور با نظام آموزش عالی ایران مقایسه و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و آنگاه نتایج حاصله به عنوان تجارب آموزنده و قابل توجه ارائه می‌شود. متغیرهای مورد مطالعه عبارتند از: میزان جمعیت، تعداد دانشگاهها، تعداد دانشجویان، تعداد دانش‌آموختگان، شیوه تربیت نیروی انسانی متخصص و تأثیر آن بر اشتغال و سرمایه‌گذاریهای داخلی و خارجی این پژوهش از نظر گرد آوری آمار، اطلاعات و تجزیه و تحلیل، یک تحقیق توصیفی محسوب می‌شود، ولی از نظر هدف یک تحقیق کار بردی محسوب می‌گردد.

## منابع

- ۱- بازرگان، عباس (۱۳۷۲)، کندوکاوی در کیفیت و مسایل آموزش عالی کشورهای جهان سوم: تجربه کشور اندونزی، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
- ۲- سرکارآرانی، محمد رضا (۱۳۷۰)، مطالعه تطبیقی آموزش و پرورش ژاپن و ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدرسی علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، استاد راهنما محمدعلی طوسی

## فصل دوم

### اندونزی

#### ۱- تاریخچه

اندونزی کشوری در حوزه اقیانوسیه است که امکانات زیادی را برای تبدیل شدن به یک قدرت صنعتی منطقه‌ای و حتی جهانی دارد .

اندونزی دارای منابع نفتی و معدنی زیادی است و علی‌رغم اینکه اکثر درآمد این کشور از این منابع و همچنین محصولات کشاورزی نظیر برنج، کائوچو و روغن نخل تأمین می‌شود، اما دولت این کشور از طریق برنامه‌های توسعه اقتصادی و به‌کارگیری فن‌آوری‌های نوین توانست به پیشرفت‌های مهمی دست یابد .

اندونزی در عین حال دارای بزرگترین نظام آموزش عالی در میان کشورهای اسلامی است. این کشور توانسته است ضمن گذشتن از مراحل اولیه توسعه اقتصادی و اجتماعی دارای بزرگترین نظام آموزشی غیر دولتی باشد. به طوری که هم‌اکنون بیش از یک‌هزار و هشتصد دانشگاه خصوصی و هفتاد دانشگاه دولتی در این کشور فعال هستند .

ساختار نظام آموزشی این کشور چنان است که علی‌الاصول هر یک از سطوح آن، افراد را برای سطح خاصی از هرم نیروی انسانی آماده می‌کند . به عبارت دیگر نظام آموزشی اندونزی سعی بر آن دارد که افراد مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را تربیت کند. از این رو "برون داد" (دانش آموخته) هر یک از زیر نظام‌های آموزشی بابه دست آوردن دانش و کسب مهارت‌های مربوط به سطوح متناظر هرم نیروی انسانی، به بازار کار روی می‌آورد و یا در سطح آموزشی بالاتر ثبت نام می‌کند [۱].

نظام آموزشی اندونزی مراحل مختلفی را گذرانده است که در زیر بدانها اشاره می‌شود:  
دولت هلند در زمانی که اندونزی را تحت استعمار خود داشت، کوشش چندانی برای توسعه آموزش عالی در این کشور به عمل نیاورد. دولت هلند در سال ۱۹۲۲ نخستین دانشکده پزشکی را در جاکارتا ایجاد نمود .



طی دو دهه بعد دانشکده‌های فنی، حقوق، ادبیات و کشاورزی در جزیره جاوه پایه گذاری شدند.

توسعه آموزش عالی در زمان استعمار اندونزی توسط هلند بسیار کند بود، به طوری که در سال ۱۹۴۰ در این کشور کمتر از ۴۰۰ دانشجوی مشغول تحصیل بودند که از این تعداد تنها ۱۶۰ دانشجو بومی بودند.

در واقع آموزش عالی در اندونزی در دوران تسلط هلندیها بر این کشور، نه تنها از نظر کمیت بلکه از نظر کیفیت نیز در سطح نازلی بود. آموزش عالی در اندونزی در این دوران، تقلیدی از روشهای آموزش عالی در هلند بود. به عبارت دیگر آموزش عالی منحصر به انتخاب و آموزش معدودی از برگزیدگان بود. یعنی گسترش فرایند آموزش عالی برای پاسخگویی به مسایل جامعه مطرح نبود [۲].

قرار بود این مراکز به عنوان پایه‌هایی برای تأسیس یک دانشگاه استفاده شود، اما به واسطه هجوم ارتش ژاپن به این مجمع الجزایر در سال ۱۹۴۳، این امر امکانپذیر نشد. در دوران تسلط ژاپنی‌ها نیز آموزش عالی در این کشور چندان توسعه پیدا نکرد.

در دوران انقلاب اندونزی سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰، هم دولت اندونزی و هم دولت اشغالگر هلند، تلاش کردند تا مؤسسات آموزش عالی را گسترش دهند. حاصل این تلاشها ایجاد ۲ دانشگاه، به نامهای دانشگاه گادجاه مادا ("UGM" University Gadjahmada) که در سال ۱۹۴۹ در یوگیاکارتا و دانشگاه اندونزی ("UI" University Indonesia) در ۱۹۵۰ بود که در جاکارتا ایجاد گردید.

در واقع، نخستین دانشگاه ملی اندونزی (گادجاه مادا) از مجموع دانشکده‌های یاد شده ایجاد شد.

اندونزی در سال ۱۹۴۷ دارای ۳۰۰۰ دانشجو بود که در مؤسسات آموزش عالی یاد شده مشغول تحصیل بودند.

به دنبال آن در دهه ۱۹۵۰، ایجاد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی رشد و توسعه شتابانی یافت. خصوصیات عمده این توسعه عبارت بودند از تأکید بر روی کمیت، تلاش برای ایجاد عدالت آموزشی در مناطق مختلف و مبارزه میان سیاستمداران و دانشگاهیان برای تسلط بر امور دانشگاهها.

بدین ترتیب در اوایل دهه ۱۹۵۰، علاوه بر ۲ دانشگاه فوق الذکر، ۳ دانشگاه دیگر به نامهای دانشگاه کشاورزی در بوگور، دانشگاه فنی در باندونگ و دانشگاه ایرلانگا در سورابایا ایجاد شدند. دانشگاههای یاد شده نقش مادر را برای شکل گیری دانشگاههای دیگر داشته‌اند.

در این دهه وزارتخانه‌های مختلف نیز برای آموزش و تربیت کارکنان خود مبادرت به ایجاد مؤسسات آموزش عالی کردند. تعداد این مراکز آموزشی از ۶ واحد در سال ۱۹۵۰ به ۴۵ واحد در سال ۱۹۵۹ رسید .

در دهه ۱۹۶۰ نیز ۸ دانشگاه در اندونزی ایجاد شد که اکثر آنها در جاوه بود. در این دهه تعداد دانشجویان از ۶۰۰۰ نفر در سال ۱۹۵۰ به ۳۷۷۵۰ نفر در سال ۱۹۶۰ رسید .

در سال ۱۹۶۰ وزارتخانه مستقلی برای آموزش و پرورش ایجاد شد . در دوران استعمار حدود نیمی از دانشگاه‌های اندونزی در جزیره جاوه بزرگترین جزیره این کشور که حدود دو سوم جمعیت اندونزی در آن زندگی می‌کنند ایجاد شده بودند ، اما بعد از استقلال به تدریج دیگر ایالت‌های این کشور نیز خواستار ایجاد دانشگاه دولتی گردیدند .

از اینرو طی دو دهه پس از استقلال اندونزی ، مقامات این کشور برای استقرار عدالت آموزشی توزیع جغرافیایی عادلانه منابع وامکانات آموزشی و در نتیجه توسعه این کشور تصمیم به تأسیس دانشگاه‌هایی در سایر ایالتها گرفتند .

در سال ۱۹۶۱ ، یک قانون ملی درباره آموزش عالی به تصویب رسید. براساس این قانون دولت متعهد شد که در هر یک از ۲۲ ایالت آن زمان حداقل یک دانشگاه دولتی ایجاد کند. در این رابطه چندین دانشگاه دولتی در دیگر ایالت‌های این کشور ایجاد شد .

در این قانون همچنین بر لزوم آموزش فن‌آوری و علوم تأکید بیشتری به عمل آمد . در همین حال برای توجه به وضعیت مدارس این کشور، تقاضا برای ایجاد دانشکده‌های تربیت معلم افزایش یافت و ۵ مرکز تربیت معلم در این کشور ایجاد شد. دولت اندونزی در ابتدا بیشترین اولویت را به توسعه مدارس دوره‌های ابتدایی داد.

در همین حال فعالیت‌های بخش آموزش عالی غیر دولتی نیز افزایش یافت. سازمانهای اسلامی و مسیحی نیز در این زمینه فعالیت‌های خود را گسترش دادند، به طوری که برخی از این دانشگاهها قابل رقابت با دانشگاههای دولتی بودند .

توجه دولت به گسترش آموزش عالی باعث شد که در سال ۱۹۶۷، تعداد دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی به ۱۰۳۱۴۵ نفر برسد .

در این دوره احمد سوکارنورئیس جمهور اندونزی اقداماتی را برای توسعه این کشور انجام داد که به "دموکراسی هدایت شده" موسوم گشت. براساس این سیاست مقرر شد که اصول پانچا شیلا (PANCASILA) در برنامه های درسی مدارس گنجانیده شود. این امر بر ماهیت و سرعت گسترش آموزش عالی تأثیر گذاشت .

اقدامات مذکور می‌توانست اثرات چشمگیری بر نظام آموزش عالی این کشور بگذارد. اما متأسفانه در ابتدای دهه ۶۰، اقتصاد اندونزی با مشکلات زیادی روبه‌رو شد. علاوه بر اینها دولت احمد سوکارنو رئیس جمهوری وقت اندونزی سقوط کرد و جای او را سوهارتو گرفت. وی عمده توجه خود را به سروسامان دادن به اقتصاد بیمار کشور متمرکز کرد، در نتیجه آموزش عالی در حاشیه قرار گرفت.

در سال ۱۹۷۰، تعداد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی به ۱۸۰ و مؤسسات آموزش عالی خصوصی به ۲۰۰ واحد رسید .

در سال ۱۹۷۵، اقداماتی برای گسترش تحصیلات تکمیلی به عمل آمد. در این رابطه مراکزی برای ارائه دوره‌های کارشناسی ارشد و بالاتر ایجاد شد که تاکنون تعداد آنها به ۱۰ مرکز رسیده است که ۹ مرکز آن در جاوه است .

این مراکز اعضای هیأت علمی خود را از دیگر دانشگاهها تأمین می‌کنند . اقدام دیگری که برای گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی انجام شد، تأسیس ۱۶ مرکز میان دانشگاهی در ۵ دانشگاه منتخب است . هر یک از این مراکز مسئولیت انجام پژوهش در یک رشته خاص از زمینه‌های زیر را به عهده دارند :

مهندسی، علوم رایانه‌ای، فن‌آوری زیستی، غذا و تغذیه، علوم زیستی (حیاتی)، میکروالکترونیک، اقتصاد و مطالعات اجتماعی [۸]

دانشجویان اندونزیایی به طور سنتی در اکثر اعتراضات سیاسی شرکت می‌نمایند. به عنوان مثال آنها نقش مهمی در سقوط دولت سوکارنو داشتند .

دولت اندونزی در سال ۱۹۷۸ درصد برآمد با اتخاذ تدابیری فعالیتهای آنها را درون دانشگاهها محدود نماید. این امر موقتاً مؤثر بود، اما چندی بعد دانشجویان بار دیگر برسر مسایل حقوق بشر به تظاهرات پرداختند .

وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی در سال ۱۹۷۹ برای افزایش کارایی برنامه‌های درسی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، اصلاحاتی در این برنامه‌ها به عمل آورد. براساس این اصلاحات دوره‌های تحصیلات دانشگاهی از نظام هلندی به نظام آمریکایی یعنی واحدی تغییر پیدا کرد. دوره های تحصیلی قبلی ۵ساله و از ۲ مرحله تشکیل می‌شد. مرحله اول ۳سال بود و به درجه سرجانا مودا می‌انجامید . مرحله دوم ۲سال بود و به مدرک نهایی سرجانا منتهی می‌شد .

براساس برنامه واحدی دوره کارشناسی چهار سال است و اکنون نیز ادامه دارد .

در سال ۱۹۸۱، در اندونزی ۴۱ دانشگاه و مؤسسه آموزشی فنی دولتی و ۴۴۸ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی خصوصی مشغول فعالیت بودند. کل افرادی که در سال مذکور در دانشگاهها و مدارس عالی ثبت نام کرده بودند ۵۹۶۷۸۱ نفر بوده است [۷].

در سال ۱۹۸۹، تعداد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی به ۴۹ و خصوصی به ۷۲۰ واحد رسید. تعداد دانشجویان دانشگاههای مذکور حدود ۱/۶۰۰/۰۰۰ نفر بود که حدود یک میلیون تن آنها در مؤسسات آموزش عالی دولتی و ۶۰۰/۰۰۰ دانشجوی دیگر در مؤسسات آموزش عالی خصوصی مشغول تحصیل بودند.

در اوایل دهه ۱۹۹۰، حدود ۵۸/۴۰۰ عضو هیأت علمی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی اندونزی مشغول تحصیل بودند.

اندونزی با توجه به تغییر و تحولات جهانی در دهه ۹۰، طی سالهای ۱۹۹۵ به بعد سیاستهای جدیدی را در جهت بهبود کارایی و مدیریت آموزش عالی به مورد اجرا گذاشت.

سمت وسوی این سیاستهای جدید، حرکت به سوی خودگردانی بیشتر، پاسخگو و مسئول بودن بیشتر از طریق خود ارزیابی و اعتبار سنجی در کلیه مؤسسات آموزش عالی اعم از دولتی و یا خصوصی است. تجارب اندونزی در اجرای این سیاستهای جدید نشان داد که دانشگاهها به گونه‌ای مشتاقانه از این سیاستها استقبال کرده‌اند و سیاستهای جدید، تحولاتی را در بینش کارکنان بوجود آورده‌است و تعداد بیشتری از کارکنان در تصمیمات کلیه سطوح مدیریتی دانشگاه درگیر شده‌اند و در برخی موارد نمایندگانی از تشکلهای دانشجویی نیز در فرآیند تدوین برنامه‌ها مشارکت داشته‌اند [۶].

## ۲- اهداف و سیاستهای آموزش عالی

بر اساس اصل ۳۱ قانون اساسی اندونزی هر شهروند این کشور حق برخورداری از تعلیم و تربیت را دارد. در اصل ۳۲ نیز آمده است: دولت اعتلا و توسعه فرهنگ ملی را برعهده دارد. وظایف مربوط به آموزش و پرورش و آموزش عالی به عهده وزارت آموزش و فرهنگ گذاشته شده است.

علاوه بر قانون اساسی مجلس اندونزی نیز قوانینی برای نظام آموزشی این کشور تصویب می‌کند. در یکی از این قوانین آمده است: هدف آموزش و پرورش آن است که حس تسلیم کامل نسبت به خداوند متعال تقویت شود. اذهان و مهارتها پرورش یابد. رفتار مناسب ترویج شود، شخصیت و روحیه ملی و عشق به کشور پرورش داده شود و بدین ترتیب امکان رشد افرادی فراهم

گردد که مسئولیت توأم با رشد خود وعموم ملت را وجهه همت خویش قرار دهند. نظام آموزش و پرورش باید بر پایه ۵ اصل پانچاشیلا (PANCASILA) و قانون اساسی استوار باشد .

مبنای نظام آموزشی اندونزی براساس قانون شماره ۲ نظام ملی آموزشی (National Education System) مصوب سال ۱۹۸۹ استوار است [ ۹].

در این قانون تصریح شده است که نظام آموزشی اندونزی باید به صورت جامع وکاملاً منسجم وهمگانی اجرا شود .به عبارت دیگر نظام آموزشی باید در سراسر کشور یکسان باشد وتامی افراد جامعه به آن دسترسی داشته باشند .

هدف از انسجام ویکپارچگی نظام آموزشی این است که روابط میان تمامی سطوح وانواع آموزش به عنوان جزء لاینفک توسعه ملی حفظ گردد.

همچنین براساس اصول پانچاشیلا ،آموزش وپرورش باید براساس اصول انسانی وبا کیفیت بالا وپشتوانه رشد وتحول صورت گیرد.

دولت اندونزی برای توسعه آموزش عالی چندین موضوع اساسی را مدنظر قرار داده است :  
برابری دسترسی شهروندان به نظام آموزشی ،کیفیت آموزش ،سنخیت آموزش بانیاذهای توسعه ملی کشور و کارایی نظام آموزشی از جمله این موارد است .

براساس نظام آموزش ملی تمامی شهروندان صرفنظر از جنسیت ،پایگاه اجتماعی، مذهب وپیشینه قومی، حق برخورداری از آموزش مناسب در تمامی سطوح از کودکتان تا دانشگاه را دارند. اما مسایل مختلفی نظیر شرایط جغرافیایی، محدودیت حمل ونقل وامکانات ارتباطی میان ۱۷ هزار جزیره این کشور مانع تحقق این بند از قانون نظام آموزش ملی اندونزی شده است. همین امر سبب اختلاف در رشدوتوسعه اقتصادی ومیزان دسترسی به امکانات آموزشی در نقاط مختلف اندونزی شده است [ ۹].

اداره امورکلی آموزش وپرورش در اندونزی عمدتاً در کنترل دولت بوده وبوسیله وزارت آموزش وفرهنگ اعمال می گردد، ولی وزارت امور دینی اندونزی نیز مسئولیت اداره امور مدارس مذهبی این کشور را که عمدتاً مدارس اسلامی هستند برعهده دارد .

همچنین از آنجایی که دولت به تنهایی قادر به برآورده ساختن تقاضای اجتماعی برای کسب آموزش عالی، تربیت نیروی انسانی متخصص وتأمین بودجه دانشگاهها نیست، وزارت آموزش وفرهنگ اندونزی از همه گروههای اجتماعی برای ایجاد دانشگاههای خصوصی دعوت به عمل آورده است .براساس قانون مصوب سال ۱۹۸۹ ،ایجاد مؤسسات آموزش عالی خصوصی مجاز شمرده شده است .

وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی همچنین اقداماتی در جهت کمک به دانشجویان انجام داده است. براساس این اقدامات دانشگاههای دولتی به حدود ۱۰ درصد از دانشجویان بورس یا کمک هزینه تحصیلی می دهند. هدف از این کار، کمک به دانشجویان با استعداد خانواده های کم در آمد می باشد.

## ۳- انواع آموزش

آموزش پایه یا آموزش اجباری ۹ ساله ، حداقل آموزش برای شهروندان اندونزیایی است. دانش آموزان اندونزیایی پس از گذراندن دوره آموزش پایه دو راه پیش روی دارند : یا وارد دوره متوسطه شوند و یا پس از کسب مهارتهای بیشتر جذب بازار کار شوند .

مدت دوره آموزش متوسطه ۳ سال با ۲ جهت متفاوت است :

یک جهت دوره متوسطه عمومی است که دانش آموزان را برای ورود به آموزش عالی آماده می نماید . جهت دیگر آموزشهای فنی و حرفه ای است که مهارتهای لازم را که ویژه برخی مشاغل است، آموزش می دهد و دانش آموزان را برای اشتغال و ورود به بازار کار آماده می کند .

آموزش عالی نیز دارای ۲ جهت است که عبارتند از : آموزشهای علمی و آموزشهای فنی و حرفه ای. محور آموزشهای علمی متوجه قابلیت در کسب علوم و فن آوری در ۳ مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری است .

محور آموزشهای فنی و حرفه ای متوجه کسب مهارتها و به کارگیری فن آوری است که با عنوان برنامه های دیپلم مشخص می باشند .

مدت آموزشهای این دوره بین یک تا چهار سال است . با این حال اکثر برنامه های این دوره که تکنیسین تربیت می نماید ، ۳ سال است

### ۳-۱- شرایط ورود به دانشگاهها

- ۱- داشتن مدرک دیپلم که بعد از خاتمه تحصیلات ابتدایی و متوسطه (۱۲ سال) داده می شود.
- ۲- داوطلبان همچنین براساس معدل ۳ سال آخر دبیرستان ، نظرات مدیر دبیرستان و رتبه ای که در آزمون سراسری به دست آورده اند، انتخاب می شوند .

داوطلبان ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در ابتدا برای ورود به این مؤسسات باید در امتحانات ورودی سراسری که در ماه ژوئیه هر سال به طور همزمان در این کشور برگزار می‌شود، شرکت نمایند. دانش آموزان سال آخر دبیرستانها نیز در صورت تمایل می‌توانند در این امتحانات سراسری شرکت نمایند. آنها حداکثر می‌توانند ۳ رشته را انتخاب نمایند .

افرادی که بالاترین نمرات آزمون ورودی را آورده باشند می‌توانند وارد دانشگاهها شوند . همه ساله حدود چهارصد هزار نفر در امتحانات ورودی دانشگاههای اندونزی شرکت می‌نمایند.

علاوه بر این وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی برای رعایت عدالت آموزشی حدود ۳۰ درصد از ظرفیت پذیرش دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را برای دانش آموزان دبیرستانهای "مناطق" اختصاص داده است. این دانش آموزان براساس معدل ۳ سال آخر دبیرستان وبدون شرکت در آزمونهای ورودی وارد مؤسسات آموزش عالی می‌شوند .

مؤسسات خصوصی نیز نظام گزینش مخصوص خود را دارند. اما آنها نیز موظفند تا اصول قانونی مساوات در آموزش عالی را رعایت کنند[۹] .

مؤسسات آموزش عالی دولتی از طریق امتحانات ورودی سراسری تنها می‌توانند حدود ۳۰ درصد از داوطلبان را انتخاب نمایند .

در واقع دانشگاههای معتبر دولتی در رشته‌های پرطرفداری نظیر پزشکی ومهندسی (مکانیک وبرق) که داوطلبان بسیار زیادی دارند ، تنها قادر به پذیرش ۲ درصد از متقاضیان هستند .

تعداد دانش آموزان سال آخر دبیرستانها (اعم از عمومی و فنی وحرفه‌ای) ۱/۶ میلیون نفر در سال است که حدود چهار صد هزار نفر از آنها در آزمون ورودی دانشگاهها شرکت می‌کنند.

تعداد کل دانشجویانی که در سال وارد دانشگاهها ومؤسسات آموزش عالی دولتی اندونزی می‌گردند، ۲۲۵ هزار نفر است که ۷۵ هزار نفر آنها از طریق آزمونهای ورودی ، ۷۵ هزار نفر از طریق انتخاب مستقیم بهترین دانش آموزان دبیرستانهای مناطق مختلف وحدود ۷۵ هزار نفر دیگر از طریق گزینش ویژه دانشجو برای دوره‌های حاشیه‌ای است .

دانشگاههای خصوصی نیز سالیانه حدود ۳۰۰ هزار دانشجو پذیرش می‌نمایند .

در اندونزی ورود به دانشگاهها ومؤسسات آموزش عالی برای جوانان و خانواده‌های آنها مهم است. از این رو تقاضای ورود به چنین مراکزی زیاد است .

نکته دیگر این است که با توجه به کم بودن هزینه‌های تحصیلی در رشته‌های علوم انسانی واجتماعی گرایش به این رشته‌ها زیاد است. به طوری که امروزه بیش از ۷۵ درصد دانشجویان در

رشته‌های یادشده مشغول تحصیل هستند ۲۵ درصد دیگر نیز در رشته‌های علوم پایه فنی و مهندسی به تحصیل اشتغال دارند .

طی سالهای اخیر بر نحوه تدریس و آزمونهای ورودی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی انتقادهای جدی وارد شده است. آثار زیانبار و فزاینده تأکید بر حفظ مطالب درسی برای موفقیت در دوره دوم متوسطه و آزمونهای چند گزینه‌ای ورودی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از جمله این انتقادات است .

## ۲-۳- مقاطع تحصیلی

آموزش عالی در اندونزی شامل مراحل زیر است :

۱- کاردانی - مدت آن ۲ سال است.

۲- کارشناسی - مدت آن ۴ سال است . دانشجویان دوره کارشناسی باید ۱۴۰ واحد را بگذرانند تا موفق به دریافت مدرک شوند .

هر دانشجو می‌تواند تا ۲۲ واحد درسی در هر نیمسال تحصیلی انتخاب کند و اگر معدل وی به B یا خوب برسد می‌تواند در نیمسال تحصیلی بعد تعداد ۲۴ واحد بگیرد .  
برخی دروس عمومی نظیر دین و فلسفه دولتی اجباری هستند .

وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی در سال ۱۹۷۳، مصوبه‌ای را گذارند که براساس آن دانشجویان باید برای برخی کارهای عملی به روستاها بروند. هدف از این اقدام آشنا کردن دانشجویان با واقعیات زندگی مردم روستایی و به اجرا گذاشتن مفهوم خدمت به جامعه است .

۲- کارشناسی ارشد - مدت دوره کارشناسی ارشد ۲ سال و برای رشته‌های تخصصی ۲/۵ سال است. دانشجویان برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد باید ۲۴ واحد درسی را بگذرانند.  
دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری معمولاً حق انتخاب بیش از ۱۲ واحد در هر نیمسال تحصیلی را ندارند .

۲- دکتری - مدت دوره دکتری ۳ سال است و دانشجویان برای اخذ مدرک باید ۶۰ واحد را گذارند و یک رساله انتخاب نمایند. علاوه بر این ، آنها باید امتحان زبان خارجی را نیز با موفقیت بگذرانند.



٣-٣- أنواع مؤسسات آموزش عالی

متأسفانه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی اندونزی، تعداد کمی دانشجوی در رشته‌های علوم پایه و مهندسی می‌پذیرند و کیفیت آنها پایین است. علت این امر عمدتاً کمبود امکانات فیزیکی لازم برای برگزاری چنین دوره‌هایی است. از اینرو دولت به منظور کمک به مؤسسات خصوصی جهت دایر نمودن چنین رشته‌هایی مبادرت به ایجاد مراکز و تأسیسات آزمایشگاهی مشترکی برای آنها نموده است. این مراکز معمولاً در یک مجتمع ساختمانی قرار گرفته و مجهز به امکانات و تجهیزات لازم جهت استفاده دانشجویان مؤسسات آموزش خصوصی هستند. این مراکز از طریق انجمن مؤسسات خصوصی اداره می‌شوند.

بر اساس برآوردهایی که صورت گرفته، اندونزی در سال ۲۰۲۰ نیاز به حدود ۶ میلیون تکنیسین و ۲ میلیون مهندس دارد. بر اساس این برآوردها نسبت تکنیسینها به مهندسان باید ۳ به یک باشد، ولی در حال حاضر این نسبت ۲ به یک است. این ارقام نشان می‌دهد که نظام آموزش عالی اندونزی برای هماهنگ ساختن نظام آموزشی با نیازهای جامعه باید دچار تحولات اساسی شود.

از اینرو طرحهایی برای بهبود کیفیت و سنخیت آموزش عالی با بازار کار نظیر افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان به منظور برقراری تناسب میان نسبت دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته‌های علوم پایه و مهندسی با نیازهای توسعه کشور تدوین شده است. بر این اساس در نظر است که ظرفیت پذیرش دانشجویان رشته‌های علوم پایه و مهندسی از ۳۴ درصد کنونی به ۷۰ درصد افزایش یابد.

همچنین قرار است ۱۵۰ مؤسسه پلی تکنیک برای تربیت تکنیسین‌های مورد نیاز صنایع ایجاد شود. با تأسیس این مؤسسات تعداد دانشجویان رشته‌های کاردانی فنی و مهندسی (تکنیسین) به حداقل ۲ برابر تعداد دانشجویان دوره‌های کارشناسی (مهندسی) افزایش خواهد یافت.

دولت همچنین در نظر دارد از طریق پرداخت یارانه و مشوقهای لازم به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی نسبت دانشجویان شاغل به تحصیل در رشته‌های علوم پایه و فن آوری را طی ۲۵ سال آینده از سطح ۲۵ درصد کنونی به ۴۰ درصد افزایش دهد.

### ۱-۴-۳- دانشگاه و صنعت

افزایش مهارتها و قابلیت‌های دانش آموختگان به منظور برآورده ساختن نیازهای جامعه از ضروریات است. از اینرو وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی در تلاش بوده است تا دانشها و مهارتهایی را که به دانشجویان می‌آموزد کاربردی باشند و با پیشرفت علوم و فن آوری و همچنین تحولات صنعت هماهنگ باشند.

این امر مستلزم ارتباط دانشگاه و صنعت است که وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی سیاست تناسب و رابطه را در سال ۱۹۹۳ تدوین نمود تا به بهبود ارتباط آموزش عالی با صنایع کمک نماید. هدف از این امر برقراری ارتباط بیشتر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی است تا این مؤسسات آموزش عالی بتوانند دانشجویان خود را طوری تربیت نمایند که بتوانند پاسخگوی نیازهای صنایع باشند .

کارشناسان صنایع نیز می‌توانند با حضور در دانشگاهها آنها را از راهنمایی تا آموزش دروس یاری نمایند . آنها همچنین می‌توانند مؤسسات آموزش عالی را از نیازهای صنایع در زمینه رشته‌های تحصیلی ، نحوه تربیت و ارتقای قابلیتها و مهارتهای دانش آموختگان در زمان حال و آینده مطلع نمایند. از اینرو تبادل نظر و گفت و گوهای رسمی و غیر رسمی میان این دو نهاد ضروری است. در این راستا برای ارتباط بیشتر دانشگاهها و صنایع طرحی به نام "آموزش تعاونی" به مورد اجرا گذاشته شده است . براساس این طرح دانشجویان می‌توانند پس از گذراندن ۶ نیمسال تحصیلی در صنایع به کارآموزی پردازند. آنها در ابتدا به مدت ۶ ماه مأمور به خدمت در صنایع شده و همانند سایر کارکنان واحدهای مربوطه کار می‌کنند. پس از اتمام این دوره آنها به مؤسسات آموزشی خود برگشته و یک نیمسال دیگر مشغول تحصیل می‌شوند و سپس برای دومین بار به صنایع اعزام می‌گردند. در حال حاضر این طرح در ۲۰ دانشگاه و ۱۵ شرکت بزرگ داخلی و بین المللی اجرا می‌شود.

## ۴- آموزش عالی خصوصی

بخش خصوصی در نظام آموزش عالی اندونزی از دوران استعمار این کشور توسط هلند فعال بود. نخستین مؤسسه آموزش عالی خصوصی در سال ۱۹۴۵ توسط "بنیاد مذهبی اسلام" در یوگیاکارتا تأسیس شد .

به دنبال پیروزی انقلاب اندونزی، بخش خصوصی نیز تقریباً در همان زمینه‌هایی که بخش دولتی فعالیت می‌کرد، مبادرت به ایجاد مؤسسات آموزش عالی خصوصی نمود. هر مؤسسه آموزش عالی خصوصی خود روش اداره امور خود را تعیین می‌نماید. این مؤسسات توسط افراد حقیقی و یا شرکتهای خصوصی تأسیس می‌شوند .

در سال ۱۹۸۵ تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در بخشهای دولتی و خصوصی یکسان و در هر یک حدود پانصد هزار نفر بود.

در این زمان تعداد مؤسسات دولتی ۵۲ و مؤسسات خصوصی ۴۲۳ نفر بوده است. اما از این سال به تعداد دانشجویان مؤسسات آموزش عالی خصوصی به طور متوسط ۹ درصد در سال افزایش یافت، در حالی که تعداد دانشجویان مؤسسات دولتی ثابت ماند. در واقع می‌توان گفت مؤسسات آموزش عالی خصوصی در سیاست جذب دانشجو عملکرد بهتری داشته و قادر به جذب دانشجویان بیشتری هستند.

علت این امر را باید در تغییر سیاست آموزشی این کشور و توجه به بهبود کیفیت کار مؤسسات آموزش دولتی به جای افزایش ظرفیت کمی آنها دانست. علاوه بر این وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی با توجه به منابع مالی خود قادر به پاسخگویی به رشد سریع دیپلمه‌ها نبود. بر همین اساس دولت اندونزی نیازمند افزایش مشارکت بخش خصوصی در رشد و گسترش آموزش عالی بود. اکثر مؤسسات آموزش عالی خصوصی در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشجو می‌پذیرند.

دولت اندونزی حداقل شرایط لازم برای تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی را بر مبنای ملاکها و شرایط اعلام شده مشخص نموده است. این شرایط و ملاکها را وزیر آموزش و فرهنگ اندونزی برای هر گروه از مؤسسات آموزش عالی خصوصی تعیین می‌کند.

دولت اندونزی قوانین و مقررات اساسی آموزشی، پژوهشی و روشهای اجرایی نظام آموزش عالی دولتی و خصوصی را تصویب می‌کند. در واقع قوانین و مقررات مربوط به وضعیت دانشگاهها و برنامه‌های اصلی توسعه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی یکسان و توسط دولت این کشور تصویب می‌شود. وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی بوسیله اداره آموزش عالی خصوصی که در داخل اداره کل آموزش عالی قرار دارد، بر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی نظارت می‌کند. این امر نشان می‌دهد که دولت اندونزی ضرورت مساعدت و هدایت مؤسسات آموزش عالی بخش خصوصی را تشخیص داده است.

برنامه‌های آموزشی مؤسسات آموزش عالی خصوصی باید در هر دوره توسط اداره کل آموزش عالی ارزیابی گردند. هر برنامه درسی باید حداقل ۶ عضو هیأت علمی تمام وقت داشته باشد. علاوه بر این مؤسسات یاد شده باید دارای امکانات و تجهیزات آموزشی، آزمایشگاه، کتابخانه، منابع مالی و نظایر اینها باشند.

ارزیابی مؤسسات آموزش عالی خصوصی براساس موارد زیر صورت می‌گیرد:

۱- کیفیت، کارایی و عملکرد مؤسسه

۲- تعداد دانشجویان مؤسسه

### ۳- ارزشیابی و تأیید مؤسسه

همچنین براساس قانون سال ۱۹۸۹، رؤسای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی باید براساس موارد زیر عملکرد مؤسساتشان را اعلام نمایند:

۱- سازماندهی

۲- برنامه تحصیلی

۳- استادان تمام وقت

۴- نسبت استاد تمام وقت به دانشجو

۵- امکانات

۶- پیشرفت دانشجویان

۷- روند آموزش

۸- تعداد دانش آموختگان

۹- فعالیتهای تحقیقاتی و خدمات اجتماعی [۴]

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی هزینه‌های خود را از طریق شهریه پرداختی دانشجویان، ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی، هدایا، یارانه‌های سازمانهای دولتی، کمکهای مردمی و نظایر اینها تأمین می‌نمایند. این دانشگاهها در عین حال تا حدی از حمایت مادی و معنوی دولت برخوردارند. حدود یک چهارم از اعضای ثابت هیأت علمی این دانشگاهها، اعضای هیأت علمی دانشگاههای دولتی هستند و حقوق آنها از محل بودجه عمومی پرداخت می‌شود.

دولت اندونزی به این دانشگاهها تاحدی وام و یارانه نیز پرداخت می‌کند. البته حمایت دولت به نحوی است که بخش خصوصی را به تلاش بیشتر جهت دستیابی به عملکرد مطلوب‌تر تشویق می‌نماید و باعث گسترش بیشتر مؤسسات مذکور و بهبود روش مدیریتی آنها می‌شود.

وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی از طریق اداره منطقه‌ای هماهنگ کننده مؤسسات آموزش عالی خصوصی " کوپرتیس " (Kopertis) هدایت و حمایت این مؤسسات را در زمینه‌های مختلف آموزشی، حقوقی، سیاستها و استراتژیهای ملی بر عهده دارد. این وزارتخانه از طریق اداره مذکور، کمکهای مالی در اختیار مؤسسات آموزش عالی خصوصی قرار می‌دهد.

اداره مذکور که شعبات مختلفی در ایالات اندونزی دارد، در واقع وظیفه حراست و ادامه فعالیت مؤسسات آموزش عالی خصوصی را برعهده دارد.

دانشگاههای خصوصی برای دریافت کمکهای دولتی باید دارای شرایطی باشند. از جمله این شرایط، موازین و ملاکهایی است که تمامی دانشگاههای دولتی نیز موظف به رعایت آنها هستند، ولی

تمامی دانشگاههای خصوصی لزوماً نباید آنها را رعایت کنند. یکی از شرایط مذکور این است که دانشجویان با توجه به تواناییهای علمی‌اشان باید انتخاب شوند و مسأله شهریه مانع از ورود دیپلمه‌های کم در آمد به این دانشگاهها نشود.

وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی همچنین در زمینه احداث تأسیسات و تأمین امکانات کتابخانه‌ای و تجهیزات آزمایشگاهی و کارگاهی به این دانشگاهها کمک می‌کند. از اینرو دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی که دارای امکانات آموزشی و مالی زیادی هستند قادر به دریافت کمکها و یارانه‌های بیشتر دولتی و سایر ادارات و شرکتها می‌باشند.

بدین ترتیب اکثر مؤسسات آموزش عالی خصوصی برای تداوم کارشان بیشتر به شهریه دانشجویان متکی هستند که برای ارائه دروس کیفی بسنده نمی‌باشد.

کیفیت کار مؤسسات آموزشی خصوصی به گونه‌ای منظم براساس دروندادهایی همچون تعداد و مراتب اعضای هیأت عملی، تأسیسات، امکانات آزمایشگاهی و کتابخانه‌ای آنها و غیره، از سوی دولت ارزیابی می‌گردد. در واقع هدف دولت از این اقدامات حصول اطمینان از رعایت کیفیت و استانداردهای آموزشی است. نتایج این ارزیابیها به اطلاع عامه مردم می‌رسد.

این مؤسسات در ۳ گروه "معادل"، "تأیید شده" و "ثبت شده" طبقه‌بندی می‌گردند. دانشگاههایی که در گروه معادل قرار می‌گیرند از آزاد عمل بیشتری برخوردارند و دانش‌آموختگان آنها از نظر ارزش مدارک علمی در رده بهتری قرار دارند.

دانشجویان دانشگاههای خصوصی که در ۲ گروه تأیید شده و ثبت شده قرار می‌گیرند باید در امتحانات دولتی شرکت نمایند. فرق میان دو گروه آخر این است که تعداد مواد امتحانی برای گروه مؤسسات تأیید شده کمتر از گروه مؤسسات ثبت شده است.

بخش خصوصی آموزش عالی اندونزی باعث گسترش مشارکت مردم در این نظام شده است. به طوری که این مؤسسات باعث جذب تعداد زیادی دانشجو و نیز افزایش امکانات جامعه برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینه علوم و تکنولوژی شده‌اند.

اما در عین حال دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بخش خصوصی با مشکلاتی مواجه می‌باشند. به طوری که اکثر آنها با کمبود فضاهای کالبدی مواجه می‌باشند. امکانات آموزشی، کارگاهی، سخت افزاری و نرم افزاری آنها پایین‌تر از حد استاندارد می‌باشد. این مسایل باعث وارد آمدن اثرات منفی بر عملکرد آموزشی مؤسسات مذکور شده است.

در واقع آموزش عالی خصوصی اندونزی متأسفانه در زمینه ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی به اندازه افزایش کمیت آن و فراهم آوردن فرصت بهره مندی بیشتر شهروندان از آموزش عالی موفق نبوده است .

براساس ارزیابی انجام شده، تنها ۱۸ درصد از رشته‌های تحصیلی مؤسسات آموزشی خصوصی در ردیف معادل مؤسسات آموزش عالی دولتی قرار دارند. ۲۵ درصد از این رشته‌ها در گروه تأیید شده واکثریت آنها یعنی بیش از ۵۷ درصد باقیمانده در گروه ثبت شده قرار دارند [۹]. به عبارت دیگر از دانشجویان مؤسسات آموزش عالی خصوصی ثبت شده در ۱۵ موضوع (موضوعات اصلی در برنامه درسی) امتحان گرفته می‌شود. این امتحانات را معمولاً یک کمیته دولتی متشکل از کارکنان آموزشی رسمی مؤسسات دولتی برگزار می‌نماید. دانشجویان مؤسسات خصوصی تأیید شده نیز مشمول شرایط همان امتحانات می‌گردند. با این تفاوت که تعداد موضوعاتی که از آنها امتحان گرفته می‌شود، نصف موضوعاتی است که دانشجویان مؤسسات آموزش عالی ثبت شده باید امتحان بدهند.

تنها آن دسته از دانشجویانی که در امتحانات دولتی قبول شوند، دانشنامه دریافت می‌دارند. آخرین تحولاتی که در نظام ارزشیابی صورت گرفته است، ایجاد یک نهاد اعتبار بخشی واحد و یکسان برای ارزیابی مؤسسات آموزشی دولتی و خصوصی است. این نهاد مستقل که "هیأت ملی اعتبار بخشی" نام دارد، در سال ۱۹۹۵ ایجاد شد.

هدف از تأسیس این نهاد رفع نحوه برخورد متفاوت با دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و خصوصی براساس ارزیابی برنامه‌های درسی و سایر موضوعات مربوطه است. این نهاد در نخستین مرحله از اعتبار بخشی، حدود هزار رشته تحصیلی را ارزیابی نمود.

## ۱-۴- دانشگاه آزاد

وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی برای بهره‌مندی گروه‌های شاغل از آموزش عالی در سال ۱۹۸۴ اقدام به ایجاد دانشگاه آزاد (Open University) نمود. دانشگاه آزاد که دانشگاهی دولتی است مبادرت به ایجاد دوره‌های آموزشی از راه دور (مکاتبه‌ای) نموده است . مرکز اصلی این دانشگاه در جاکارتا قرار دارد .

دانشگاه آزاد تاکنون ۳۲ شعبه در مناطق مختلف اندونزی ایجاد کرده است. این دانشگاه دارای حدود ۴۰۰ هزار دانشجو یعنی حدود ۱۵ درصد از دانشجویان کل این کشور را تحت پوشش قرار داده است .

اکثر دانشجویان دانشگاه آزاد را معلمانی تشکیل می دهند که در صدد ارتقای دانش و قابلیت های خود هستند. چون اکثر معلمان در مناطق مختلف و دورافتاده زندگی و تدریس می کنند، آموزش از راه دور بهترین راه برای ارتقای سطح دانش آنها است .

در حال حاضر حدود ۲۰۰ هزار نفر از آموزگاران ابتدایی و ۱۰۰ هزار نفر از دبیران دوره های متوسطه در این دانشگاه مشغول تحصیل هستند . حدود ۱۰۰ هزار نفر از دانشجویان دیگر این دانشگاه افرادی هستند که در ضمن داشتن کار به امر تحصیل نیز می پردازند .

دانشگاه آزاد اندونزی به خاطر پایین بودن شهریه، انعطاف پذیری جدول زمانی تحصیل و تحت پوشش قرار دادن مناطق دور افتاده مشارکت در آموزش عالی را به صورت چشمگیری گسترش داده و مساوات اجتماعی و جغرافیایی را بهبود بخشیده است.

در جدول زیر تعداد دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اندونزی ذکر شده است:

جدول شماره ۱- تعداد دانشجویان دانشگاههای اندونزی در سال ۱۹۹۵

È	È
éí i çççç	(èð-éè )
ì ççççç	: Ú È
èéí i ççç	ÛÈ
ééí ççç	Ù
ééèççç	ÙÙ
éèð ÷ ççç	
èççççç	ÈÈÙ È
éí ð ÷ ççç	Ú È È
Èè/è	È Ç

Source: Policy Reforms in Higher Education in Indonesia,P11



## ۲-۴- سایر مؤسسات آموزش عالی

در اندونزی مؤسسات آموزش عالی دیگری نیز وجود دارند که تحت نظر وزارتخانه‌های دیگری غیر از وزارت آموزش و پرورش و فرهنگ اداره می‌شوند . گروهی از این مؤسسات که حدود ۲۰۰ هزار دانشجو در آنها مشغول تحصیل هستند، دوره‌های خاصی را برای بالا بردن سطح دانش و مهارت‌های کارکنان خدمات کشوری دایر نموده‌اند. دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اسلامی نیز از سال ۱۹۶۰ به بعد رشد و گسترش یافته‌اند. این مؤسسات تحت نظارت وزارت امور مذهبی (Ministry of Religion) به تدریس علوم دینی اشتغال دارند.

در حال حاضر ۱۴ مؤسسه مطالعاتی اسلامی دولتی با ۱۰۰ هزار دانشجو در اندونزی مشغول به فعالیت هستند. علاوه بر این مؤسسات خصوصی دیگری نیز وجود دارند که دوره‌های مشابهی را برای حدود ۱۲۰ هزار دانشجو ارائه می‌کنند.

در مؤسسات علوم اسلامی اندونزی، نوعاً ادب، شریعت، تربیت و اصول دین تدریس می‌گردد. بیش از یک سوم از دانشجویان این مؤسسات در زمینه تربیت به تحصیل اشتغال دارند. در اندونزی فعالیتهای آموزشی مشابهی نیز برای دیگر مقاصد مذهبی که عمده‌ترین آنها تربیت معلم است وجود دارد.

قانون اندونزی تمامی مؤسسات آموزشی در تمامی مقاطع تحصیلی از دبستان تا دانشگاه را موظف نموده است که آموزشهای دینی به دانش آموزان و دانشجویان را در برنامه‌های درسی خود بگنجانند [۹].

## ۵- کیفیت آموزشی

هماهنگی کیفیت تخصصهای دانش آموختگان با بازارکار از ضروریات است. در حقیقت کیفیت نظام آموزش عالی زمانی بالا است که پاسخگوی انتظارات و نیازهای متقاضیان یعنی کار فرمایان، دولت و جامعه باشد .

بدون تردید عوامل زیادی نظیر نحوه آموزش، مدیریت، امکانات، آزمایشگاهها، کتابخانهها، ارتباط دانشگاه و صنعت و نظایر اینها بر نظام آموزش عالی تأثیر می‌گذارند و باعث افزایش یا کاهش کارایی مؤسسات آموزش عالی می‌شوند. نظام آموزش عالی اندونزی امروزه با مسایل عدیده‌ای مواجه است که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

## ۱-۵- مشکلات

- ۱- دانشگاههای اندونزی با افت تحصیلی مواجه می‌باشند، به طوری که اکثر دانشجویان بیشتر از ۵/۵ سال مدارک کارشناسی خود را می‌گیرند.
  - ۲- امکانات و تجهیزات کافی برای استفاده دانشجویان در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وجود ندارد. امکانات آزمایشگاهها، کارگاهها و کتابخانهها ناکافی است.
  - ۳- اکثر دانش‌آموختگان باید مدت زیادی را صرف یافتن کار نمایند.
  - ۴- اکثر دانشجویان به اساتید خود دسترسی ندارند، زیرا اغلب اعضای هیأت علمی اتاق کار ندارند و آنها به ناچار پس از تدریس دانشکده را ترک می‌کنند.
- علاوه بر اینها در گزارش سال تحصیلی ۹۳-۱۹۹۲ وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی آمده است که حدود ۴۰ درصد از اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی نیمه وقت هستند. پایین بودن میزان حقوق و مزایا و نیاز به اعضای هیأت علمی در دانشگاههای خصوصی از جمله دلایل این امر است [۱۰].
- ۵- مدیریت متمرکز دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی باعث کاهش کارایی آنها شده است. برنامه ریزی اکثر این مؤسسات به طور متمرکز و از بالا به پایین است. این امر باعث شده است که در مسیر تصمیم‌گیریها مشورت و تبادل نظر کافی با رؤسای بخشها و کارکنان آموزشی صورت نگیرد. از اینرو این امر باعث شده است که کارکنان دانشگاهها، مقامات مربوطه را مسؤول مشکلات خود دانسته و بعضاً روشهای دیوانسالاری اداری را تحت پوشش فقدان اختیارات پنهان نمایند.
  - ۶- محدودیت آزادی عمل دانشگاهها در زمینه جذب نیروی انسانی و استفاده از بودجه، باعث کاهش کارایی، روحیه مسؤولیت‌ناپذیری و عدم شفافیت کارها شده است.
- علاوه بر اینها از آنجایی که مؤسسات آموزش عالی تابع نظام کارمندان کشوری هستند، به ناچار باید حقوق، مزایا و ارتقای خود را براساس قانون مزبور پرداخت نمایند.

گذشته از اینها دولت اندونزی تلاش کرده است تا مستخدمان دولتی را از اشتغال به سایر کارها بازدارد، اما به خاطر کمی حقوق موفق به اجرای این طرح نشده است. این امر باعث شده است تا بر کیفیت تدریس اعضای هیأت علمی تأثیر بگذارد.

این مشکلات دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را در جذب دانش آموختگان نخبه با مشکلاتی مواجه ساخته و قدرت آنها را برای رقابت با بخش خصوصی در جذب نیروی انسانی محدود ساخته است.

۷- ماهیت تدریس در کلاس آمرانه است و باعث تضعیف تفکر مستقل می شود. زیرانحوه تدریس عمدتاً براساس قرائت یادداشتهای مدرس و یادداشت بر داری از آنها توسط دانشجویان صورت می گیرد. علاوه بر این شیوه مناسبی برای نظارت و هدایت نحوه تدریس و محتوای دروس وجود ندارد.

از طرف دیگر از آنجایی که امتحانات از همان کتابها و جزوات معرفی شده، انجام می شود، دانشجویان تمایلی به استفاده از منابع دیگر ندارند. این امر یادگیری، خلاقیت و تفکر انتقادی، تحلیلی و مستقل را در آنها محدود می نماید.

۸- عامل دیگری که مدرسان را محدود می نماید، ناتوانی در استفاده از کتابهای معتبر خارجی است و در واقع این امر اصلی ترین مشکل آنها است.

۹- یک شکایت که اغلب وجود داشته این است که اندونزی تولید کننده علوم و دانشها نیست، بلکه بیشتر مصرف کننده علوم و دانشهایی است که بوسیله کشورهای توسعه یافته، انتشار یافته است.

۱۰- از تحقیقات نیز انتقادهایی به عمل آمده است و گفته شده است که برخی تحقیقات کیفیت چندان مطلوبی ندارند. هیچ تحقیقی درباره میزان مطالعات و تحقیقات اعضای هیأت علمی منتشر نشده است، اما مشاهدات روزانه بر روی کار آنها نشان می دهد که اغلب طرحهای تحقیقاتی اعضای هیأت علمی مربوط به کارهای خارج از دانشگاههای آنها است [۱۰].

## ۲-۵- اقدامات

وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی برای ارتقای کمیت و کیفیت نظام آموزشی این کشور اقداماتی انجام داده است. زیرا امروزه آشکار است که اعتلای کمیت و کیفیت نظام آموزشی

هم می‌تواند نیازهای داخلی را برآورده‌سازد و هم می‌تواند قدرت رقابت کشور را در عرصه بازار کار جهانی افزایش دهد. عمده‌ترین اقدامات انجام شده عبارتند از:

۱- آمار نشان می‌دهد که قطع نظر از محدود مؤسسات آموزش عالی خصوصی خوب، به طور کلی کیفیت تحصیل دانشجویان دانشگاههای دولتی بالاتر از کیفیت دانشگاههای خصوصی است. از اینرو مقامات وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی برای ارتقای کیفیت چنین دانشگاهها مؤسسات و آموزش عالی خصوصی قوانین و مقرراتی وضع کرده‌اند. براساس این قوانین و مقررات برای حصول اطمینان از اینکه دانش‌آموختگان واجد حداقل قابلیت‌های لازم برای بازار کار باشند، خدمت‌مسطی از برنامه‌های درسی برای هر رشته تحصیلی تعیین گردیده است. برای مثال تعداد واحدهای لازم برای کسب مدرک کارشناسی ۱۴۰ واحد می‌باشد که از این میزان حدود ۹۰ واحد آن برای همه یکسان است. مؤسسات آموزش عالی در تعیین ۵۰ واحد باقیمانده برای طراحی کامل برنامه درسی دوره آزادند.

این برنامه درسی که از آن به عنوان برنامه درسی ملی نام برده می‌شود، در تمام مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی باید اعمال شود.

برنامه‌های درسی ملی هر ۱۰ سال یک بار از سوی گروهی از کارشناسان و کارکنان آموزشی منصوب شده از سوی وزیر آموزش و فرهنگ اندونزی مورد بازنگری قرار می‌گیرند. از مؤسسات آموزش عالی انتظار می‌رود تا با استفاده از آزادی برای انتخاب حدود ۴۰ درصد از برنامه‌های درسی، انطباق لازم را در برنامه ریزی و اجرای دوره‌های آموزشی خود متناسب با تحولات سریع علم و فن‌آوری و نیازهای بازار کار به عمل آورند و از طریق این تطابق همیشگی انتظار می‌رود که برون‌دادهای دانشگاهی نیازهای جامعه را برآورده سازند.

۲- تعداد کادر آموزشی ثابت مؤسسات دولتی بیش از حد نیاز و نسبت دانشجویان به استاد در این مؤسسات به طور متوسط ۱۲ به یک می‌باشد. این درحالی است که این نسبت در مؤسسات خصوصی ۳۰ به یک است.

اکثر کارکنان آموزشی دانشگاههای اندونزی دارای مدرک کاردانی می‌باشند و تنها ۴۰ درصد از کارکنان آموزشی مؤسسات دولتی و ۱۵ درصد از مؤسسات خصوصی دارای مدارک عالی هستند. از اینرو دولت تلاشهای زیادی را به عمل می‌آورد تا سطح دانش کارکنان آموزشی را ارتقا دهد.

مقامات وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی در صددند که به زودی داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد را به عنوان شرط عضویت در کادر آموزشی دانشگاهها تعیین نمایند. البته آنها در نظر

دارند که این اقدام را به صورت تدریجی و متناسب با برونداد دوره‌های تحصیلات تکمیلی کشور به مورد اجرا بگذارند.

در حال حاضر برونداد تحصیلات تکمیلی اندونزی حدود ۸ هزار نفر در سال است، در حالی که نیازهای پیش بینی شده برای توسعه آموزش عالی بالغ بر ۱۰ هزار نفر در سال است. از این رو وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی برای کمبود این خلاء هر ساله بورس تحصیلی به کادر آموزشی تمام وقت مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی جهت گذراندن دوره‌های تحصیلات تکمیلی اعطا می‌کند.

مقامات وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی همچنین در صدد هستند که رشته‌ها و دوره‌های تحصیلات تکمیلی را با توجه به نیازهای مورد نیاز کشور در زمینه تربیت مدیران، محققان و نیروهای انسانی مورد نیاز صنایع از نظر کمی و کیفی گسترش دهند.

تحصیلات تکمیلی در این کشور عمدتاً مبنی بر پژوهش است، از اینرو توجه بیشتر به این دوره‌ها باعث تقویت و گسترش فعالیتهای تحقیقاتی خواهد شد. به همین خاطر اصل رقابت برای دریافت اعتبارات بیشتر نیز با عنایت به همین مطلب به کار گرفته شده است.

در واقع این اقدامات باعث کمک به دانشگاهها و مراکز علمی، فعالیتهای تحقیقاتی و نشریات علمی خواهد شد. اخیراً طرحی تحت عنوان "تحقیقات دانشگاهی در حمایت از تحصیلات تکمیلی" با استفاده از وام بانک جهانی به مورد اجرا گذاشته شده است که شامل ۳۰ مرکز تحقیقاتی، ۱۶۰ عنوان تحقیقات گروهی و ۱۰۰۰ بورس تحصیلی برای دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری است.

۳- وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی برای افزایش کیفیت آموزشی و پژوهشی دانشگاهها مبادرت به ایجاد ۱۲ مرکز خدمات تخصصی در دانشگاههای معتبر (مادر) نموده است. این مراکز مجهز به منابع و اطلاعات تخصصی می‌باشند و اطلاعات علمی مورد نیاز اعضای هیأت علمی پژوهشگران مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی را در اختیار آنها می‌گذارند.

۴- در اندونزی تا سال ۱۹۷۵ ارتقای مستخدمان دولتی براساس سابقه کار صورت می‌گرفت. اما در این سال قانونی تصویب شد که براساس آن شرایطی برای ارتقا در نظر گرفته شد. براساس این شرایط برای اجرای طرحهای تحقیقاتی، تألیف کتاب و کسب مدارک عالی امتیازاتی در نظر گرفته شد. اداره کل آموزش عالی تلاش می‌کند تا با ترویج این شرایط، اعضای هیأت علمی را ترغیب به انجام فعالیتهای تحقیقاتی و در نتیجه ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی این کشور نماید.

برهمن اساس در سال ۱۹۸۵ قانونی تصویب شد که براساس آن عملکرد آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی اعضای هیأت علمی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد و در ارتقای آنها تأثیر

می‌گذارد. اعضای هیأت علمی براساس موارد مذکور و مسایل تخصصی و حرفه‌ای، تشویقات، ترفیعات و مسؤولیت‌های محوله می‌توانند تا ۹ مرتبه علمی ارتقا یابند.

۵- وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی برای بهبود کیفیت مؤسسات آموزش عالی این کشور آنها را تشویق به تشریک مساعی، ارتباط و همکاری با دانشگاه‌های معتبر داخلی و خارجی کرده است. این مؤسسات در ابتدا برای برقراری روابط با دانشگاه‌ها و مؤسسات خارجی باید نظر دولت اندونزی را جلب نمایند. زیرا اعتبار مؤسسات مذکور برای دولت مهم است. این همکاری‌ها معمولاً در زمینه گسترش همکاری‌های مشترک درخصوص توانمندسازی کارکنان، تحقیقات، برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌ها، برنامه‌های آموزشی، مبادله اساتید، تأمین کتاب و نظایر اینها می‌باشد. در این راستا وزارتخانه مزبور مبادرت به ایجاد مراکزی در دانشگاه‌های مادر کرده که مبادرت به انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی جهت توسعه آموزش عالی، یافتن راهکارها و توسعه علوم و تکنولوژی برای پشتیبانی توسعه ملی می‌نمایند.

تعداد این مراکز که دارای اساتید و امکانات زیادی می‌باشند، ۱۶ مرکز می‌باشد. این مراکز همکاری‌های گسترده‌ای با مراکز بین‌المللی دارند.

۶- علاوه بر اینها، وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی برای افزایش کیفیت مؤسسات آموزش عالی مبادرت به حمایت مالی بیشتر از مؤسسات آموزش عالی دارای دوره‌های تحصیلات تکمیلی، اعزام دانشجویان به خارج، دعوت از اساتید خارجی برای تدریس در مؤسسات آموزش عالی اندونزی، تخصیص ارز برای همکاری‌های بین‌المللی و تجهیزات دانشگاه‌های این کشور نموده است. علاوه بر اینها مشغول بررسی ایجاد دوره‌های فوق‌دکتری در یکی از دانشگاه‌های معتبر دولتی است.

۷- هر چه سطح آموزش بالاتر می‌رود به همان نسبت حضور دختران در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کاهش می‌یابد. در مؤسسات آموزش عالی خصوصی نیز که شهریه دانشجویان به مراتب بالاتر است، حضور دختران کاهش بیشتری نشان می‌دهد.

حضور کمتر دختران در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تا حدی به نگرش جامعه بویژه در خانواده‌های سنتی و کم‌سواد که هنوز گروهی از آنها اولویت را به پسران می‌دهند ناشی می‌شود. اما طی سالهای اخیر با اقدامات متخذه حضور زنان در دانشگاه‌های دولتی افزایش یافته است.

## ۶- ساختار نظام اداری

وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی مسؤولیت کلی نظام آموزشی این کشور را بر عهده دارد. مسؤولیت آموزش عالی نیز به اداره کل آموزش عالی (Directorate General of Higher Education "DGH") واگذار شده است. این اداره کل درجا کارتا و در داخل وزارتخانه قرار دارد .

نظام اداری اندونزی متمرکز است و اداره کل آموزش عالی این کشور بر همه مؤسسات آموزش عالی نقاط مختلف اندونزی نظارت و بودجه آنها را کنترل و امور اداری شان را با دقت هدایت می کند. اداره کل آموزش عالی اندونزی موظف است که وسایل تحقق اهداف آموزش عالی را با رعایت برنامه های توسعه فراهم سازد .

هدف های کلی آموزش عالی اندونزی توسط هیأت برنامه ریزی ملی (National planning Board) تعیین می شود. سپس این هدفها در قالب برنامه های پنجساله توسعه به طور جزئی تر مورد بررسی قرار گرفته و به مورد اجرا گذاشته می شوند.

اداره کل آموزش عالی اندونزی همچنین مراجعی برای تدوین برنامه های مختلف آموزش عالی ایجاد کرده است. علاوه بر این، اداره مزبور به طور مرتب از رؤسای دانشگاهها برای مشاوره فردی و یا شرکت در کمیته های مربوطه دعوت به عمل می آورد .

امور اجرایی روز مره تحقیق و توسعه توسط بخش خاصی از وزارت آموزش و فرهنگ صورت می گیرد که غالباً مشاوران خارجی نیز با آن در ارتباط هستند. همچنین دریافت نظریات ناظران خارجی از طریق مراجع هدایت و نظارت بروامهای پرداختی برای توسعه آموزش عالی در نهادهایی نظیر بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی، انجمن فرهنگی بریتانیا (British Council)، بنیاد فورد و نظایر اینها صورت می گیرد [۸].

مسؤولیت عمومی دانشگاههای اندونزی برعهده رؤسای آنهاست. هر دانشگاه دارای ۳ معاون آموزشی، مالی و اجرایی است .

رؤسای دانشگاهها توسط دولت مرکزی منصوب می شوند. البته دانشگاهها نیز می توانند افراد شایسته ای را برای تصدی پست ریاست این نهادها معرفی نمایند ولی تصمیم گیری نهایی با دولت مرکزی است.

برخی دانشگاهها دارای هیأت های امانا هستند، اما معمولاً این نهادها نظارت چندانی بر امور جاری و روزمره دانشگاهها اعمال نمی کنند.

هر دانشگاه دارای چند دانشکده و هر دانشکده دارای چند گروه آموزشی است. هر دانشکده دارای یک رئیس و یک معاون است. این اشخاص باید از اعضای هیأت علمی باشند. هر گروه آموزشی نیز زیر نظر رئیس و دبیر گروه که از اعضای هیأت علمی هستند، اداره می‌شود. کلیه این اشخاص براساس انتخاباتی که توسط اعضای هیأت علمی صورت می‌گیرد، انتخاب می‌شوند. گردش کار معمولاً طوری است که افراد با تجربه‌تر برای تصدی این سمت‌ها انتخاب می‌شوند.

وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی برای بهبود کیفیت مدیریت نظام آموزش عالی درصدد انجام اصلاحاتی در نظام مدیریتی دانشگاهها است. هدف از این اصلاحات بهبود مستمر و پایدار کیفیت، سنخیت و کارایی نظام آموزشی دانشگاهها است.

این اصلاحات شامل تمرکز زدایی، اعطای استقلال بیشتر به دانشگاهها در زمینه برنامه ریزی جهت ترغیب ابتکار، خلاقیت و بهره‌وری بیشتر از اعضای هیأت علمی آنها است. همچنین در نظر است که تخصیص منابع براساس عملکرد دانشگاهها صورت گیرد.

براساس اختیارات واگذار شده به دانشگاهها، آنها می‌توانند اهداف و رسالتهای خود را مستقلاً و با توجه به توانایی و ظرفیت خود تعیین کنند. بر همین اساس برای رسیدن به اهداف مورد نظر برنامه‌ها به شیوه مشورتی و تبادل نظر میان مدیران و کارکنان دانشگاهها صورت می‌پذیرد. در برخی موارد نمایندگان دانشجویان نیز در این فرآیند نقش داشته‌اند.

پس از مشورتهای لازم، برنامه‌ها به دولت مرکزی پیشنهاد می‌گردد. دولت نیز برنامه‌ها را مورد رسیدگی قرار داده و به آنهایی که در راستای اولویتهای ملی باشند بودجه بیشتری اختصاص می‌دهد. هدف از این تدابیر آن است که مؤسسات آموزش عالی اولویتهای ملی را در رأس برنامه‌های خود قرار داده و در جهت توسعه کشور حرکت نمایند.

با اعطای آزادی عمل بیشتر به دانشگاهها، میزان مسؤولیت‌پذیری و پاسخگویی آنها در زمینه برنامه‌هایشان نیز افزایش می‌یابد. شرط لازم برای تحقق این امر ارزیابی درونی (خود ارزیابی) است. دولت نیز از طریق کمیته‌ای که برای این منظور تشکیل می‌شود، بر روند امور و اجرای برنامه‌ها نظارت و آنها را ارزیابی می‌نماید. این کمیته مستقل که خارج از دانشگاهها است به ارزیابی برنامه‌های این مؤسسات می‌پردازد. این عمل ارزیابی به طور مرتب در جریان اجرای برنامه و به عنوان بخشی از فرآیند نظارت صورت می‌پذیرد.

این اقدامات در دانشگاههایی که صورت گرفته، احساس تعلق و مسؤولیت در اجرای برنامه‌ها را به طور محسوسی بالا برده و تغییراتی در نگرشهای کارکنان ایجاد کرده است.



بدون تردید اجرای این شیوه مدیریتی جدید نیازمند تقویت ظرفیتهای ساختاری و تشکیلاتی در سطوح دولت و دانشگاهها است. از اینرو دولت اندونزی در سال ۱۹۹۷ نهادی را تحت عنوان "هیأت آموزش عالی" جهت کمک به مدیریت نظام آموزش عالی تشکیل داد. اهداف این هیأت عبارتند از:

الف- نظارت بر نظام آموزش عالی کشور و ارائه پیشنهاداتی در مورد سیاستهای آموزش عالی، شناسایی نیازهای داخلی و ملی و برنامه‌های جدیدی که نیاز به تأمین بودجه دارند.

ب- اعمال شیوه رقابت در تأمین بودجه برنامه‌ها با ارزیابی طرحهای پیشنهادی از سوی دانشگاهها منجمله بودجه تحقیقاتی

هیأت مذکور مرکب از نمایندگان ذینفع در آموزش عالی نظیر نمایندگان دانشگاههای دولتی و خصوصی، کارفرمایان بخش خصوصی، شورای پژوهشهای ملی، شورای ملی برنامه ریزی و وزارت آموزش و فرهنگ است.

این هیأت از سوی ۳ شورا پشتیبانی می‌شود که عبارتند از: شورای پژوهشهای دانشگاهی، شورای آموزش و شورای گسترش دانشگاهها. اعضای شوراهای مذکور را دانشگاهیان برجسته این کشور تشکیل می‌دهند. گروههای کاری این شوراهای کمیسیونهای مربوط به رشته‌های تخصصی که وظایف ویژه محوله از سوی شورا را انجام می‌دهند، تشکیل گردیده است [۹].

## ۷- منابع مالی

بودجه آموزش عالی اندونزی معمولاً در برنامه‌های توسعه پنجساله اعلام می‌شود. اکثر اعتبارات دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اندونزی از این طریق تأمین می‌شود.

دولت اندونزی در سال ۱۹۷۴، اعتبارات آموزش عالی را افزایش داد و به طور کلی ۱۳ درصد بودجه عمومی به نظام آموزشی این کشور اختصاص می‌یابد که یک سوم آن به آموزش عالی اختصاص دارد.

دولت اندونزی به منظور اعتبار بخشی برنامه‌های مطالعاتی مؤسسات آموزشی دولتی و خصوصی در سال ۱۹۹۵ یک نهاد به نام «هیأت اعتبار بخشی ملی» ایجاد کرد.

این هیأت اطلاعات مربوط به نحوه هزینه اعتبارات و عملکرد مؤسسات آموزش عالی را در اختیار سازمانهای مربوطه قرار می‌دهد. این هیأت مرکب از یک رئیس، یک دبیر اجرایی و ۱۵ عضو دیگر است. اعضای این هیأت در واقع نمایندگان گروههای مختلف ذینفع در آموزش عالی نظیر نمایندگان دانشگاههای دولتی و خصوصی و کارفرمایان بخش خصوصی هستند.

در سطح ملی، ۱۲ هیأت داوری ۳ نفره برحسب هر مورد تخصصی، این گروه را در انجام کار اعتبار بخشی یاری می‌نمایند. در سطح مناطق نیز ۱۲ گروه کاری منطقه‌ای جهت کمک به جمع آوری اطلاعات مربوط به اوضاع هر منطقه تشکیل می‌شوند [۹].

بودجه فعالیتهای تحقیقاتی در اندونزی محدود است. از اینرو تعداد تألیفات نسبت به تعداد اعضای هیأت علمی پایین است. بودجه تحقیقاتی در اختیار وزارتخانه‌های آموزش و فرهنگ و پژوهش، علوم و فن آوری است. معمولاً بیش از نیمی از فعالیتهای تحقیقاتی توسط دانشگاهها صورت می‌گیرد.

بودجه تحقیقاتی وزارت آموزش و فرهنگ معمولاً به فعالیتهای تحقیقاتی برون‌گرا و کاربردی نظیر ارتقای زمینه‌های کمک به صنایع کوچک، گسترش تحصیلات تکمیلی و تکنولوژی اختصاص می‌یابد.

وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی بیشترین اعتبارات خود را به آموزشهای پیش دانشگاهی اختصاص می‌دهد. به عبارت دیگر بخش آموزش عالی در مقایسه با دیگر بخشهای آموزشی، بودجه کمتری دارد. برای مثال در بخش آموزش عالی در بودجه سال ۱۹۹۶ تنها ۱۳ درصد از بودجه آموزشی را به خود اختصاص داده بود.

نکته قابل ذکر دیگر این است که حدود ۲۵ درصد بودجه عمومی از طریق وام‌های کم بهره خارجی تأمین می‌گردد. از اینرو مقامات نظام آموزشی سعی می‌کنند تا نظام آموزش عالی را در جهت تأمین نیازهای توسعه ملی حرکت دهند.

## ۸- برنامه‌های توسعه و سیاستهای اشتغال‌زایی

اندونزی مدت ۳۵۰ سال مستعمره هلند بود. مدت ۳ سال نیز دولت ژاپن آن را اشغال نمود. اندونزی سر انجام در روز ۱۷ اوت ۱۹۴۵ اعلام استقلال نمود و تلاش خود را برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آغاز کرد. دولت هلند حتی پس از استقلال اندونزی نیز بر تلاشهای خود برای استعمار این کشور ادامه داد.

این کشور با اجرای برنامه‌هایی توانست نرخ رشد سالانه را به بیش از ۶ درصد برساند. همچنین با اجرای این برنامه‌ها در آمد سرانه از ۷۰ دلار به بیش از ۹۰۰ دلار افزایش یافت و جامعه به تدریج از یک جامعه کشاورزی سنتی به یک جامعه صنعتی مدرن متحول شد.

اقتصاد اندونزی در اوایل دهه ۱۹۶۰ وضعیت نابسامانی داشت و با فقر روبه‌رو بود. نرخ تورم سه رقمی و اسراف زیادی در بودجه‌های دولتی وجود داشت. اما این کشور با انجام اقداماتی توانست به ثبات سیاسی دست یابد و به تدریج اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را جلب نماید. بدین ترتیب موفق شد به پیشرفتهایی دست یابد که بعضی‌ها معتقدند این پیشرفتها معجزه آسا بوده است.

در اواخر دهه ۱۹۶۰، دولت اندونزی برای توسعه این کشور تصمیم به اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی گرفت. در این برنامه‌ها تلاشهای زیادی برای ارتباط نظام آموزشی با رشد و توسعه اقتصادی به عمل آمد. به عبارت دیگر تلاشهای زیادی برای رشد و توسعه اقتصاد این کشور براساس برنامه‌های مدون صورت گرفت.

اولین برنامه در سال ۱۹۶۹ اجرا شد. در اولین و دومین برنامه که تا سال ۱۹۷۹ ادامه داشت بر توسعه بخش کشاورزی، بهبود شرایط زندگی و ایجاد یک زیر بنای صنعتی تأکید شد.

اندونزی همانند کره جنوبی راهبرد سرمایه بر را در دهه ۱۹۷۰ دنبال کرد.

دولت اندونزی به دلیل وسعت جنبه‌های مختلف توسعه و محدودیت منابع براساس نیازهای ملی مبادرت به اولویت بندی توسعه نمود. براساس این سیاستها، دولت اندونزی بر روی توسعه منابع انسانی به منظور بالا بردن کیفیت و توسعه ملی تأکید کرد. زیرا از این طریق امکان دسترسی و بهره‌وری بهتر و بیشتر از منابع طبیعی کشور صورت می‌گیرد.

یکی از عوامل مثبتی که دولتمردان اندونزی برای توسعه در نظر داشتند، جمعیت این کشور بود، زیرا اندونزی حدود ۲۱۰ میلیون نفر جمعیت دارد که یک دارایی ملی محسوب می‌شود و کمک زیادی به توسعه ملی می‌کند.

در سال ۱۹۷۴، اداره کل آموزش عالی اندونزی، گروهی را مأمور نمود تا امکانات آموزش عالی را بررسی نموده و پس از شناسایی نیازهای فوری، برنامه توسعه آموزش عالی را تهیه نمایند. براساس اقدامات این گروه، برنامه دراز مدت توسعه آموزش عالی در سال ۱۹۷۷ تدوین شد. علی‌رغم گذشت بیش از دو دهه از برنامه مذکور، هنوز هم از آن به عنوان راهنمای برنامه ریزی مؤسسات آموزش عالی استفاده می‌شود.

در ابتدای اولین برنامه توسعه، ۴۲ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی دولتی در اندونزی وجود داشت که عبارت بودند از ۲۶ دانشگاه، ۲ انستیتو فنی و حرفه‌ای، یک انستیتو کشاورزی، ۱۰ مرکز تربیت معلم و ۳ دانشکده هنر که مجموعاً ۸۰ هزار دانشجو در آنها مشغول تحصیل بودند. طی مدت اولین برنامه توسعه، ۱۰ مؤسسه آموزش عالی دیگر نیز در اندونزی ایجاد شدند. یکی از این مؤسسات آموزش عالی که در ضمن آخرین نهاد آموزش عالی دولتی این کشور نیز محسوب می‌گردد، دانشگاه آزاد بود.

بدین ترتیب در پایان اولین برنامه توسعه، تعداد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی اندونزی به ۶۹ واحد رسید. این مؤسسات آموزش عالی عبارت بودند از: یک آکادمی هنر، ۴ مدرسه عالی، ۱۰ مرکز تربیت معلم، ۴ مؤسسه عالی، ۲۴ دانشگاه و ۲۶ پلی تکنیک، در حالی که بخش خصوصی حدود ۱۱۲۲ مؤسسه آموزش عالی متشکل از ۳۷۵ آکادمی، ۸ پلی تکنیک، ۴۴۵ مدرسه عالی، ۵۰ انستیتو و ۲۴۴ دانشگاه تأسیس نموده بود.

در این دوره کل دانشجویان شاغل به تحصیل در مؤسسات آموزش عالی دولتی، پانصد هزار نفر و دانشجویان دانشگاه آزاد حدود چهارصد هزار نفر بود. این در حالی است که تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در مؤسسات بخش خصوصی ۱/۲ میلیون نفر بوده است.

در دومین برنامه توسعه اقتصادی، برافزایش قابلیت‌های نیروی انسانی به موازات توسعه اقتصادی تأکید شد. براین اساس بخش آموزش عالی موظف به پاسخگویی به نیازها و پشتیبانی‌های موفقیت‌آمیز این برنامه شد.

در این برنامه بر توسعه سریعتر آموزشهای علوم پایه و مهندسی کشور به منظور برآورده ساختن نیازهای جامعه تأکید شد.

سومین برنامه توسعه اقتصادی از صنایعی چون کشاورزی و منابع کاربر مثل نساجی حمایت کرد.

دولت در این برنامه از صنایع تولیدی نیز شدیداً حمایت کرد. در این سالها درآمدهای نفت به اندونزی کمک کرد تا در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ به نرخهای رشدی به ترتیب ۹/۹ و ۷/۶ درصد برسد. در این سالها نفت ۷۰ درصد درآمدهای دولت را تأمین می‌کرد.

در پایان این سالها، اندونزی ۲/۱ میلیارد دلار مازاد درآمد داشت. برنامه چهارم توسعه بر تقویت مبانی صنعتی تأکید کرد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ رشد صنعتی متوقف شد و بخش صنعت فقط ۱۵/۸ درصد GDP را شامل می‌شد که کمترین رقم در بین کشورهای آسه‌آن (ASEAN) بود.

دولت اندونزی در دهه ۱۹۸۰ تلاش کرد با طرح "فهرست سیاستهای سرمایه‌گذاری" (Investment policy List) صنایع را تحت کنترل خود درآورد. این سرمایه‌گذاریها در صنایع فولاد، پلاستیک و پتروشیمی در سایه اعتبارات دولتی و حمایتهای تجاری انجام گرفت. شرایط خاص محلی به مورد اجرا گذاشته شد و سرمایه‌گذاریهای خارجی محدود گردید. اما این سیاستها به شکست انجامید.

بین سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸، دولت اندونزی سیاست خود را تغییر داد و سهم بخش صنعت را از ۴۳ درصد به ۲۳ درصد (در سال ۱۹۸۹) کاهش داد. تجارت به طور گسترده‌ای آزاد شد و سرمایه‌گذاری خارجی مورد تشویق قرار گرفت.

برنامه پنجساله پنجم توسعه، سهم صنعت در GDP را ۱۹/۴ درصد در نظر گرفت. در این برنامه تلاش شد که ۱/۵ میلیون شغل جدید در صنعت ایجاد شود که ۹۳۰۰۰۰ مورد آن در صنایع تولیدی کوچک باشد.

برنامه جدید دارای ۸ ماده برای توسعه و تعمیق پایه‌های صنعتی است که بر توسعه صنایع مهندسی، به خصوص ماشین‌آلات، الکترونیک و صنایع کوچک کاربرتأکید می‌کند. باید خاطر نشان ساخت که رشد اقتصادی اندونزی تا حد زیادی مدیون توسعه بخش غیر کشاورزی (نظیر صنایع) می‌باشد که در پرتو آن سهم تولید ناخالص ملی از میزان ۴۰ درصد به ۸۰ درصد افزایش یافته است. نکته دیگر این است که بخش آموزش بالاترین دستاورد را در توسعه ملی اندونزی به خود اختصاص داده است. به طوری که یونسکو به پاس موفقیت‌های به دست آمده در زمینه توسعه آموزش "مدال طلای ابوعلی سینا" را در سال ۱۹۹۴ به این کشور اعطا نمود.

## ۱-۸- برنامه‌های آینده

دولت اندونزی با امضای موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در صد است تا بازار خود را بر روی محصولات و خدمات کشورهای آسیایی تا سال ۲۰۰۳ و کشورهای منطقه آسیا - اقیانوسیه تا سال ۲۰۲۰ بگشاید.

دولت اندونزی اخیراً اقدام به اصلاحاتی در بخش آموزش عالی این کشور نموده و راهنمایی را در این خصوص تحت عنوان "راهنمای بلند مدت توسعه آموزش عالی برای سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۵"، تدوین کرده است. هدف اصلی این اصلاحات افزایش کارایی دانشگاهها در جهت پاسخگویی به نیازهای متقاضیان و جامعه از طریق بهبود مدیریت، افزایش مساوات و میزان دسترسی به امکانات آموزشی از طریق اولویت بندی رشته‌های تحصیلی و مناطق جغرافیایی است. وزارت آموزش و فرهنگ اندونزی در صدد است با اجرای برنامه‌هایی میزان دسترسی به آموزش عالی را از ۱۰/۵ در صد کنونی به ۲۵ درصد تا سال ۲۰۲۰ افزایش دهد. این امر مستلزم آن است که ظرفیتهای پذیرش کنونی افزایش یابد.

برای رسیدن به این مهم باید اقدامات زیر صورت گیرد:

۱- ظرفیت پذیرش مؤسسات آموزش عالی دولتی از حدود ۵۵۰ هزار نفر به ۱/۲ میلیون نفر افزایش یابد.

۲- ظرفیت پذیرش مؤسسات آموزش عالی خصوصی از سطح ۶۰ درصد به ۷۵ درصد افزایش یابد.

۳- افزایش بورسهای تحصیلی تا سطحی که حدود ۱۰ درصد از دانشجویان مؤسسات دولتی را تحت پوشش قرار دهد [۹].

دولت اندونزی برای مقابله با چالشهایی که در زمینه تربیت نیروی انسانی متخصص، ارتقای کیفیت و قابلیت نیروی کار و قادر ساختن آنها برای پاسخگویی به نیازهای بازار کار روبرو است، درصد افزایش میزان دسترسی به آموزش در این کشور است.

براساس این برنامه، نیروی انسانی دارای تحصیلات دانشگاهی باید طی ۲۰ سال آینده با افزایش ظرفیتهای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از میزان ۴ درصد کنونی به بیش از ۲۵ درصد افزایش یابد. این تحولات باید در دوره‌های کاردانی بیشتر از دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد صورت گیرد.

البته تحقق این امر نیازمند انجام تبلیغاتی برای تغییر نگرش جامعه و دارندگان مدرک دیپلم نسبت به دوره‌های کاردانی است. همچنین دولت برای مشارکت بیشتر بخش خصوصی بویژه صنایع در امر سرمایه‌گذاری در آموزش عالی باید با اعطای یارانه و سیاستهای تشویقی آنها را به این سمت هدایت نماید.

علاوه بر اینها دولت اندونزی در نظر دارد تا میان دانشگاهها با مراکز صنعتی، نیازهای جامعه و بازار کار ارتباط برقرار کند، به طوری که مؤسسات آموزش عالی براساس یک برنامه ریزی منظم انتظارات مردم را برآورده سازند. براین اساس ضروری است که میان طرفین مذاکرات لازم صورت گیرد.

همکاری دانشگاهها بویژه با صنایع در برنامه‌های آموزشی و کارآموزی ضرورت دارد. براین اساس برنامه‌های درسی باید به طرف نیازهای صنایع جهت داده شود و تئوریها باید در عمل مفید واقع شوند.

نکته دیگر این است که باید به تحقیقات کاربردی و پایه‌ای اهمیت بیشتری داده شود. این امر از آنجا اهمیت بیشتری می‌یابد که برای دانشگاهها ضروری است که اطلاعاتی درباره مسایل و مشکلات صنایع داشته باشند تا بتوانند براساس برنامه‌های آموزشی خود اقداماتی برای حل آن مشکلات بنمایند. صنایع نیز باید از تحقیقات حمایت نمایند، تا کیفیت کالاها و محصولات تولیدی آنها افزایش یابد.

## منابع

- ۱- بازرگان، عباس (۱۳۷۰)، سیمای تحقیقات آموزشی در اندونزی، تهران: مرکز تحقیقات آموزشی
- ۲- بازرگان، عباس (۱۳۷۲)، کندوکاوی در کیفیت و مسایل آموزش عالی کشورهای جهان سوم: تجربه کشور اندونزی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
- ۳- سوهندرو، با مبانگ (۱۳۷۷)، اصلاحات در سیاستهای آموزش عالی اندونزی، ترجمه حسن نفر آباد، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، سال ششم، بهار و تابستان، شماره ۲۰۱ (شماره مسلسل ۱۵۰۱۶)
- ۴- کاظم نژاد، انوشیروان [ودیگران] (۱۳۷۶)، بررسی تطبیقی روند تاسیس موسسات آموزش عالی خصوصی در ایران و جهان، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، معاونت آموزشی، دفتر آموزشهای آزاد
- ۵- مرکز انتقال تکنولوژی آسیا و اقیانوسیه (۱۳۷۱)، سیاست گذاری و برنامه ریزی تکنولوژی در منطقه آسیا و اقیانوسیه، ترجمه طرح مطالعه خطوط اساسی توسعه تکنولوژی کشور، تهران: سازمان برنامه و بودجه
- ۶- مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی (۱۳۷۷)، مقدمه ای بر تغییر ساختار فرآیند برنامه ریزی درسی در آموزش عالی
- ۷- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (۱۳۶۶)، اندونزی، تهران
- ۸- واتسن، سی، دابلیو (۱۳۷۸)، اندونزی، ترجمه عبدالحسین نفیسی، گزیده مقالات دایره المعارف آموزش عالی، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، جلد دوم
- 9- Bambang Sahendro (1997), Policy Reforms in Higher Education in Indonesia, Paris, Unesco
- 10- Ministry of Education and Culture (1998), The Development of Education System in Indonesia, A Country Report



# فصل سوم

## ژاپن

### ۱- تاریخچه

نخستین تلاش برای ایجاد دانشگاه به سبک غرب با تأسیس دانشگاه توکیو در سال ۱۸۷۷ به عمل آمد. به دنبال آن چندین کالج فنی و حرفه‌ای ایجاد شدند.

در سال ۱۸۸۶، دانشگاه توکیو به صورت دانشگاه سلطنتی توکیو در آمد. به دنبال آن ۷ دانشگاه سلطنتی نیز تا سال ۱۹۴۰ ایجاد شدند. این دانشگاهها که به صورت سلسله مراتبی اداره می‌شدند، دارای دانشکده‌های دولتی دیگری نیز بودند که در رشته‌های پزشکی، مهندسی، بازرگانی و تعلیم و تربیت فعالیت می‌کردند.

هدف این نظام سلسله مراتبی ایجاد قشرهای مختلف اجتماعی از طریق سطوح مختلف آموزش عالی بود. هر چند کل نظام آموزش عالی ژاپن تنها در خدمت عده معدودی از مردم این کشور بود. زیرا دانش‌آموختگان دانشگاههای سلطنتی بر امور سیاسی و اداری این کشور تسلط داشتند [۱۳].

طی این سالها ژاپن تلاشهایی را برای استفاده از تجارب آموزشی آمریکا و کشورهای غربی آغاز کرد [۱۸].

نظام آموزشی ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی توسعه چشمگیری یافت، به طوری که هم اکنون این کشور از نظر بین‌المللی به عنوان یکی از دارندگان بهترین نظام آموزشی در جهان شهرت دارد. به راستی می‌توان رشد سریع اقتصادی ژاپن ظرف سالهای اخیر را برنامه ریزیهای دقیق و سیاستگذاری صحیح در نظام آموزش و پرورش این کشور دانست.

پس از پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) مقامات آموزشی ژاپن تلاشهای خود را صرف برنامه ریزی و ترمیم خسارات ناشی از این جنگ و سازماندهی نظام جدید آموزشی نمودند. بر اثر این تلاشها نظام آموزش و پرورش این کشور به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی آموزشی به طور کامل مورد

اصلاح و تجدید نظر قرار گرفت و فرمان امپراتور میجی (Miji) که بیش از نیم قرن بر نظام آموزش این کشور حاکم بود، توسط مجلس قانونگذاری (دیت - Diet) لغو شد.

از پایان جنگ جهانی دوم تا کنون هر ۱۵ سال یکبار، یک سری اصلاحات و تغییراتی در نظام آموزش عالی ژاپن صورت گرفته است. در اولین گام که تا سال ۱۹۶۰ طول کشید، بیشترین تلاشها صرف تجدید ساختار و سازمان دانشگاهها شد. در این سالها اقداماتی جهت حفظ کیفیت دانشگاهها صورت گرفت. در این راستا اختیاراتی به دانشگاهها داده شد و آزادی تحقیق در دانشگاهها حمایت شد.

علاوه بر اینها، در اولین دوره تلاشهای زیادی برای جذب افراد نخبه و ممتاز در دانشگاهها صورت گرفت [۱۹].

دومین مرحله از سال ۱۹۶۰ شروع شد. در واقع دولت ژاپن به دنبال جنگ جهانی دوم تلاشهای گسترده‌ای را برای بازسازی این کشور آغاز کرد. طی سالهای دهه ۱۹۶۰، به تدریج ثمرات رشد و توسعه اقتصادی آن آشکار شد. در این زمان موضوع رشد صنعتی هم برای طرفداران و هم برای مخالفان آن، موضوعی اساسی بود. مردم این کشور به تدریج احساس می‌کردند که ژاپن از انزوای خود که به دنبال شکست در جنگ جهانی دوم برای آن کشور حاصل شده بود، بیرون می‌آید و در دوران پس از جنگ به سر می‌برد. هدف اصلی ژاپن در این دوران حضور بیشتر در مجامع بین‌المللی بود.

یکی از مهمترین تغییراتی که در این دوران رخ داد، افول نقش دولت در نزد مردم بود. البته، دولت به هیچ وجه نقش خود را به عنوان یک نظام سیاسی از دست نداد. اما با این همه، سالهای دهه ۱۹۶۰ شاهد تنزل سریع نقش دولت در اذهان مردم بود.

طی روند صد ساله مدرن سازی و صنعتی کردن کشور که با روی کار آمدن امپراتور میجی در سال ۱۸۶۸ آغاز شده بود، دولت به عنوان نیروی فوق العاده قدرتمندی تلقی می‌شد که قادر به تعیین تمایلات ملی است. مدرن سازی شدیداً نگرش مردم را نسبت به مفهوم "ملت" تغییر داد و سبب شد که آنها ملت را نه مانند گذشته به عنوان یک جامعه قوی، بلکه همچون وسیله‌ای جهت ایجاد هدف مشترک در نظر آورند.

طی دوران مدرن سازی، این برداشت از ملت، یعنی زمینه ساز هدفی جمعی، بسیار تقویت شد. بخصوص مدرن سازی احساس مردم را مبنی بر اینکه زندگی‌شان باید وقف هدفهای ملی شود، تقویت کرد. اوج این تمایلات در سالهای دهه ۱۹۶۰ مشهود بود؛ زمانی که ژاپن در میان کشورهای سرمایه داری از نظر تولید ناخالص ملی در رده دوم قرار گرفت [۳].

در این دوران همزمان با تسریع رشد اقتصادی ژاپن، نقش آموزش و پرورش در زمینه رشد استعداد های نسل نوجوان و جوان اهمیت بیشتری یافت. نظام جدید آموزش و پرورش بر اساس دوری از ماهیت جنگ طلبانه و میلیتاریستی گذشته ژاپنی ها و رشد همگون فرهنگی شخصیت دانش آموزان پی ریزی گردید.

در این نظام که از خاکسترهای ناشی از خرابیهای جنگ سربرکشیده بود، فرد و استعداد های طبیعی او مورد توجه قرار گرفت و با اتکا به یک نظام دموکراتیک، پرورش این استعدادها مورد عنایت قرار گرفت. علاوه بر آن، استقلال آموزش و پرورش و عدم تمرکز در اجرای امور پذیرفته شد.

همزمان با رشد صنایع، نیاز به نیروی کار ماهر نیز افزایش یافت. از اینرو مقامات آموزش و پرورش ژاپن برای پاسخگویی به درخواستهای صاحبان صنایع مبنی بر تربیت دانش آموختگان متخصص، درصدد تقویت نظام آموزش عالی این کشور برآمدند. یکی از این سیاستها ایجاد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی متنوع بود. در این سالها درآمدهای خانواده ها نیز افزایش یافت. در نتیجه تقاضا برای ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی سیر صعودی به خود گرفت.

در دهه ۱۹۶۰، آموزش و پرورش چنان سریع توسعه یافت که برآن نام "دوره انفجار آموزشی" گذاشتند. سرعت توسعه بسیار بیشتر از دوره قبل از جنگ جهانی دوم بود.

بر اثر این توسعه، در نظام آموزش عالی نیز تغییراتی حاصل شد. یکی از ویژگیهای آموزش عالی ژاپن در این دهه ازدیاد مؤسسات آموزش عالی خصوصی بود. به طوری که در اواسط دهه ۱۹۶۰، حدود ۲۷۰ کالج و ۱۸۵ دانشگاه خصوصی مشغول فعالیت بودند. این در حالی بود که در آن زمان تعداد کالجها و دانشگاههای دولتی به ترتیب ۴۰ و ۳۴ واحد بود. کالجها و دانشگاههای خصوصی بیش از ۷۰ درصد کل دانشجویان ژاپنی را در خود جای داده بودند.

در این دهه، حدود ۱۰ درصد از فارغ التحصیلان دبیرستانها وارد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی شدند.

در سال ۱۹۶۸، حدود ۱۰ درصد نیروی کار ژاپن دارای تحصیلات عالی بودند. یک دهه بعد این رقم به ۱۵ درصد افزایش یافت.

در سال ۱۹۷۰، دولت ژاپن به دلیل افزایش ناگهانی تعداد دانشجویان با مشکل کیفیت آموزش عالی روبرو شد. از اینرو تلاشهایی را برای حل این مشکل آغاز کرد. از جمله این تلاشها، محدود کردن دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بود. در همین راستا مقرر شد که آموزش عالی براساس برنامه ریزی پیش برود.

بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰، سومین مرحله در آموزش عالی ژاپن آغاز شد. در این مرحله سیاستها و تمهیداتی برای افزایش کیفیت نظام آموزش عالی ژاپن اتخاذ شد. هر یک از این سیاستهای دولت که مونبوشو (Monbusho) به نمایندگی از آن عملیات اجرایی را انجام می‌داد، نقش اصلی را در ایجاد تحول برعهده داشت. یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین اقدامات این وزارتخانه محدود کردن ایجاد دانشگاههای جدید و بردن دانشگاههای قدیمی از شهر توکیو و اطراف آن به شهرهای دور دست بود. یکی از نتایج چنین اقداماتی باقی ماندن نسبت ۳۵ درصد ثبت نام در طول ده سال اول برنامه سوم این کشور می‌باشد.

برخی از مؤسسات آموزش عالی هماهنگ با اهداف برنامه‌های نوین آموزش عالی از سال ۱۹۷۵ به بعد در این کشور ایجاد شدند. یکی از آنان دانشگاه تسکوبا (Tsukuba) است که به عنوان یک دانشگاه با برنامه‌های نوین آموزشی و پژوهشی در سال ۱۹۷۵ ایجاد شد [۵]. ژاپن در سال ۱۹۷۶ دارای بیش از دو میلیون دانشجو در دوره‌های تحصیلی مختلف بود که از این تعداد بیش از ۳۶۰۰۰ دانشجو در دوره‌های کارشناسی ارشد و بیش از ۱۵۰۰۰ دانشجو در دوره‌های دکتری مشغول تحصیل بودند.

در سال ۱۹۸۲، مؤسسات صنعتی حدود ۷۰۰/۰۰۰ دانش آموز را استخدام کردند و صنایع ساختمانی نیز ۲۰۰/۰۰۰ نفر دیگر را استخدام کردند.

مرحله چهارم از سال ۱۹۹۰ آغاز شد. با نزدیک شدن به سالهای ۹۰، بار دیگر تعداد جوانان هجده ساله این کشور افزایش یافت. مونبوشو به این رشد ناگهانی با عوض کردن سیاستهای خود به سمت غیر تنظیمی (عدم کنترل رشد ایجاد دانشگاهها و پذیرش دانشجو در مقاطع پایین تحصیلی) پاسخ داد. این سیاست باعث شد که بار دیگر میزان پذیرش دانشجویان توسط دانشگاهها افزایش یابد و به ۴۶ درصد در سال ۱۹۹۵ برسد. در این مرحله توجه خاصی به محدود کردن رشته‌های علوم انسانی و افزایش رشته‌های فنی و صنعتی صورت گرفت.

در سال ۱۹۹۳، تلاشهایی جهت بالابردن کیفیت دانشگاهها آغاز شد. در همین راستا "مراکز کیفیت" در دانشگاهها و پژوهشگاههای دولتی ایجاد شدند. این مراکز تأثیرات به سزایی بر روی توسعه علوم و تکنولوژی در این کشور برجای گذاشته‌اند.

در سال ۱۹۹۴، تعداد مؤسسات آموزش عالی ژاپن به ۵۵۲ دانشگاه و ۵۹۳ کالج، دانشکده و مؤسسه آموزش عالی رسید. در مؤسسات مذکور به ترتیب ۲/۴۸۰/۰۰۰ و ۵۲۰/۰۰۰ دانشجو مشغول تحصیل بودند. در سال مذکور حدود ۱۲۰/۰۰۰ دانشجو از دانشگاهها، دانش آموزان آموخته شدند.

در سال ۱۹۹۵، حدود ۱۱۶۱ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی در ژاپن وجود داشت که ۲/۸۲۰/۰۰۰ دانشجوی در آنها مشغول تحصیل بودند. در این سال حدود ۴۶ درصد جمعیت ۱۸ ساله وارد این مؤسسات آموزش عالی شدند.

در سال مذکور ۱۱۰/۰۰۰ دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۴۴/۰۰۰ دانشجوی دوره دکتری از مؤسسات آموزش عالی مذکور فارغ التحصیل شدند [۲۰].

در سال ۱۹۹۷، حدود ۵۸۷ دانشگاه در ژاپن مشغول فعالیتهای آموزشی و پژوهشی بودند. ۴۲۰ دانشگاه دارای دوره های کارشناسی ارشد و ۳۰۵ دانشگاه مجری دوره های دکتری بودند.

در ژاپن دانشجویان دوره های تحصیلات تکمیلی حتی پس از اخذ مدرک با اساتید خود در ارتباط هستند و بر روی پروژه های تحقیقاتی کار می کنند. برخی دانشجویان نیز پس از گرفتن پروژه های تحقیقاتی با راهنمایی اساتید بر روی آنها کار کرده و بعد از ارائه آن به دانشگاهها ی مربوطه موفق به دریافت مدرک خود می شوند.

به نظر می رسد که طی دهه جاری کاهش زیادی در تعداد پذیرش جمعیت افراد ۱۸ ساله روی دهد و حتی گفته می شود این میزان کاهش به ۴۰ درصد برسد. برای مثال برآورد می شود که میزان پذیرش جمعیت از ۲ میلیون نفر در دهه ۱۹۹۰ به ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر در دهه ۲۰۱۰ کاهش یابد. از این رو دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ژاپن تلاش می نمایند تا خود را با نیازهای آینده جامعه تطبیق دهند و رشته هایی را که در دهه آینده کاربرد بیشتری دارند، دایر نمایند.

## ۱-۱- دستاوردها و اصلاحات بعد از جنگ جهانی دوم

در واقع اقدامات و اصلاحات انجام شده در نظام آموزش و پرورش ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم را می توان چنین برشمرد.

۱- تلاش شد تا برای همه افراد جامعه، امکانات یکسانی جهت کسب تحصیلات از سطوح ابتدایی تا سطوح عالی فراهم شود. همچنین برنامه های آموزشی پسران و دختران تقریباً یکسان شد.

۲- نظام آموزش عالی طبقاتی و نخبه گرا مبدل به یک نظام مساوات طلب شد تا تمامی داوطلبان دارای دیپلم دوره های متوسطه بتوانند در آن شرکت کنند.

۳- در هر منطقه هیأتی مرکب از نمایندگان منتخب مردم، اداره امور و نظارت بر آموزش و پرورش را عهده دار گردید. هدف از اقدام مذکور این بود که بدین طریق آثار نامطلوب تمرکز در آموزش و پرورش از بین برود.

۴- نظام پرداختهای هماهنگ برای اعضای هیأت علمی ایجاد شد.

۵- شورای اساتید دانشکده‌ها ایجاد شد و تصمیمات این شورا حتی بر نظرات ریاست دانشکده‌ها ارجحیت داشت.

۶- ساختار اداری دانشگاهها تغییر کرد و ساختار جدیدی ایجاد شد که در آن روابط اداری و مدیریتی بر اساس دموکراتیک پی‌ریزی شده بود. بر این اساس مدیریت دانشگاهها بهبود پیدا کرد و اساتید به راحتی می‌توانستند از مدیریت و نحوه اداره دانشگاههای مربوطه انتقاد کنند. به عبارت دیگر در این ساختار، تصمیم‌های مربوط به اداره دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی بر اساس یک فرآیند تعامل و مشارکت فعال و سازنده اعضای هیأت علمی گرفته می‌شد.

تاریخچه مختصر آموزش عالی ژاپن از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون در جدول زیر ذکر شده

است:

جدول شماره ۲- تاریخچه نظام آموزش عالی ژاپن از سال ۱۹۴۵ تاکنون

سال	خصوصیات	درصد ورود جمعیت ۱۸ سال به بالا در دانشگاهها
۱۹۴۵-۶۰	<p><b>استقرار نظام جدید دانشگاهها پس از جنگ جهانی دوم</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>-تجدید ساختار دانشگاهها</li> <li>-ادغام مؤسسات آموزش عالی قبل از جنگ با دانشگاهها</li> <li>-اعطای مختاری به دانشگاهها</li> </ul>	۱۰
۱۹۶۰-۷۵	<p><b>گسترش کمی</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>-گسترش سریع</li> <li>-سیاست تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار</li> <li>-افزایش نقش دانشگاهها در تحقیقات</li> </ul>	۱۰-۳۸
۱۹۷۵-۹۰	<p><b>تلاش در جهت افزایش کیفیت آموزش عالی</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>-برنامه ریزی آموزش عالی</li> <li>-کنترل گسترش</li> <li>-ایجاد دانشگاهها در مناطق مختلف جغرافیایی</li> <li>-ایجاد مؤسسات آموزش عالی جدید</li> </ul>	۳۵
از ۱۹۹۰ به بعد	<p><b>تنوع آموزش عالی</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>-اصلاح دانشگاهها وتوقف تنظیم وکنترل گسترش</li> <li>-اختصاص اعتبارات جدید برای تحقیقات</li> <li>-ایجاد مراکز کیفیت در دانشگاهها</li> </ul>	۳۵-۴۶

source: Technology and innovation in japan,p63

## ۲- اهداف و سیاستهای آموزش عالی

در سال ۱۹۴۷، در میان فقر، مشقت و مصیبت‌های ناشی از شکست ژاپنی‌ها در جنگ، نظام آموزشی جدید به مورد اجرا گذاشته شد. مهمترین تفاوت قبل و بعد از جنگ شناخت حق برابر مردم برای دسترسی و استفاده از امکانات و تسهیلات آموزش و پرورش بود که در قانون اساسی جدید با صراحت بیان شده بود. هدف از این اقدام فراهم ساختن زمینه‌های مساعد برای دسترسی دانش آموزان و جوانان به آموزش و در نتیجه از بین بردن فاصله طبقات اجتماعی و سیاسی موجود بود. بدین ترتیب حقوق و وظایف متقابل دولت و ملت نسبت به آموزش و پرورش به طور کامل دگرگون گردید و به نظام سلسله مراتبی پایان داده شد.

در ماده ۲۵ قانون اساسی ژاپن آمده است:

”برحسب مصوبات قانون اساسی، ما وفاداری خود را در مشارکت برای صلح جهانی و رفاه بشریت جهت ساختن منطقه‌ای منزه و دموکراتیک نشان داده‌ایم. تحقق این غایت آرزو به طور اصولی در گرو قدرت آموزش و پرورش خواهد بود. ما به تلاشها و ارزشهای فرد بها خواهیم داد، تا انسانهای عاشق صلح و حقیقت پرورش یابند و فرهنگ عمومی و غنی در فرد فرد مردم به طور عمیق و ریشه‌دار رشد و گسترش یابد. با الهام از روح قانون اساسی ژاپن و با اعمال این قانون و با نگرشی بر پاداش هدفهای آموزشی، آموزش و پرورش نوین ژاپن را پی ریزی می‌کنیم.“

در بند ۲ این قانون آمده است :

”هدف آموزش و پرورش نیل به واقعیات عملی در تمامی فرصتها و امکانات خواهد بود و در راه کمک و یاری به توسعه فرهنگ بوسیله احترام متقابل، تعاون، همیاری و اقدام برای آزادی آکادمیک تلاش خواهد کرد.“

در ماده ۲۶ قانون اساسی نیز آمده است :

”همه افراد جامعه حق دارند تا از آموزشی متناسب با تواناییهای خویش به صورتی که در قانون اساسی مقرر شده برخوردار گردند. همه اولیا نیز موظفند که به تحصیل پسران و دختران خود به ترتیب مقرر در قانون همت گمارند، این تحصیلات اجباری، رایگان خواهد بود.“

قانون بنیادی آموزش و پرورش که در سال ۱۹۴۷ به تصویب رسید، نیز اصول و اهداف آموزش و پرورش ژاپن را چنین بیان می‌کند:

”آموزش و پرورش به رشد تمامی ابعاد انسانها توجه خواهد داشت و تلاش خواهد نمود تا جسم و جان مردم را عمیقاً پرورش دهد. به طوری که آنان حقیقت، عدالت، ارزشهای فردی، کار



وتلاش را محترم شمرده و دوست داشته باشند و به عنوان پایه گذاران حکومت و جامعه‌ای صلح جو، سرشار از روح احساس مسئولیت و استقلال باشند“.

طبق این قانون، هدف بنیادی تعلیم و تربیت در عین حال که عبارت از پرورش شخصیت افراد است، همواره پرورش جسم و روح آنان را نیز در نظر دارد؛ تا بدین ترتیب دوستدار حقیقت و عدالت باشند و به ارزش هر یک از آنها احترام بگذارند و به کار و شخصیت افراد ارج نهند و همواره یک روحیه استقلال طلبی راهنمایی آنها باشد.

قانون مذکور هر گونه پیوند بین احزاب سیاسی و گروههای مذهبی با تعلیم و تربیت را منع می‌کند.

این قانون همچنین با در نظر گرفتن تساوی حقوق مردم در دسترسی به آموزش و پرورش که بسیار مهم می‌باشد، هرگونه تبعیض بر مبنای نژاد، عقیده، جنسیت و موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی و یا شرایط خانوادگی را ممنوع می‌کند.

بر اثر این تلاشها حداکثر تعداد افرادی که می‌توانستند وارد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی شدند به ۱۰ درصد رسید.

وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن در سال ۱۹۸۷، انجمن دانشگاههای این کشور را تأسیس نمود. این انجمن در سال ۱۹۹۱، سیاستهایی را جهت بازسازی نظام آموزش عالی این کشور تصویب کرد. این سیاستها که مهمترین اقدام جهت بازسازی نظام آموزش عالی ژاپن طی دهه گذشته تا کنون می‌باشد را چنین می‌توان برشمرد:

۱- توجه دقیق به ارتقای محتوای آموزش عالی و رشد شخصیتی دانشجویان

۲- ارتقای سطح آموزش عالی از طریق گسترش مراکز آموزش عالی - براساس این سیاست مقرر شد که دانشگاههای ژاپن به عنوان یک مرکز برای آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر اقدام نمایند. زیرا در آینده تعداد دانشجویان افزایش می‌یابد.

۳- انعطاف پذیری نظام آموزش عالی در برخورد با نیازهای مردم، امری ضروری است. بویژه اینکه ساختار صنعتی کشور ژاپن مرتباً در حال تغییر و تحول است.

مردم ژاپن به منظور کسب آخرین و جدیدترین اطلاعات درباره تکنولوژی، نیازمند ادامه تحصیل هستند. به منظور فراهم آوردن امکانات تحصیل نیمه وقت باید ترتیبی اتخاذ گردد که دانشجویانی که نمی‌خواهند از برنامه‌های کامل تحصیلی استفاده کنند، بتوانند در کلاسهای شبانه شرکت نمایند.

## ۳- انواع مؤسسات آموزش عالی

آموزش عالی در ژاپن در ۵۵۲ دانشگاه (دایجاکو - Daigaku) ، ۶۰۰ کالج کوچک (تانکی دایجاکو - Tanki-Daigaku) و ۶۵ مدرسه عالی فنی (کوتوسنمو نجاکو - koto-senmongokko) فراهم شده است. این مؤسسات ممکن است ملی، ایالتی، وابسته به ادارات یا شهرداریها و یا خصوصی باشند. حدود ۳ میلیون دانشجو در مؤسسات مذکور مشغول تحصیل می‌باشند [۲۲].

اهداف نظام آموزش عالی ژاپن عبارتند از :

۱- تربیت محققان و مهندسان و دیگر اقسام نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار

۲- انجام تحقیق و توسعه

۳- شناسایی افراد مستعد و استعدادهای درخشان جوان که می‌توانند نقش اساسی در جامعه ژاپن ایفا کنند. ایجاد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی باید با موافقت وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن صورت بگیرد. همچنین این وزارتخانه وظایف نظارت و کنترل مؤسسات یاد شده را برعهده دارد.

یکی از ویژگیهای مهم دانشگاههای ژاپن تأکید بر تحقیقات کار بردی است. براساس قوانین دانشگاهی اساتید این کشور موظفند که مقدیری از ساعات کاری موظف خود را صرف انجام تحقیقات یا بررسی فعالیتهای تحقیقاتی دانشجویان بنمایند.

عمده‌ترین نهادهای آموزش عالی ژاپن عبارتند از:

۱- **دانشگاهها** - دانشگاهها متشکل از یک یا چند دانشکده می‌باشند که طی دوره‌های چهار

ساله، رشته‌های گوناگونی را ارائه می‌دهند. بعضی از دانشگاههای ژاپن مؤسساتی وابسته به خود دارند که این امکان را به دانشجویان می‌دهد که در آنها مطالعات و تحقیقات بیشتری انجام دهند و کیفیت آموزش خود را بالا ببرند.

تعدادی از سازمانهایی که مسئولیت هماهنگی برنامه‌ریزی دانشگاهها را برعهده دارند عبارتند از: انجمن دانشگاههای ملی ژاپن، انجمن دانشگاههای دولتی محلی، انجمن دانشگاههای خصوصی ژاپن، انجمن دانشگاههای معتبر ژاپن. به علاوه شورای برنامه‌ریزی دانشگاهی که یک هیأت مشورتی در وزارتخانه می‌باشد.

اکثر دانشگاه‌های ژاپن خصوصی هستند. کمپانی‌ها و مؤسسات صنعتی و تجاری ژاپن این دانشگاه‌ها را از نظر امکانات و تجهیزات و همچنین امور مالی کمک می‌کنند. زیرا این مؤسسات نیروی انسانی متخصص مورد نیاز آنها را تربیت می‌کنند.

دانشگاه‌های ژاپن را از نظر اهداف، سازمان و تشکیلات می‌توان به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

**۱- دانشگاه‌های جامع ملی** - این مؤسسات از نظر شأن و موقعیت علمی در مقام و مرتبه بالاتری نسبت به دیگر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ژاپن قرار دارند. از جمله این دانشگاه‌ها می‌توان دانشگاه‌های توکیو، کیوتو، توهوکو، کیو شو، هوکایدو، اوزاکا، ناگویا و هیروشیما را نام برد. این دانشگاه‌ها از نظر امکانات و تجهیزات آموزشی، مؤسسات تحقیقاتی و تعداد و مراتب اعضای هیأت علمی در بالاترین سطح قرار دارند و دانش‌آموختگان آنها از نظر علمی و تخصصی در سطح و موقعیت بالاتری نسبت به دانش‌آموختگان دیگر دانشگاه‌ها قرار دارند. دانشگاه‌های مذکور معمولاً دارای ۶ تا ۱۱ دانشکده و مؤسسات تحقیقاتی وابسته و رشته‌های مختلف تحصیلی می‌باشند.

**۲- مجتمع‌های دانشگاهی** - این مجتمع‌ها از چند دانشکده نسبتاً کوچک تشکیل شده‌اند و اغلب دانشجویان را تا سطح کارشناسی آموزش می‌دهند. این دانشگاه‌ها بیشتر در مراکز ایالات تأسیس شده‌اند و به عنوان دانشگاه‌های ایالتی یا محلی شناخته می‌شوند.

**۳- دانشگاه‌های تک رشته‌ای** - این دانشگاه‌ها دارای سابقه علمی درخشان و تخصصی زیادی در یک رشته هستند. از معروفترین این نوع دانشگاه‌ها می‌توان دانشگاه هیتو ستوپاشی، مؤسسه تکنولوژی توکیو، دانشگاه زبانهای خارجی توکیو و دانشگاه هنرهای زیبا و موسیقی توکیو را نام برد

**۴- دانشگاه‌های خصوصی** - بخش اعظم دانشگاه‌های ژاپن خصوصی هستند. این دانشگاه‌ها دارای چندین دانشکده و مؤسسات تحقیقاتی وابسته و رشته‌های مختلف تحصیلی می‌باشند. یکی از معروفترین این دانشگاه‌ها، دانشگاه جامع نیهون (Nihon) است که دارای ۱۱ دانشکده و ۲۰ مؤسسه تحقیقاتی است و حدود ۷۰ هزار دانشجو در آن به تحصیل مشغولند.

**۵- دانشگاه‌های تربیت معلم** - حدود ۴۶ دانشگاه تربیت معلم در ژاپن وجود دارد که امر تربیت معلم در رشته‌های مختلف را برعهده دارند. متقاضیان رشته معلمی باید «گواهینامه معلمی» را که شورای آموزش و پرورش هر ایالت اعطا می‌کند، کسب کنند. اخذ این نوع گواهینامه برای تدریس در مدارس ابتدائی، کودکان استثنائی و دوره‌های متوسطه ضروری است.

دانشجویان دانشگاه‌های تربیت معلم باید علاوه بر دروس عمومی و تخصصی، دروس تربیتی مخصوص این دانشگاه‌ها را نیز بگذرانند.

در ژاپن شغل معلمی دارای اهمیت زیادی است و داوطلبان مربوطه باید تلاشهای گسترده‌ای را برای دستیابی به این حرفه انجام دهند.

**۶- دانشگاههای ویژه زنان** - این دانشگاهها تنها از میان دختران و بانوان، دانشجو انتخاب می‌کنند و آنها را در رشته‌های مختلف علوم انسانی، اقتصاد خانواده و برخی حرفه‌های تخصصی‌تر مانند طب، پرستاری، داروسازی و غیره تربیت می‌کنند.

در حال حاضر حدود ۸۵ دانشگاه مخصوص زنان در ژاپن وجود دارد که از میان آنها دو دانشگاه ملی، ۶ دانشگاه ایالتی و بقیه به صورت خصوصی هستند [۱۴].

**۲- کالجها** - در کالجها رشته‌های تخصصی‌ای که باعث رشد استعدادهای دانشجویان در زمینه‌های مختلف می‌شوند، تدریس می‌گردند. این رشته‌ها عبارتند از: صنایع دستی و بومی، علوم اجتماعی، علوم انسانی، هنرهای زیبا، بازرگانی، کشاورزی، بهداشت، پیراپزشکی و حرفه آموزشی کالجها، در سطح پایین‌تری از دانشگاهها قرار گرفته‌اند. این کالجها با ایجاد دوره‌های ۲ تا ۳ ساله مدارک درجه یک اعطا نمی‌کنند، اما این مدارک را می‌توان به عنوان وسیله‌ای برای صعود به درجات بالاتر دانست.

برای ورود به این کالجها داشتن مدرک پایان تحصیلات دبیرستانی الزامی است. واحدهای درسی گذرانده شده در این کالجها ممکن است به عنوان جزئی از واحدهای درسی دانشگاهی محسوب شوند.

دانشجویان کالجها معمولاً می‌توانند به صورت تمام وقت، پاره وقت و یا مکاتبه‌ای در این مراکز به تحصیلات خود ادامه دهند. طول دوره‌های مکاتبه‌ای معمولاً یک تا دو سال بیشتر از مدت تحصیل در دوره‌های روزانه است.

**۳- مدارس عالی فنی** - مدارس عالی فنی دانش آموختگان دوره اول متوسطه را می‌پذیرند و پس از ۵ سال تحصیل به آنها مدارک کاردانی می‌دهند. مدارس عالی فنی که به تربیت تکنیسین مبادرت می‌ورزند، از نظر کیفی در سطحی پایین‌تر از دانشگاه قرار دارند. در عین حال، ممکن است دانش آموختگان این مدارس عالی از مدارک خود برای گرفتن پذیرش دانشگاهی استفاده نمایند.

افرادی که دارای گواهینامه پایان تحصیلات دوره اول متوسطه می‌باشند، می‌توانند داوطلب شرکت در این مدارس گردند. این مؤسسات در سال ۱۹۶۲ در ژاپن تأسیس شدند و همچنان رو به گسترش هستند. ورود به مدارس مذکور براساس نتایج آزمون ارزیابی و پیشرفت تحصیلی که برای دانش آموختگان دوره اول متوسطه برگزار می‌شود، صورت می‌گیرد.

نوع آموزشهای این مدارس عمدتاً فنی و حرفه‌ای است و شامل رشته‌های ماشین آلات، برق، شیمی صنعتی، پتروشیمی، صنایع دریایی و شهرسازی می‌باشد. مدت دوره رشته‌های مهندسی ۵ سال و صنایع دریایی ۵ سال و نیم می‌باشد. لازم به یاد آوری است که تعداد این قبیل مدارس در مقایسه با کل دانش آموزان دوره دوم متوسطه چندان زیاد نیست.

ژاپن در زمینه آموزش صنعتی به این افراد موفقیت زیادی داشته است. زیرا با آموزشهای علمی و عملی که در این مدارس به افراد داده می‌شود، دانش آموختگان آنها کارآیی بالایی دارند و بخش اعظم نیروی کار مورد نیاز کارخانه‌ها و کارگاهها را تربیت می‌کنند.

۴- سایر مؤسسات آموزش عالی - دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ژاپن دارای دوره‌های مکاتبه‌ای و شبانه نیز می‌باشند. هدف عمده از ایجاد این دوره‌ها، ایجاد امکان برای جوانان شاغل جهت دریافت مدارک دانشگاهی است. در اصل، دوره‌های مکاتبه‌ای و شبانه همانند یک دوره مشابه روزانه محاسبه می‌گردد.

گذشته از اینها، دولت ژاپن در صدد تأسیس دانشگاههای رسمی جهت ارائه دوره‌های آزاد هنری که برای برنامه‌های رادیو و تلویزیون مفید است، می‌باشد (دانشگاه صدا و سیما).

### ۱-۳- امتحانات ورودی

ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در وضعیت اجتماعی و اقتصادی آینده جوانان تأثیر تعیین کننده‌ای دارد. بنابراین، جوانان نیز تا سر حد امکان تلاش می‌کنند تا در آزمون دانشگاههایی که بهترین موقعیت را دارند، پذیرفته شوند، والدین دانش آموزان به خاطر اینکه فرزندان خود را برای ورود به دانشگاهها، آماده سازند آنها را از ابتدا به مدارس معروف می‌فرستند. بسیاری از والدین فرزندان خود را به "جوکو" (Juku- دوره‌های تقویتی و تکمیلی) می‌فرستند تا آنها را در گرفتن نمره‌های خوب و گذراندن امتحانات ورودی سطوح گوناگون آموزشی کمک کند. دانش آموزان نیز از ترس عقب نماندن از همکلاسیهای خود با اشتیاق فراوان در این گونه کلاسها شرکت می‌کنند.

در واقع بیش از نیمی از جوانان ژاپنی در کنار تحصیلات متوسطه، دوره‌های "جوکو" را هم می‌گذرانند. این دوره‌ها به شکلهای گوناگون ارائه می‌گردد، ولی اغلب آنها به دانش آموزان کمک می‌کنند تا در امتحانات ورودی دبیرستانها، کالجها و دانشگاهها موفق گردند. بعد از این که نتیجه

آزمون ورودی دانشگاهها اعلام شد، درصد بالایی از جوانانی که موفق به کسب نمرات لازم جهت ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی نشده‌اند، مدت یکسال یا بیشتر پشت آزمون می‌مانند و خود را برای شرکت در آزمونهای ورودی بعدی آماده می‌کنند. در ژاپن به این گونه افراد "رونین" (Ronin- سامورایی بی سرپرست) گفته می‌شود؛ زیرا به هیچ نهادی وابسته نمی‌باشند.

فشار آزمونهای ورودی ناشی از این است که این آزمونها تنها راه ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و رسیدن به پستهای بالا هستند. در واقع، گرچه یک دانشجوی آمریکایی که در یک دانشگاه خوب پذیرفته می‌شود، از کسی که وارد دانشگاه نشده است شغل بهتری پیدا می‌کند، با این حال در آمریکا راههای گوناگونی برای پیشرفت وجود دارد. اما در ژاپن برای پیشرفت در آینده تحصیلات دانشگاهی اهمیت زیادی دارد و در نتیجه تمام موقعیت‌های بعدی افراد به موفقیت آنها در امتحانات دوران دانشگاهی بستگی پیدا می‌کند.

هدف امتحانات ورودی، سنجش معلومات کسب شده داوطلبان دیپلم است و براین فرض استوار است که موفقیت در آنها به بهره هوشی یا استعداد ذاتی یا فطری افراد بستگی ندارد، بلکه به توانایی آنها در بهره گیری از استعدادهای فطری برای مطالعه زیاد و پشتکار آنها وابسته است.

ژاپنی‌ها عقیده دارند که استعداد فطری ممکن است به فراگیری و کسب اطلاعات کمک کند؛ ولی تنها یک راه برای کسب نمره وجود دارد و آنهم مطالعه بیشتر است. از این رو کسانی که یک یا دو سال تمام عمر خود را صرف شرکت در کلاسهای کنکور می‌کنند تا وارد دانشگاه شوند افراد کند ذهنی قلمداد نمی‌شوند، بلکه همه از پشتکار آنها تمجید می‌کنند [۱۷].

ژاپنی‌ها آزمونهای ورودی را تنها نوعی سنجش و ارزیابی معلومات داوطلبان ورود به مؤسسات آموزش عالی تلقی نمی‌کنند، بلکه این امر را حق هر مؤسسه آموزشی می‌دانند که از داوطلبان از بولی برخوردار باشند.

دانش‌آموزان بیهوده فنونی را فقط به خاطر موفقیت در آزمون یادگیرند. برای اصلاح این امر وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن با همکاری علاقه‌مندان به امور دانشگاهها و دبیرستانهای دوره دوم متوسطه، مطالعات فنی خاصی را به مورد اجرا گذاشت. کمیته اصلاح آزمون ورودی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در دسامبر ۱۹۷۱، پیشنهادهایی را برای اصلاح آزمون ورودی دانشگاهها ارائه نمود. این پیشنهادات عبارت بودند از: احتساب نمرات دروس دبیرستانی دانش‌آموزان و برگزاری یک آزمون پیشرفت تحصیلی سراسری برای همه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی.

در سال ۱۹۷۹، قانونی به تصویب رسید که به موجب آن می‌باید کلیه داوطلبان ورود به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی دولتی ابتدا در یک آزمون عمومی شرکت نمایند. این آزمون که به صورت سراسری و در یک زمان برگزار می‌شود، پیشرفت تحصیلی کلیه داوطلبان را در یک مرحله مورد ارزیابی قرار می‌دهد. سپس دانشگاهها با استفاده از "نتایج آزمون مرحله اول" و آزمونهایی که خود برگزار می‌کنند، دانشجویان را گزینش می‌نمایند.

در آزمون مرحله اول، سطح معلومات داوطلبان در دبیرستان و در آزمون مرحله دوم سطح معلومات وی برای ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مشخص می‌شود.

آزمون مرحله دوم معمولاً شامل آزمونهایی کتبی، تشریحی و مصاحبه می‌باشد. تصمیم نهایی براساس نتایج این دو آزمون و همچنین نمرات دروس دوره دوم متوسطه دانش‌آموزان، به علاوه گزارش مدیران دبیرستانها اتخاذ می‌گردد. مدیران دبیرستانها می‌توانند با توصیه‌ها و سفارشهای خود برای حدود ۱۵ درصد از داوطلبان اجازه ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی صادر نمایند.

تعداد دانشجویانی که در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ژاپن ثبت نام کرده‌اند از رقم ۱/۸۱۹/۳۲۳ نفر در سال ۱۹۸۰ به ۲/۴۱۲/۱۱۷ نفر در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت که رشد متوسط سالانه‌ای برابر ۳/۲ درصد را نشان می‌دهد. این امر با توجه با این که رشد سالانه ثبت نام در سطح آموزش عالی در قاره آسیا طی سالهای ۷۸-۱۹۷۰ حدود ۶/۱ درصد بوده است، رشد سالانه تعداد دانشجویان این کشور با توجه به افزایش آن و نیز بالا بودن نسبت تعداد دانشجو در هر ۱۰۰ هزار نفر در مقایسه با اوضاع کلی این قاره در حد مطلوبی قرار داشته است.

در ژاپن هیچ محدودیتی در تعداد داوطلبان و یا تقاضاهای آنها برای شرکت در آزمون سالیانه وجود ندارد. در برخی از دانشگاهها تعداد متقاضیان مازاد بر ظرفیت اعلام شده در آنها می‌باشد. در اغلب موارد تعداد داوطلبان دانشگاهها ۷ برابر ظرفیت آنها و تعداد داوطلبان کالجها ۲/۶ برابر ظرفیت آنها می‌باشد.

## ۲-۳- مدارک دانشگاهی

۱- کارشناسی (گاکوشی - Gakushi) - نخستین مرحله از دریافت مدارج تحصیلات عالی است که در اکثر رشته‌ها پس از یک دوره چهارساله داده می‌شود. این دوره برای رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی ۶ سال می‌باشد.

در پایان هر نیمسال تحصیلی دانشجویان باید در امتحان هر مواد درسی که انتخاب کرده‌اند شرکت نمایند. این امتحانات معمولاً به صورت کتبی برگزار می‌شود و گاهی اوقات نیز به صورت تحقیق و ارائه گزارشهای علمی پیشرفته انجام می‌گردد. در این مقطع، نمراتی که دانشجویان در واحدهای درسی ذیربط می‌گیرند، در کارنامه‌های آنها به ثبت می‌رسد. آنها در اکثر رشته‌های تحصیلی، بجز رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی، در دوره‌های تحصیلات خود می‌باید ۱۲۴ واحد بگذارند.

این واحدها بدین صورت قابل تفکیک است: ۳۶ واحد در موضوعات عمومی (علوم انسانی، علوم اجتماعی و علوم طبیعی)، ۸ واحد در زبانهای خارجی، ۴ واحد در فیزیک و ۷۶ واحد در رشته‌های تخصصی مربوطه

در دانشگاهها و دانشکده‌های کوچکتر، واحدهای یکسان مورد قبول واقع می‌شوند. برخی واحدها که به صورت کنفرانس و به مدت یک ساعت در کلاس در هفته برگزار می‌شود، نیازمند به ۲ ساعت کار در هفته می‌باشد. واحدهای آزمایشگاهی در همان مدت نیازمند به ۳ ساعت کار در هفته می‌باشند.

در رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی، دانشجویان باید در ابتدا دو سال آموزش عمومی (۶۴ واحد عمومی بگذارند) و بعد از آن به مدت ۴ سال، آموزشهای عملی ببینند. در پایان این مقطع، مدرک ایگاکوشی (Igakushi) که یک مدرک تخصصی است، به دانش‌آموختگان داده می‌شود.

۲- کارشناسی ارشد (شوشی - Shushi) - برای دریافت این مدرک باید ۲ سال کامل درس خواند و ۳۰ واحد درسی را گذراند و همچنین پایان نامه را که یک کار تحقیقاتی است، ارائه داد.

۳- دکتری (هاکوشی - Hakushi) - عالی ترین مدرک تحصیلی است و به کسانی اعطا می‌شود که دوره کامل دکتری را بگذارند. زمان لازم برای دریافت این مدرک ۳ سال است که دانشجویان باید ۳۰ واحد درسی را بگذارند و در امتحان نهایی نیز موفق شوند. آنها ظرف مدت تحصیل باید یک سری کارهای تحقیقاتی را نیز انجام دهند.





دانشگاههای ژاپن مواد درسی انتخابی و اجباری دوره‌های مختلف تحصیلی را به طور مستقل و متناسب با رشته‌های تحصیلی مربوطه تنظیم و اعلام می‌نمایند.

دروس عمومی، زبان خارجی و آموزش تربیت بدنی و بهداشت، معمولاً در سالهای اول و دوم و در تالارهای آموزشی دانشگاهها برگزار می‌گردد. مواد درسی اصلی در سالهای سوم و چهارم و در کلاسهای کوچکتر و به صورت سمینار، دوره‌های آزمایشگاهی، مطالعه و بررسی طرحها و دوره‌های عملی تدریس می‌شوند.

#### ۴-۳- زبان تحصیلی

زبان تحصیلی در دانشگاههای ژاپن، زبان ژاپنی است، ولی در ۵ دانشگاه زیر زبان انگلیسی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد:

- ۱- دانشگاه بین المللی مسیحیان در رشته‌های علوم اجتماعی و تربیتی و زبان خارجی
  - ۲- دانشگاه بین المللی ژاپن (رشته روابط بین الملل)
  - ۳- دانشگاه سایتاما (رشته علوم)
  - ۴- دانشگاه سوفا (رشته‌های فرهنگ و مطالعات خارجی)
  - ۵- دانشگاه توکیو (رشته‌های مهندسی ساختمان تا دوره دکتری)
- شایان ذکر است که حتی در ۵ دانشگاه فوق الذکر نیز دانستن زبان ژاپنی ضروری است.

#### ۴-آموزشهای فنی و حرفه‌ای

پس از جنگ دوم، دولت ژاپن به آموزشهای فنی و حرفه‌ای اهمیت زیادی داد. در سال ۱۹۴۹، وزارت کار ژاپن، آموزش داخل کارخانه‌ها را به عنوان یکی از سیاستهای خود برگزید. این امر در ابتدا توسط کارشناسان خارجی به مورد اجرا گذاشته شد و به تدریج مورد قبول قرار گرفت.

در سال ۱۹۵۸، قانون آموزش حرفه‌ای به منظور ایجاد نظام هماهنگ آموزش فنی و حرفه‌ای به تصویب رسید.

با توسعه صنایع و رشد اقتصادی ژاپن در دهه ۱۹۶۰، لزوم آموزشهای جدید فنی و حرفه‌ای مورد توجه قرار گرفت. صنایع مبادرت به برقراری دوره‌های آموزشی مخصوص خود کردند. دولت نیز موظف شد که مراکز فنی و حرفه‌ای کارخانجات را تقویت نماید.

امروزه آموزشهای فنی و حرفه‌ای در ژاپن توسط مدارس دولتی و همچنین مؤسسات آموزش خصوصی ارائه می‌شود. از نظر آمادگی حرفه‌ای تفاوت چندانی میان این دو نوع آموزش دیده نمی‌شود. ولی در واقع تفاوت اساسی آموزشهای مذکور در این است که آموزشهای حرفه‌ای مدارس منجر به دریافت گواهینامه‌های رسمی می‌شود که هم برای ورود به دانشگاهها معتبر است و هم برای اشتغال در بازار کار ارزش دارد. اما گواهینامه‌های مدارس حرفه‌آموزی تنها برای اشتغال معتبر است.

## ۱-۴- سیاستهای تکنولوژیکی

سیاستهای تکنولوژیکی ژاپن نقش مهمی در سیاست رشد و توسعه صنعتی این کشور داشته است.

سطح تکنولوژی صنعتی ژاپن تا اواخر دهه ۱۹۷۰ فاصله زیادی با آمریکا و اروپا داشت. در این زمان زمامداران ژاپن تلاش نمودند تا با خرید تکنولوژیهای خارجی و گردآوری دانش فنی و توسعه و تعمیر آنها نیازهای جامعه خود را برآورده سازند.

در نیمه دوم دهه ۷۰ سطح تکنولوژی ژاپن توسعه یافت تا جایی که از اتکای به تکنولوژیهای خارجی بی‌نیاز شد. در این زمان نیاز به توسعه تکنولوژی بومی افزایش یافت. در پاسخ به این نیازها دولت سرپرستی و هدایت برنامه‌های تحقیق و توسعه را به عهده گرفت و اجرای این برنامه‌ها را به شرکتهای خصوصی واگذار کرد.

دولت ژاپن همچنین سیاستهای تشویقی از جمله کمکهای مالی و کاهش مالیات از جمله مالیات بر هزینه‌های افزوده تحقیق و توسعه و برنامه‌های تحقیق و توسعه در بخش خصوصی را دنبال کرد. این گامها موجب گردید که دولت نقش بسیار مهمی در توسعه تکنولوژی صنعتی ایفا کند [۱۵].

سیاستهای تکنولوژیکی ژاپن را چنین می‌توان برشمرد:

۱- جهانی کردن تکنولوژی - علوم و تکنولوژی متعلق به همه بشریت است. از اینرو ایجاد یک نظام جهانی برای تشویق، انتقال و توسعه تکنولوژی ضروری است. کشورهای صنعتی باید برای ایجاد و انتقال تکنولوژیهای جدید با هم همکاری کنند و در چهار چوب این همکاریها، ژاپن باید نقش فعالتری در انتقال تکنولوژی به کشورهای جهان برعهده گیرد.

فلسفه همکاریهای فنی ژاپن با کشورهای در حال توسعه، حمایت از آنها برای نیل به استقلال تکنولوژیکی است. ژاپن در این راستا برنامه‌های همکاریهای علمی و فنی بلند مدتی را برای این کشورها تدارک دیده است.

افزایش اعتبار بویژه برای هزینه پذیرش دانشجو، آموزشهای فنی و تربیت نیروی انسانی، قابل توجه است. ژاپن متخصصان رشته‌های علمی مختلف خود را به کشورهای در حال توسعه اعزام می‌نماید. به طوری که تا کنون بیش از نیمی از کشورهای آسیایی از کمکهای فنی ژاپن برخوردار شده‌اند. ژاپن نمی‌خواهد که این کمکها یک طرفه باشد، بلکه مایل است خود این کشورها نیز در امر انتقال و پذیرش تکنولوژی مشارکت فعال داشته باشند، تا این کمکها مؤثر واقع گردد.

ژاپن تلاش می‌نماید تا بودجه همکاریهای فنی خود را مرتباً افزایش دهد.

۲- ارتقای سطح تحقیقات پایه - در حال حاضر حدود ۷۰ درصد فعالیتهای تحقیق و توسعه در ژاپن توسط بخش خصوصی انجام می‌شود و تقریباً همه آنها جهت تجاری دارند.

ژاپن از لحاظ تحقیقات پایه فاصله قابل ملاحظه‌ای با آمریکا و اروپا دارد، از این رو تلاش می‌نماید تا این عقب ماندگی را جبران نماید.

۳- احساس مسئولیت در برابر مشکلات محیط زیست - افزایش مشکلات محیط زیست جهان موجب گردیده است که ژاپن میزان همکاریهای فنی خود را در رابطه با این مشکلات افزایش دهد. انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه سبب بروز خسارات زیست محیطی فراوانی در آنها شده‌است، بویژه اینکه کشورهای پذیرنده تکنولوژی نتوانسته‌اند به خوبی آن را توسعه دهند و مقررات حفظ محیط زیست را رعایت نمایند.

۴- ارتقای سطح کیفیت زندگی از طریق توسعه تکنولوژی - ژاپن تلاش می‌نماید تا سطح آسایش و رفاه مردم این کشور را بالا ببرد. زمینه‌های تکنولوژیکی باید به توسعه کیفیت زندگی کمک کنند. این اولویتهای در حال حاضر عبارتند از حفظ محیط زیست، ذخیره انرژی و استفاده از مهندسی پزشکی برای زیبا سازی محیط. برخی از اهدافی که ژاپن در این زمینه دنبال می‌کند، عبارتند از:

۱- مشارکت در تهیه قوانینی به منظور اداره و اشاعه مالکیت معنوی

۲- ارتقای سطح استانداردهای بین المللی

۳- افزایش همکاریهای بین المللی در زمینه تحقیق و توسعه

۴- افزایش میزان کمکها به کشورهای در حال توسعه به طور مستقیم ویا از طریق سازمانهای

بین المللی

- اف ه از طریق همکاری بیشتر بین صنعت، دولت و دانشگاه

## ۲-۴- دانشگاه و صنعت

دانشگاه و صنعت در ژاپن همکاریهای نزدیکی دارند. این همکاریها نه تنها باعث شده است که نقیصه نبود منابع کشاورزی جبران شود، بلکه ژاپن را به صورت یک گول صنعتی درآورده است. در ژاپن دانشگاهها دروازه ورود دانش پیشرفته از کشورهای اروپایی بوده‌اند. دانشگاهها در زمینه تحقیقات مشترک و راهنمائیهای فنی با صنعت نقش گسترده‌ای دارند. در بسیاری از موارد یک دانشگاه انجام تحقیقات بنیادی را تقبل می‌کند و صنعت نیز توسعه کار را برعهده می‌گیرد. اغلب شرکت‌های تولیدی برای انجام کارهای تحلیلی به آزمایشگاههای دانشگاهها مراجعه می‌کنند. حتی در مراکز عمده و بزرگ عموماً صنعت رهبری مشخصی بر دانشگاههای مجاور دارد و به طور کلی از دید دانشگاهها، ارتباط با صنعت منبع مهم دریافت بودجه‌های تحقیقاتی به شمار می‌آید [۱۶].

امروزه میان دانشگاه و صنعت در ژاپن در زمینه‌های مختلف نظیر مشاوره، تحقیقات مشترک، آزمایشگاههای اهدایی، کمک صنعت به بودجه دانشگاهها و ایجاد مراکز ارتباط با صنعت، همکاریهای گسترده‌ای وجود دارد.

## ۳-۴- بومی کردن تکنولوژی

ژاپن در روند توسعه صنعتی خود برای دستیابی به تکنولوژی مورد نیاز برخلاف آمریکا و اغلب کشورهای اروپایی که بیشتر بر تکنولوژی داخلی و تحقیقات در علوم پایه متکی بودند، اقدام به انتقال و جذب تکنولوژی خارجی نمود و صنایع آهن، فولاد، پتروشیمی و الکترونیک از مهمترین بخشهایی بودند که از انتقال عظیم تکنولوژی بهره مند شدند.

ژاپن همچنین منابع انسانی خود را به طرف تکنولوژیهای جدید و بالا که نیازمند استفاده بیشتر از پتانسیلهای نامحدود انسانی هستند، سوق داد. هر چند که توسعه صنعتی ژاپن به تدریج و طی مراحل مختلفی صورت گرفت، اما در تمامی مراحل تطبیق آنها با شرایط داخلی، بومی کردن صنایع و خود اتکایی در آنها، محور اصلی استراتژی توسعه صنعتی به شمار می‌رفت.

مقامات ژاپن برای توسعه صنعتی و تکنولوژی، افزایش میزان تولید و رهبری تکنولوژی جهانی، سیاستهای زیر را به مورد اجرا گذاشتند:

۱- سرمایه گذاری در نظام آموزشی

۲- گسترش سرمایه گذاری مالی

- ۳- گزینش برنامه ریزی شده صنایع استراتژیک و متناسب با امکانات و مقتضیات مختلف کشور و پشتوانه تکنولوژیک لازم
- ۴- توجه و گسترش واحدهای تحقیق و توسعه
- ۵- حمایت و هدایت گسترده دولت به صورت اقدامهای سیاسی و اقتصادی به منظور تغذیه فرایند توسعه صنعتی
- ۶- گسترش انگیزه مولد تجاری، کانالیزه کردن فعالیتهای تجاری از سودهای کاذب به گسترش فعالیتهای مولد
- از ژاپن می توان به عنوان نمونه ای درخشان و پیروز در انتقال تکنولوژی یاد کرد. پیروزی این کشور در توسعه تکنولوژی تا حد زیادی مرهون وارد کردن سریع علوم و تکنولوژی، اقتباس و جذب موفقیت آمیز و سپس تجاری کردن آنها بوده است. ژاپن بیشتر از هر کشور دیگری برای ورود تکنولوژی هزینه کرده و مبالغ بیشتری را برای تجاری کردن آن صرف نموده است [۴].

## ۵- آموزش عالی خصوصی

آموزش عالی خصوصی نقش زیادی در رشد و گسترش آموزش عالی ژاپن داشته است. دولت ژاپن در سالهای پس از جنگ جهانی دوم از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی حمایت نمود و برای جذب سرمایه گذاری بخش خصوصی در زمینه آموزشی دوسیاست مهم را در رابطه با این مؤسسات اجر کرد:

اول، قدرت و نفوذ دولت در مؤسسات خصوصی کاهش یافت و به آنها استقلال بیشتری داده شد. دوم، اجازه تأسیس مؤسسات خصوصی در درجه اول به مدارس مشارکتی غیر انتفاعی داده شد. زیرا مدارس مشارکتی روش مناسبی در رابطه با اداره مؤسسات آموزشی داشتند.

دولت ژاپن سپس به منظور تأمین برخی هزینه های دانشگاههای خصوصی قانونی را در رابطه با دادن کمکهای مالی به این دانشگاهها به تصویب رساند. براساس این قانون، دولت کمک هزینه هایی را در اختیار دانشگاههای خصوصی و دیگر مؤسسات آموزشی برای تأمین هزینه های جاری آنها قرار داد. همچنین مقامات دولتی و محلی موظف به همکاری با این مؤسسات شدند. طبق این قانون، مقامات دولتی و محلی بایستی به مسأله مالیات اینگونه مؤسسات نیز توجه خاصی مبذول نمایند.

بدین ترتیب براساس قانون مذکور دولت ژاپن اقداماتی را برای ارتقای سطح فعالیت مؤسسات خصوصی به طرق ذیل انجام داد:

۱- ارائه کمک و وام برای تأمین هزینه‌های جاری

۲- ارائه و تأمین وام‌های دراز مدت از طریق ارتقای مدارس خصوصی

۳- معافیت‌های مالیاتی [۱۱]

در سال ۱۹۵۰ تعداد ۲۷۸ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی خصوصی در ژاپن وجود داشت که مجموعاً ۳۰/۰۰۰ دانشجو در آنها مشغول تحصیل بودند.

همانطوریکه ذکر شد با توجه به رشد اقتصادی ژاپن در دهه ۱۹۶۰، نیاز به گسترش مؤسسات آموزش عالی خصوصی در این کشور احساس می‌گردید تا بتواند پاسخگوی درخواستها و تقاضاهای گوناگون برای تحصیلات عالی باشد.

این امر به نوبه خود منجر به گسترش آموزش عالی خصوصی شد. در نتیجه تعداد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی به تدریج افزایش یافت، به طوری که آنها امروزه نقش مهمی را در زمینه نظام آموزش عالی این کشور ایفا می‌کنند.

در سال ۱۹۹۱، وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن آزادی عمل بخش خصوصی در دانشگاهها را بیشتر کرد. به طوری که این بخش آزادی عمل زیادی در مورد برنامه‌های درسی و اصلاحات سازمانی دانشگاهها به دست آورد. مؤسسات خصوصی به تدریج فارغ از حمایت پدرمآبانه وزارتخانه متبوع سهم زیادی را در جذب دانشجویان به عهده گرفتند.

بخش خصوصی در سال ۱۹۹۳ موفق به پذیرش حدود ۷۳ درصد دانشجویان دانشگاهها و دانشکده‌ها و حدود ۹۰ درصد دانشجویان کالجهای دوساله شد.

در سال ۱۹۹۴، تعداد ۹۱۰ مؤسسه آموزش عالی خصوصی در ژاپن وجود داشت که ۲/۳۰۰/۰۰۰ دانشجو در آنها تحصیل می‌کردند.

کلاً ۷۵ درصد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ژاپن که در سطوح کاردانی و کارشناسی فعالیت می‌کنند خصوصی می‌باشند. دانشجویان این مؤسسات ۷۶ درصد کل دانشجویان ژاپن را تشکیل می‌دهند. لیکن دانشجویان مؤسسات خصوصی فقط ۳۲ درصد کل دانش‌آموختگان ژاپن را تشکیل می‌دهند. این نسبت در کالجها در سال ۱۹۹۴ حدود ۴۳/۹ درصد بود ولی در سالهای اخیر تا حدود کمی افزایش یافته است.

۸۵ درصد کالجهای ژاپن توسط بخش خصوصی اداره می‌شوند.

## ۱-۵- مراحل تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ژاپن براساس استاندارد مشخصی عمل می‌کنند. دانشگاههای دولتی بیشتر در زمینه علوم پایه، علوم پزشکی و فنی و مهندسی فعالیت می‌کنند. برعکس دانشگاههای خصوصی براساس افکار و عقاید بنیانگذاران آنها بنا نهاده شده‌اند و بیشتر در رشته‌های تحصیلی ادبیات، الهیات و علوم اجتماعی فعالیت دارند.

بیشتر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی به صورت یک شرکت سهامی و با مشارکت دست اندرکاران محلی و چند شریک خصوصی پایه گذاری می‌شوند. بعضی از افراد خیر، مطلع و مورد تأیید منطقه نیز در تأسیس این مؤسسات شرکت می‌نمایند. مقامات محلی نیز از طریق اعطای هدایا، وام، زمین و برخی هزینه‌های جاری در تأسیس این مؤسسات مشارکت می‌نمایند.

به طور کلی در ابتدا تفاوت‌های آشکار زیادی بین امکانات آموزشی و تحقیقاتی بخش خصوصی و دولتی وجود داشت. هرچند این بخش در زمینه کاهش این فاصله پیشرفتهایی داشته است ولی کاملاً این کمبودها پر نشده است.

## ۲-۵- هزینه‌ها

اکثر هزینه‌های دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی براساس شهریه‌های پرداختی توسط دانشجویان تأمین می‌شود. به طور کلی شهریه‌های این مؤسسات بالا و برحسب دانشگاهها و رشته‌های تحصیلی متفاوت است. به طور متوسط شهریه مؤسسات خصوصی دو برابر شهریه دانشگاههای دولتی است. بنابراین دانشجویان مؤسسات خصوصی بار مالی سنگینی را باید تحمل کنند.

علاوه بر این، دولت ژاپن نیز کمکهای مالی مختلفی به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی می‌کند. کمک هزینه‌ها و وامها از جمله این موارد است که به هدف تأمین بخشی از مخارج مؤسسات آموزش عالی صورت می‌گیرد.

کمک هزینه‌ها در جهت کمک به امر پرداخت حقوق اعضای هیأت علمی، کارکنان و سایر هزینه‌های آموزشی و پژوهشی صورت می‌گیرد. کمکهای مذکور به کمکهای عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شوند. کمکهای عمومی دولت براساس تعداد کادر آموزشی و تعداد دانشجویان بوده و میزان آن براساس عوامل زیر تعیین می‌شود:



۱- نحوه مدیریت مؤسسه

۲- کیفیت امکانات آموزشی و پژوهشی

۳- نسبت شهریه دانشجویان به هزینه فعالیتهای آموزشی و پژوهشی

کمکهای اختصاصی نیز بیشتر برای فعالیتهای آموزشی، اجرایی و پژوهشی مورد نیاز جامعه، و تبادل اطلاعات و تحقیقات در سطح بین المللی پرداخت می شود.

در سال مالی ۱۹۹۵، دولت ژاپن مبلغ ۲۸۰ میلیون دلار به دانشگاههای خصوصی کمک کرد. علاوه بر این سازمان رشد و گسترش مؤسسات آموزش عالی خصوصی ژاپن وامهای بلند مدت و کم بهره ای را به منظور تأسیس و تکمیل مؤسسات آموزش عالی خصوصی و فراهم آوردن امکانات مالی مورد نیاز برای خرید امکانات آموزشی و کمک آموزشی در اختیار آنها قرار می دهد. هدف از این کمکها، افزایش امکانات آموزشی و پژوهشی و مشارکت در رشد و گسترش مؤسسات آموزش عالی خصوصی است.

سرمایه این سازمان در سال ۱۹۹۰، به میزان ۹۰ میلیون ین افزایش یافت. این افزایش سرمایه به دلیل پاسخگویی به تقاضای سرمایه از سوی مؤسسات آموزش عالی خصوصی انجام پذیرفت. دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی ژاپن به خاطر نقش آموزشی و اجتماعی خود، علی رغم سودآوری زیاد، از پرداخت مالیاتهای ملی مثل مالیات بر شرکتها، درآمد، املاک و مالیاتهای کشوری نظیر مالیاتهای اقتصادی، سود بازرگانی، شهروندان و دارایی ثابت معاف هستند.

در برخی از برنامه های دیگر نیز مالیات بر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی از

مالیات بر سایر شرکتها بسیار پایین تر می باشد [۱۱].

## ۶- کیفیت آموزشی

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ژاپن دارای کیفیت بالایی هستند. دولت و وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن طی سالهای اخیر اقداماتی برای افزایش کیفیت آموزشی و پژوهشی مؤسسات آموزش عالی این کشور انجام داده‌اند که برخی از آنها را چنین می‌توان برشمرد:

۱-۶- استخدام معلمین خارجی - دولت ژاپن در سال ۱۹۸۷ به منظور کمک به آموزش بهتر و آسانتر زبان انگلیسی در دبیرستانهای این کشور شروع به اجرای برنامه مبادلات آموزشی و فرهنگی با کشورهای دیگر نمود. در اجرای این امر، تعداد زیادی از معلمین و اساتید خارجی را برای تدریس در مؤسسات این کشور به صورت تمام وقت یا پاره وقت استخدام نمود. در ژانویه ۱۹۸۸، تعداد ۸۳۹ خارجی در مؤسسات مذکور به صورت تمام وقت یا پاره وقت مشغول به تدریس بوده‌اند که بیشتر آنها زبانهای خارجی تدریس می‌کردند.

علاوه بر اینها وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن هر سال تعدادی از هیأتها و افراد خارجی که اقدامات عمده‌ای در زمینه‌های آموزشی، علمی و فرهنگی انجام داده‌اند، به منظور تقویت بنیه فرهنگی ژاپن دعوت به دیدار از این کشور می‌نماید.

جدول شماره ۴- تعداد معلمین و اساتید خارجی که به ژاپن دعوت شده‌اند (سال ۱۹۸۸)

ردیف	کشور	معلمین و اساتید خارجی	تعداد هیأتها و افرادی که در اجرای برنامه مبادلات فرهنگی به ژاپن دعوت شده‌اند
۱	آمریکا	۸۳۷	۳۹
۲	انگلستان	۲۵۰	۱
۳	استرالیا	۱۲۸	۱۳
۴	زلاندنو	۳۳	۱
۵	کانادا	۱۱۶	۶
۶	ایرلند	۲۰	-
مجموع		۱۳۸۴	۶۰

## ۲-۶- اعزام دانشجویان ژاپنی به خارج

از آنجا که ژاپن یک کشور پیشرفته صنعتی است، تلاش می‌کند تا دانشجویان خود را برای ادامه تحصیلات به کشورهای پیشرفته اعزام نماید. به طوری که حدود ۵۳/۸ درصد از داوطلبان تحصیلات عالی به آمریکای شمالی و ۲۳/۸ درصد به کشورهای اروپای غربی می‌روند. در سال ۱۹۸۷، تعداد ۵۷/۴۸۴ نفر برای تحصیل یا فراگرفتن آموزشهای فنی در دانشگاهها یا انستیتوهای آموزش عالی، به خارج از این کشور اعزام شدند. اغلب افراد مذکور بدون استفاده از بورسهای دولتی اقدام به این کار کردند. در جدول ذیل تعداد داوطلبان ژاپنی که برای ادامه تحصیلات به خارج از این کشور اعزام شده اند، نشان داده شده است:

جدول ۵- تعداد دانشجویان ژاپنی که برای ادامه تحصیلات به خارج از کشور اعزام شده اند

ردیف	مناطق	تعداد دانشجویان	درصد نسبت به کل مناطق
۱	آسیا	۱۰۰۳۹	۱۷/۵
۲	خاور نزدیک و میانه	۷۷	۰/۱
۳	آفریقا	۲۱۲	۰/۴
۴	اقیانوسیه	۲۲۶۷	۳/۹
۵	آمریکای شمالی	۳۰۹۰۸	۵۳/۸
۶	آمریکای لاتین	۲۹۷	۰/۵
۷	اروپا	۱۳۶۸۴	۲۳/۸
	مجموع	۵۷۴۸۴	۱۰۰

### ۳-۶- دانشجویان خارجی در ژاپن

با گسترش نقش ژاپن در صحنه بین‌المللی و توجه روزافزون مردم دنیا به تحولات شگرف دهه‌های اخیر این کشور، تعداد دانشجویان داوطلب تحصیل در ژاپن افزایش یافته است. دولت ژاپن جهت مواجهه با این امر و نیز بهره‌برداری مناسب از امکانات احتمالی، در سال ۱۹۸۳ یعنی زمان نخست‌وزیری یاسوهیروناکاسونه مبادرت به تأسیس شورایی (Council for Foreign Student policy Toward The 21 Century) نمود و از وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ و سایر ارگانهای ذیربط خواست تا تسهیلاتی جهت افزایش تعداد دانشجویان خارجی در ژاپن به عمل آورند. هدف دولتمردان ژاپن از اقدام مذکور این بود تا این دانشجویان بتوانند به عنوان پلی بین ژاپن و کشورهایشان عمل نمایند و بدین ترتیب زمینه ارتباطات بین‌المللی این کشور گسترش یابد.

اساساً وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن از جذب دانشجویان خارجی ۲ هدف اساسی را دنبال می‌کند:

۱- دانشجویان خارجی دارای دیدگاههای جدیدی هستند و از منظر متفاوتی نظام دانشگاهی ژاپن را می‌نگرند و در نتیجه باعث تعامل و تضارب افکار و اندیشه‌ها می‌شوند.

۲- دانشجویان خارجی باعث گسترش ارتباطات و تبادل اطلاعات با کشورهای دیگر می‌شوند و در نتیجه شرایط مساعدی را برای بین‌المللی کردن نظام آموزش عالی ژاپن فراهم می‌سازند.

در ماه مه ۱۹۸۶، حدود ۲۰/۰۰۰ دانشجوی خارجی در ژاپن مشغول تحصیل بوده‌اند که این رقم نسبت به دانشجویان خارجی دیگر کشورهای پیشرفته بسیار کم است. از این رو، دولت ژاپن در صدد است که این رقم را تا سال ۲۰۰۰ به حدود ۱۰۰/۰۰۰ نفر افزایش دهد.

دانشجویان خارجی ممکن است برای ورود به دانشگاههای ژاپن برطبق همان رویه دانشجویان ژاپنی عمل نمایند. در آنجا دو روش برای تحصیل دانشجویان خارجی در دانشگاهها وجود دارد: ابتدا دانشجویانی که با استفاده از بورسهای دولت ژاپن به تحصیل اشتغال دارند و خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: دانشجویان محقق و دانشجویانی که هنوز فارغ‌التحصیل نشده‌اند. دانشجویان محقق می‌توانند به مدت ۱/۵ الی ۲ سال از بورسیه دولتی استفاده کنند که مدت زمان فراگیری زبان ژاپنی نیز بدین دوره افزوده می‌شود. دانشجویان شاغل به تحصیل ممکن است مدت ۵ سال از بورسیه دولتی استفاده نمایند که این مدت برای دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی ۷ سال است.

انتخاب دانشجویان بورسیه، در مرحله اول از سوی سفارتخانه‌های ژاپن در کشورهای خارج، از طریق بررسی مدارک، امتحانات کتبی و مصاحبه صورت می‌گیرد. مرحله دوم انتخاب این گونه دانشجویان را نیز وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ انجام می‌دهد. این وزارتخانه ضمن مذاکره با دانشگاه ذیربط، دانشجویان را انتخاب می‌کند.

دانشجویان شاغل به تحصیل باید با انتخاب یک زبان اصلی برای ادامه تحصیل خود یک دوره یک ساله فراگیری زبان را بگذرانند و پس از آن باید در امتحانات ورودی دانشگاه شرکت نمایند. دومین گروه دانشجویان خارجی افرادی می‌باشند که با هزینه شخصی خود به تحصیل مشغولند. آنها باید قبلاً اجازه ورود به کشور ژاپن را از دانشگاه مورد نظر کسب نمایند. ملاک ورود انتخاب این گونه داوطلبان در هر دانشگاه با دانشگاه دیگر تفاوت دارد. انتخاب آنها معمولاً با توجه به مدارک و آزمونهای کتبی صورت می‌گیرد.

این قبیل دانشجویان در ابتدا می‌باید امتحان "تست عمومی" (General Examination for Foreign Students) را که برای این دسته از داوطلبان ترتیب داده شده است، بگذرانند. پذیرش آنها از طریق دانشگاههای ژاپن براساس نتایج به دست آمده در این امتحان و نیز امتحان زبان ژاپنی صورت می‌گیرد.

مواد درسی امتحان تست عمومی عبارتند از :

۱- ریاضی ، تاریخ جهان، زبان انگلیسی یا فرانسه برای داوطلبان تحصیل در رشته‌های علوم انسانی ، علوم تربیتی و علوم اجتماعی

۲- ریاضی ، فیزیک ، شیمی ، بیولوژی ، زبان انگلیسی و یا فرانسه برای داوطلبان تحصیل در رشته‌های کشاورزی ، مهندسی ، اقتصاد و پزشکی

در همین رابطه تعدادی از دانشگاههای ژاپن جهت پذیرش دانشجویان خارجی دوامتحان دیگر نیز از آنان به عمل می‌آورند که این امتحانات عبارتند از :

۱- امتحان تخصصی رشته در خواستی به زبان ژاپنی (The Joint First Stage Achievement Test)

۲- مصاحبه شفاهی در دانشگاه مورد نظر (Second Examination by the University)

شورای آموزش بین المللی، سالانه یک کتاب راهنما برای کسانی که مایل به تحصیل در ژاپن با هزینه شخصی می‌باشند ، منتشر می‌کند.

### ۱-۳-۶- شرایط پذیرش دانشجویان خارجی

قوانین پذیرش دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های مختلف ژاپن متفاوت می‌باشد و عموماً این قوانین را می‌توان به سه دسته ذیل تقسیم نمود:

۱- دانشگاه‌هایی که مقررات امتحانات ورودی و همچنین مدارک مورد نیاز برای پذیرش دانشجویان خارجی و ژاپنی در آنها یکسان است .

۲- دانشگاه‌هایی که امتحانات ورودی اختصاصی برای دانشجویان خارجی برگزار می‌نمایند.

۳- دانشگاه‌هایی که در آنها بخش اختصاصی بین‌المللی مخصوص دانشجویان خارجی تشکیل گردیده که آنها پس از انجام مراحل پذیرش شروع به تحصیل می‌نمایند.

نظر به اینکه یکی از شرایط پذیرش دانشجویان خارجی تقریباً در کلیه دانشگاه‌های ملی، ایالتی و تعداد زیادی از دانشگاه‌های خصوصی در ژاپن، دانستن زبان ژاپنی می‌باشد، لذا دانشجویان خارجی علاقه‌مند به ادامه تحصیل در یکی از دانشگاه‌های ژاپن، باید در امتحان زبان ژاپنی که توسط بنیاد فرهنگی ژاپن در سطوح مختلف به عمل می‌آید، شرکت نمایند که نتایج حاصله به دانشگاهی که دانشجوی خارجی در آن مایل به تحصیل می‌باشد، فرستاده خواهد شد .  
سطوح مختلف امتحان زبان ژاپنی در جدول ذیل نشان داده شده است:

جدول شماره ۶- سطوح مختلف امتحان زبان ژاپنی

طبقه‌بندی			سطوح	سطوح ردیف
تعداد حروف کانجی	حجم لغات	تعداد ساعات درسی		
۱۰۰	۸۰۰	۱۵۰	ابتدایی (الف)	۱
۳۰۰	۱۵۰۰	۳۰۰	ابتدایی (ب)	۲
۱۰۰۰	۶۰۰۰	۶۰۰	متوسط	۳
۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	۹۰۰	عالی	۴

عمده‌ترین مؤسسات فرهنگی ژاپنی که بورسهای کوتاه مدت و دراز مدت در اختیار اساتید و دانشجویان مجرب خارجی قرار می‌دهند، عبارتند از :

## ۱- مؤسسه توسعه علوم ژاپن

این مؤسسه ۳ نوع بورس تحقیقاتی به محققین خارجی بشرح ذیل اختصاص می‌دهد:

۱- دوره‌های تحقیقاتی کوتاه مدت که بدینوسیله دانشمندان و محققین مجرب و ارشد جهت بحث، مذاکره، ایراد سخنرانی و شرکت در سمینارها از کشورهای خارجی دعوت می‌گردند.

۲- دوره‌های تحقیقاتی دراز مدت (برای محققین ارشد و مجرب) که عموماً برای همکاری در برنامه‌های تحقیقاتی ژاپن از طرف دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی دعوت می‌گردند.

۳- دوره‌های تحقیقاتی دراز مدت (ویژه محققین مبتدی و جوان) که برای همکاری و همیاری در طرح‌های تحقیقاتی ژاپن از طرف دانشگاهها دعوت به عمل می‌آید.

جدول شماره ۷ - دوره، شرایط و مدت زمان اعطای بورسهای تحقیقاتی مؤسسه توسعه علوم ژاپن

مدت زمان اعطای بورس	شرایط	دوره تحقیقاتی	ردیف
۱۴ الی ۱۲۲ روز	الف: استاد با تجربه دانشگاه ب: دانشمند و محقق با تجربه	کوتاه مدت	۱
۶ الی ۱۰ ماه	الف: استاد با تجربه دانشگاه ب: استادیار دانشگاه	بلند مدت (برای محققین مجرب)	۲
۶ الی ۱۲ ماه	الف: محققین دوره دکتری ب: داشتن حداقل ۳۵ سال سن	بلند مدت (برای محققین مبتدی)	۳

## ۲- بنیاد فرهنگی ژاپن

این بنیاد نیز هر ساله بورسهای کوتاه مدت و دراز مدت به کلیه کشورهای که با دولت ژاپن روابط دیپلماتیک دارند، اعطای نماید. این بورسها بیشتر به دانشجویان دوره دکتری (رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی)، اساتید مجرب، نویسندگان و خارجیانی که مطالعاتی در زمینه ژاپن شناسی دارند و مایلند که به مطالعات خود در سطوح تخصصی ادامه دهند، تعلق می‌گیرد. دوره‌های کوتاه مدت بین ۲ تا ۴ ماه و دوره‌های دراز مدت بین ۴ تا ۱۰ ماه می‌باشد. کلیه هزینه‌ها از جمله هزینه اقامت و تهیه بلیط رفت و برگشت توسط بنیاد فرهنگی ژاپن پرداخت می‌شود.

## ۳- بنیاد ماتسومه

بنیاد بین‌المللی ماتسومه همه ساله تعداد ۲۰ بورس به داوطلبان خارجی که دارای مدرک کارشناسی ارشد و یا دکتری در رشته‌های مهندسی، فیزیک، شیمی و علوم طبیعی باشند، اعطا می‌نماید. بورسهای کوتاه مدت ۳ تا ۶ ماه و بورسهای بلند مدت ۷ تا ۱۲ ماه می‌باشد. در این مدت کلیه هزینه‌های دانشجوی به عهده بنیاد مذکور می‌باشد.

## ۴- هیتاچی

بورسهای هیتاچی تنها به دانشجویان آسیایی که در یکی از دانشگاههای کشورهای آسیایی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته‌های علوم طبیعی و مهندسی شده باشند، تعلق می‌گیرد. آنها می‌توانند با استفاده از این بورس به تحصیلات خود در دوره‌های کارشناسی ارشد و یا دکتری در دانشگاههای ژاپن ادامه دهند.

بورسهای هیتاچی سالیانه تنها به ۶ تا ۱۰ نفر تعلق می‌گیرد و مراحل پذیرش آن بدین ترتیب است:

۱- هیأت مدیره بنیاد مستقیماً با دانشگاههای آسیایی تماس می‌گیرد و درخواست معرفی داوطلب می‌نماید.

۲- سپس پرسشنامه تکمیل شده، مدرک تحصیلی، گواهی تندرستی و سلامتی و توصیه نامه از سوی استاد راهنما از طریق دانشگاه به بنیاد هیتاچی ارسال می‌شود.



۳- کمیته بررسی و انتخاب دانشجویان با مصاحبه و امتحان دانشجویان متقاضی استفاده از بورسهای تحصیلی را انتخاب می‌نماید [۸].

### ۲-۳-۶- تعداد دانشجویان خارجی در ژاپن

آمار موجود حاکی از آن است که در سال ۱۹۸۵، تعداد ۱۵۰۰۹ دانشجوی خارجی در دانشگاهها و سایر مؤسسات آموزش عالی ژاپن مشغول به تحصیل بوده‌اند. ارقام همین سال نشان می‌دهد که تعداد زیادی از دانشجویانی که از آسیا، خاور میانه و آمریکای مرکزی و جنوبی بوده‌اند، در رشته‌های علوم طبیعی و مهندسی درس می‌خوانده‌اند، در صورتی که دانشجویانی که از آمریکای شمالی و اقیانوسیه بوده‌اند، تمایل داشته‌اند که در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به تحصیل بپردازند. در سال ۱۹۸۷، این رقم به ۲۲/۱۵۴ دانشجو رسید. از مجموع این رقم تعداد ۳۴۵۸ نفر از بورسیه‌های دولت ژاپن که مخصوص دانشجویان خارجی است، استفاده کرده و ۹۹۵ نفر از آنان را نیز دولتهای خارجی به ژاپن فرستاده‌اند.

جدول شماره ۸ - تعداد دانشجویان خارجی شاغل به تحصیل در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ژاپن (اول مه ۱۹۸۵)

درصد از کل مناطق	مجموع	مدارس تربیتی	کالجهای فنی	کالج	دانشگاه		سطح مناطق
					فارغ التحصیل	دانشجو	
۱/۳	۲۰۴	۲۱	-	-	۳۲	۱۵۱	آفریقا
۵/۷	۸۵۸	۶	-	۱۰	۶۵۶	۱۸۶	آمریکای شمالی
۳/۱	۴۶۸	۲۲	-	۱۲	۱۶۳	۲۷۱	آمریکای مرکزی و جنوبی
۸۴/۹	۱۲۷۳۶	۲۳۴۳	۹۶	۴۲۲	۵۵۲۴	۴۳۵۱	آسیا
۳/۱	۴۶۹	۹	-	۱۱	۱۷۹	۲۷۰	اروپا
۰/۹	۱۲۹	۵	-	۱	۳۲	۹۱	خاورمیانه
۱	۱۴۵	۱۸	-	-	۶۳	۶۴	اقیانوسیه
۱۰۰	۱۵۰۰۹	۲۴۲۴	۹۶	۴۵۶	۶۶۴۹	۵۳۸۴	مجموع

تعداد دانشجویان خارجی در ژاپن در سالهای بعد افزایش یافت. این افزایش در جدول ذیل داده شده است:

جدول شماره ۹- تعداد دانشجویان خارجی در ژاپن در مه ۱۹۸۷

ردیف	مناطق	تعداد دانشجویان	درصد نسبت به کل مناطق جهان
۱	آسیا	۱۹۵۶۹	۸۸/۴
۲	خاور نزدیک و میانه	۱۳۹	۰/۶
۳	آفریقا	۲۲۲	۱
۴	اقیانوسیه	۱۵۸	۰/۷
۵	آمریکای شمالی	۱۰۰۳	۴/۵
۶	آمریکای لاتین	۴۹۱	۲/۲
۷	اروپا	۵۷۲	۲/۶
مجموع		۲۲۱۵۴	۱۰۰

همان طور که ملاحظه می شود آمارهای رسمی دولت ژاپن حاکی از آن است که در سال ۱۹۸۷ تعداد ۲۲/۱۵۴ دانشجوی خارجی به طور رسمی در دانشگاهها، کالجها و مدارس عالی فنی مشغول به تحصیل بوده اند. همچنین در حال حاضر تعداد ۱۰/۰۰۰ دانشجوی خارجی که اکثراً آسیایی می باشند، در مدارس زبان ژاپنی و غیره مشغول به تحصیل بوده که نحوه برخورد با آنها در مقایسه با گروه قبلی یعنی دانشجویان رسمی مناسب نیست و در قبال برخی از آنها تبعیضاتی نیز اعمال می شود.

اکثر دانشجویان خارجی در رشته های اقتصاد، مهندسی و بازرگانی به تحصیل اشتغال دارند. ۴۴ درصد از این دانشجویان در دوره کارشناسی، ۳۶ درصد در دوره کارشناسی ارشد و دکتری و ۲۰ درصد باقیمانده در کالجهای دوساله فنی و حرفه ای، تحصیلات خود را می گذرانند. به طور کلی از هر ۱۰ دانشجوی خارجی، ۹ نفر آسیایی اند که ۲۶ درصد آنها از چین، ۲۴ درصد از تایوان و ۲۲ درصد از کره جنوبی برای ادامه تحصیل عازم ژاپن شده اند. دانشجویان تبعه مالزی، تایلند، اندونزی، هنگ کنگ

وفیلیپین نیز روی هم رفته ۱۴ درصد از کل دانشجویان رسمی خارجی را در این کشور تشکیل می‌دهند.

نظر به اینکه کشورهای واقع در شرق و جنوب آسیا در گذشته‌ای نه چندان دور مورد تجاوز و اشغال سربازان ژاپنی قرار گرفتند، مردم این کشورها علی‌رغم گذشت زمانی بیش از ۴۰ سال، هنوز هم تجاوزات و تعدیات ژاپن را در دوران اشغال کشورشان فراموش نکرده‌اند. لذا دولت این کشور می‌کوشد تا با ارائه آموزش‌های عالی به دانشجویان آسیایی خطاهای گذشته سیاستمداران خود را جبران و از طریق آنان پلی میان ژاپن و آن کشورها ایجاد نماید.

### ۳-۶- مشکلات دانشجویان خارجی

به طور کلی نیازهای دانشجویان خارجی در ژاپن را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- نیازهای مادی مانند: نیاز به مسکن مناسب، غذا و مایحتاج اساسی دیگر

۲- نیازهای شخصی یا عاطفی مانند: نیاز به دوستی و رفاقت

۳- نیازهای اجتماعی مانند: نیاز به تطابق و سازگاری با محیط و توسعه میزان مهارت در فراگیری

زبان ژاپنی

به علت گران بودن شهریه دانشگاهها، هزینه مسکن و غذا، دانشجویان خارجی در اکثر موارد مجبورند ساعات زیادی را در هفته به کار در حرفه‌های مختلف پردازند تا بدین وسیله موفق به کسب در آمد لازم جهت تأمین مایحتاج اساسی خود گردند. در ژاپن دانشجویان خارجی به طور قانونی اجازه دارند ۲۰ ساعت در هفته به کار اشتغال داشته‌باشند، لیکن بارها مشاهده گردیده که بعضی از آنان به علت نیازهای مادی مجبورند ساعات بیشتری را به کار پردازند. لذا تا اندازه‌ای تمرکز لازم جهت هدف اصلی خود یعنی تحصیل را از دست می‌دهند و این امر به کیفیت تحصیلی آنان لطمه وارد می‌سازد.

در یک نظر خواهی که از دانشجویان خارجی به عمل آمد، اغلب آنان اظهارات ذیل را بیان

داشته‌اند:

”به طور کلی قیمت اجناس و بخصوص اجاره مسکن فوق العاده بالا است.“

”شرایط سختی است .... ما مجبوریم ساعات زیادی کار کنیم.“

بروز نمی دهند.. خیلی مشکل است با آنها دوستی

بعضی از شرکتهای ژاپنی نیز تعدادی از اتاقهای واحدهای مسکونی کارگران خود را به دانشجویان خارجی اختصاص می دهند . وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ نیز از ماه ژوئن سال ۱۹۸۸ مبادرت به تأسیس دفاتر راهنمایی دانشجویان خارجی، در ۱۱ منطقه مختلف این کشور نموده تا بدین وسیله خدماتی از قبیل اطلاعات مربوط به کار، مسکن و غیره را به این دانشجویان ارائه دهد.

## ۷- ساختار نظام اداری

مدیریت نظام عمومی آموزش و پرورش ژاپن در ۳ سطح ملی، ایالتی و شهرداریها صورت می‌گیرد.

### ۷-۱- مدیریت ملی

مسئولیت مرکزی آموزش در ژاپن را وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ این کشور بر عهده دارد. این وزارتخانه بر طبق قانون وظیفه برنامه ریزی، هماهنگی و توسعه و آموزش در کلیه سطوح را عهده دار می‌باشد. همه نهادهای آموزشی را در انجام وظایفشان راهنمایی و ارشاد می‌نماید و کمکهای مالی لازم را در جهت بهبود کیفیت آموزشی در اختیارشان قرار می‌دهد.

علاوه بر وظایف مذکور، وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن رأساً تعدادی از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را اداره می‌نماید. تأسیس هر گونه دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی نیز باید با تصویب و موافقت این وزارتخانه انجام پذیرد.

وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن در ارتباطات خود با حکومتهای محلی، اعضای شورای آموزش و پرورش در ایالتها و شهرداریها را راهنمایی می‌نماید و کمکهای لازم را در اختیارشان قرار می‌دهد و از آنها متقابلاً می‌خواهد که به طور مرتب گزارشهایی را درباره فعالیتهای آموزشی حوزه تحت مراقبت خود به وزارتخانه ارسال نمایند. این وزارتخانه همچنین در صورت لزوم می‌تواند دستورهایی را جهت اصلاح سیاستهای آموزشی، تطابق سیاستها با مقررات و قوانین آموزشی و احکامی از این قبیل به مسئولین آموزشی محلی صادر نماید.

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی تحت نظارت مستقیم وزارتخانه فعالیت می‌نمایند. هزینه‌های این مؤسسات از طریق پرداخت شهریه از سوی دانشجویان و یا سرمایه‌های خصوصی تأمین می‌شود. دولت نیز حدود یک سوم هزینه‌های جاری آنها را به صورت بلاعوض پرداخت می‌کند.

## ۲-۷- مدیریت ایالتی

در ژاپن ۴۷ ایالت وجود دارد که هر کدام از این ایالتها دارای تعدادی شهرداری می‌باشند. در هر ایالت یک شورای آموزش و پرورش وجود دارد که مسئولیت امور آموزشی ایالت را برعهده دارد و کلیه امور مدیریت خدمات دولتی آموزش و پرورش را انجام می‌دهد.

شورای آموزش و پرورش ایالت مرکب از ۵ عضو می‌باشد که از طرف فرماندار و با موافقت انجمن ایالت تعیین می‌گردند.

مدت خدمت اعضای شورای آموزش و پرورش ایالت ۴ سال است. اعضای شورای آموزش و پرورش به نوبه خود شخصی را به عنوان رئیس آموزش و پرورش ایالت تعیین می‌نمایند که مسئولیت اجرای سیاستهایی را که از طرف اعضای شورا تعیین می‌گردد، بر عهده دارد. انتخاب رئیس اداره آموزش و پرورش هر ایالت باید با موافقت وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن صورت گیرد.

این شورا موظف است بلافاصله شورای عالی نظارت بر آموزش و پرورش ایالت را انتخاب نماید. شورای عالی نظارت، بر نظام اداری مدارس تحت نظر ایالت و مدارس خصوصی نظارت می‌کند. قسمت عمده هزینه‌های دانشگاههای ایالتی توسط وزارت آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ ژاپن و یا سرمایه‌های محلی تأمین می‌شود.

## ۳-۷- اختیارات فرمانداران

فرمانداران علاوه بر وظایف خود در شورای آموزش و پرورش ایالت، در زمینه امور آموزشی نیز دارای اختیاراتی به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱- اداره و مدیریت دانشگاهها و کالجهای وابسته به حکومت ایالتی
- ۲- هماهنگی در تهیه پیش نویس بودجه آموزشی ایالت و مدیریت مخارج بودجه تصویب شده و خرید و فروش املاک آموزشی حکومت ایالتی. بودجه ایالت باید همواره به تصویب اعضای انجمن آن ایالت برسد.

## ۴-۷- مدیریت شهرداریها

شهرداریهای ژاپن نیز همانند ایالات دارای یک شورای آموزشی می‌باشند که به عنوان نماینده دولت، خدمات مربوط به آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ را به ساکنان حوزه تحت نظارت خود ارائه می‌دهند. شهردار با موافقت اعضای انجمن شهر، شورای آموزشی شهر را تعیین می‌کند که تعداد آنها براساس جمعیت روستا، شهر و شهرستان بین ۳ تا ۵ نفر می‌باشد.

این شورا نیز پس از تعیین، شورای عالی نظارت بر آموزش و پرورش را انتخاب می‌نماید که این شورا برنظام اداره امور در مدارس وابسته به شهرداریها نظارت دارد.

شهردار نیز به سهم خود اختیاراتی به شرح ذیل در زمینه امور آموزشی دارد:

- ۱- اداره و مدیریت دانشگاهها و کالجهای وابسته به شهرداری
- ۲- هماهنگ کردن پیشنهادات مربوط به لایحه بودجه برای بخشهای گوناگون و از جمله آموزش و پرورش، هزینه بودجه مصوب انجمن شهر و خرید و فروش املاک آموزشی تحت نظارت شهرداری

## ۸- وضعیت اشتغال دانش آموختگان دانشگاهها

در اکثر نقاط دنیا دانش آموختگان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و یا دانشجویان سال آخر از آن بیم دارند که نتوانند شغل مناسبی برای خود به دست آورند. اما این امر در مورد دانشجویان ژاپنی صدق نمی‌کند. زیرا دانش آموختگان ژاپنی نسبت به دانش آموختگان سایر کشورها از وضعیت استخدامی مطلوبتری برخوردارند.

در حال حاضر ۳۶ درصد از جوانانی که دوران تحصیلات متوسطه را به پایان رسانده‌اند، وارد دانشگاهها یا کالجها می‌شوند. ۱۲ درصد دیگر نیز تحصیلات خود را در مدارس عالی فنی ادامه می‌دهند. بنابراین تقریباً نیمی از این دسته از افراد برای ادامه تحصیلات وارد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی می‌شوند و عملاً تمام آنها تحصیلات خود را در این قبیل مؤسسات تا پایان دوره ادامه می‌دهند.

حدود نیمی از افراد دیگری نیز که دوره متوسطه را به پایان رسانده‌اند، وارد بازار کار می‌شوند. نیمی دیگر نیز پس از اتمام تحصیلات عالی بدین گروه می‌پیوندند. عملاً هر دو گروه از



طریق آموزشهای ضمن خدمت، تحت شرایطی شبیه نظام "استاد - شاگردی" آموزشها و مهارتهای شغلی خود را ادامه و افزایش می دهند.

به عبارت دیگر می توان گفت که فقط نیمی از آموزشهایی که ژاپنی ها قبل از رسیدن به دوران بزرگسالی دریافت می کنند، از طریق مدرسه ، کالج یا دانشگاه انجام می گیرد. نیم دیگر آموزشهای آنها نیز از طریق آموزشهای ضمن خدمت در شرکتها یا سازمانهای دولتی و خصوصی ذیربط صورت می گیرد.

در حال حاضر، حدود ۷۶ درصد از دانشجویان در دانشگاهها ویا مؤسسات آموزش عالی خصوصی، ۲۱ درصد در دانشگاههای ملی وایالتی و ۳ درصد نیز در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به شهرداریها درس می خوانند.

مؤسسات ژاپنی تمایل زیادی به استخدام افرادی که آموزش عالی را کنار می گذارند، دارند. کارفرمایان نفوذ زیادی بر نظام آموزشی دارند وهدف اصلی آنها این است که مدارس افراد جوان رقابت پذیر و باهوش و نه ضرورتاً بسیار متخصص تربیت کنند. رقابت شدید بین شرکتها و مؤسسات بزرگ ژاپنی برای تأمین کادر مورد نیاز خود باعث شده است که بسیاری از دانشجویان از سال دوم تحصیلی به بعد از سوی شرکت یا مؤسسه خاصی بورسیه شوند تا پس از اخذ مدرک متعهد به کار در آن شرکت یا مؤسسه ذیربط گردند.

هر سال حوالی مرداد ماه فعالیت شرکتها و کمپانیهای ژاپنی برای جذب بهترین و کارآمدترین افراد دانشگاهی شروع می شود. تعیین ماه مرداد به عنوان تاریخ شروع فعالیت جذب نیرو توسط شرکتها نتیجه یک پیمان اخلاقی بین شرکتهاست. ولی از آنجایی که رقابت بین آنها بسیار شدید است، اغلب شرکتها این تاریخ را رعایت نمی کنند و ماهها قبل از آن تاریخ با دانشجویان وارد مذاکره می شوند و در اولین گام سعی می کنند بابت قرار داد آنها را به نوعی به خود متعهد نمایند. چون در ژاپن پایه حقوقی با بزرگی و کوچکی شرکتها تفاوت می کند، طبیعی است که دانشجویان ممتاز از سوی شرکتهای بزرگ شکار شوند.

شرکتهای ژاپنی که از فعالیت رقبای خود در امان نیستند، برای این که مبادا "صیدشان" را از دست بدهند، از ترفندهای مختلفی استفاده می کنند. از جمله این ترفندها: فرستادن دانشجویان به تورهای تفریحی با هزینه شرکت، پرکردن اوقات فراغت آنها برای جلوگیری از برقراری تماس با سایر شرکتها و حتی در مواردی زندانی کردن محترمانه آنها در اتاقهای هتل محل اقامت آنان است.

اتحادیه فدراسیون کارمندان ژاپن در سال ۱۹۸۹ یک خط تلفنی برای کمک به این دسته از دانشجویان جهت بررسی شکایات آنان اختصاص داد. تا حدود ماه اگوست (مرداد ماه) ۱۹۸۹ بیش از

۳۹۰ دانشجوی ضمن تماس با این شماره تلفن از این که شرکتهای طرف قراردادشان آنها را در اتاق هتل زندانی نموده و یا به طرق دیگر آنها را مورد تهدید و ارباب قرار داده‌اند، شکایت کرده‌اند. برطبق آماري که مؤسسات ذيربط انتشار داده‌اند، شرکتهای ژاپنی در بهار ۱۹۹۰ نیاز به حدود ۷۰۰ هزار پرسنل جدید داشته‌اند. در حالیکه در فصل مذکور فقط ۳۲۰ هزار نفر از دانشجویان از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ژاپن فارغ التحصیل شده و وارد بازار کار می‌گشته‌اند. بنابراین براساس آمار مذکور برای هر فارغ التحصیل میانگین ۲/۱۸ شغل وجود داشته است. در سال ۱۹۸۹ از مجموع ۳۷۶۶۸۸ دانش آموخته دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ژاپن ۳۰۹/۰۱۹ نفر (۷۹/۶ درصد) وارد بازار کار شدند و تنها ۵۷/۶۶۹ نفر (۵۶/۷ درصد) به تحصیلات خود ادامه دادند.

تمایل دانشجویان ژاپنی بیشتر به کار در شرکتهای خدماتی، بیمه، بانکها و وسایل ارتباط جمعی است و این موضوع کار شرکتهای تولیدی را بسیار مشکل می‌کند. اکثر دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی نیز جذب شرکتهای تجاری و خدماتی می‌شوند. شرکتهای تولیدی نیز بناچار برای جذب فارغ التحصیلان امتیازات زیادی، از قبیل در آمد بیشتر، تأمین مسکن و مزایای جانبی دیگر اعطا می‌کنند.

شرکتهای خارجی‌ای که در ژاپن مشغول به کار می‌باشند نیز در این مورد با مشکلاتی مواجهند. زیرا ژاپنی‌ها رغبت چندانی به کار در این شرکتهای خود نشان نمی‌دهند. دلایل آن نیز مشخص است: احتمال توقف کار این شرکتهای و در نتیجه اخراج آنها بسیار زیاد است. همچنین استفاده از زبان انگلیسی و کار کردن در محیطی که فرهنگ حاکم بر آن با فرهنگ ژاپنی‌ها تفاوت زیادی دارد، چندان خوشایند آنها نیست. در مقابل، شرکتهای خارجی نیز برای مقابله با این امر ۱۰ درصد بیشتر از شرکتهای ژاپنی دستمزد می‌پردازند.

انتظار می‌رود که تعداد فارغ التحصیلان ژاپنی افزایش زیادی پیدا کند، ولی مسلماً تعداد و دامنه فعالیت‌های شرکتهای و مؤسسات نیز گسترش خواهد یافت. بنابراین به نظر می‌رسد که روند فعلی همچنان ادامه یابد.

## ۱-۸- موقعیت ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاه توکیو

کارمندان عالی‌رتبه ژاپن بدون استثنا از بهترین دانشگاه‌های این کشور فارغ‌التحصیل شده و با گذراندن مدارجی با دقت تمام به پست‌های از پیش تعیین شده ارتقا یافته‌اند. بدیهی است که دانشجویان دانشگاه توکیو در رأس ۲ میلیون دانشجوی دانشگاه‌های ژاپن قرار دارند. ورود بدین دانشگاه بسیار مشکل است. داوطلب باید ضمن گذراندن آزمون‌های درسی، قابلیت‌های ارزنده و قابل توجه خود را بروز دهد و از اراده و عزمی راسخ برخوردار باشد. در دانشگاه توکیو مستعدترین دانشجویان وارد دانشکده حقوق می‌شوند که در واقع، تعلیمات گسترده‌ای در زمینه اداره امور عمومی عرضه می‌کند. تأکید ثانوی بر علوم سیاسی است.

فارغ‌التحصیلان ممتاز این دانشکده در معتبرترین وزارتخانه‌ها (دارایی، صنایع و بازرگانی بین‌المللی و امور خارجه) و سازمانها (برنامه ریزی اقتصادی، محیط زیست و سازمان ملی زمین) مشغول به کار می‌شوند. البته، به شرط آنکه در امتحانات ورودی کتبی وزارتخانه قبول شوند و در مصاحبه‌ها نیز از خود وقار، تعادل، وسعت نظر و توان مسئولیت‌پذیری نشان دهند. از حدود ۲۰ دانشجوی برجسته‌ای که هر ساله وارد یک وزارتخانه مهم می‌شوند، شاید حدود ۱۵ نفر فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق دانشگاه توکیو باشند که البته این نشانه‌ای از بازتر شدن نظام در مقایسه با گذشته است که ارقام به ۱۸ یا ۱۹ نفر می‌رسید.

اکنون ۶۵ نفر از این افراد از میان دانشجویان ممتاز دیگر دانشگاه‌های ملی نظیر "هیئت‌سوباشی" (Hitotsubashi) و "کیوتو" یا دانشگاه‌های خصوصی نظیر "کیویو" و "اسدا" یا دانشکده اقتصاد دانشگاه توکیو برگزیده می‌شوند. این روش‌گزینش نه تنها استعداد و توانایی فوق‌العاده اداریان نخبه را تضمین می‌کند، بلکه احترامی برای ایشان فراهم می‌سازد که شاید تنها اداریان نخبه فرانسه از آن برخوردار باشند.

سطح حقوق نخبگان سیاسی آمریکا به طور معمول از اداریان ژاپنی که بیشترین میزان حقوق را در ژاپن دریافت می‌کنند، بالاتر است. اما نه آنان به هیچ وجه بدین صورت بر مبنای شایستگی انتخاب می‌شوند و نه از این تعلیمات حرفه‌ای برخوردارند و نه انضباط حرفه‌ای بر آنها تحمیل می‌شود. شاید نزدیکترین قیاس در آمریکا فارغ‌التحصیلان دانشکده حقوق باشند که به عنوان قضات دیوان عالی کشور برگزیده می‌شوند. اما در ژاپن این استعداد در داخل سازمان ذیربط پرورش می‌یابد و کار آموزی تا زمان بازنشستگی همچنان ادامه می‌یابد [۱۷].

## ۹- ویژگیهای نظام اداری

### ۹-۱- اشتغال مادام العمر

ورود به وزارتخانه‌ها کاری سخت و همراه با رقابت است و به طور کلی از طریق برگزاری آزمونهای عینی صورت می‌گیرد. اما اشخاص پس از ورود به مؤسسات تلاشهای خود را در راه تحقق اهداف مؤسسه مربوطه به کار می‌بندند.

دیوانسالاران ژاپنی از پایگاه و منزلت خاصی برخوردارند. کیفیت بالا و درستی کار دیوانسالاران، احترام همگانی مردم ژاپن به آنها و وضعیت نسبتاً مستقل و خود کفایی وزارتخانه‌ها، کارمندان دیوانسالار را قادر می‌سازد تا به نسبت از فشارهای سیاسی دور باشند و برای خیر و صلاح مملکت کار کنند. در نتیجه مدیریت ادارات ژاپنی از ثبات، مداومت و پایداری خدمت برخوردارند [۹].

در مورد ویژگیهای نظام اداری مؤسسات و شرکتهای بخش خصوصی نیز باید گفت که نظام آنها که بر پایه برتر شمردن منافع کارگران و کارمندان بر سود سهامداران استوار است، در دراز مدت می‌تواند نخست منافع کارگران، کارمندان و سهامداران شرکت را با هم نزدیک و ترکیب کند و آنان را در راهی که در پیش دارند، متحد سازد. سپس چگونگی فرا گرد تصمیم‌گیری را بهبود بخشد و از همه مهمتر نظارت واقعی امور شرکت را به مردمانی واگذارد که ضروری‌ترین و کمیاب‌ترین منابع را که به سختی آن را میزان همه‌ی دیگر عناصر می‌شمارند، فراهم می‌آورند.

این نظام باعث می‌شود تا شرکت بازرگانی یا صنعتی به پهنه گسترده‌ای از نظام ارزشی دست یابد و انگیزه‌های فردی را برای شرکت جستن در کوششهای سازمانی فزونی بخشد [۹].

شیوه اشتغال مادام العمر و سنت افزایش حقوق و مزایا و ارتقای پست بر پایه سابقه کار و ارشدیت، از جمله مزایای نظام اداری ژاپن است. بیشتر شرکتهای ژاپنی ترجیح می‌دهند که نیروهای انسانی خود را حتی زمانیکه تجارت دچار رکود و کساد است، اخراج نکنند. به علت طرز برخورد اشتغال مادام العمر مؤسسات و شرکتهای ژاپنی، وقوع جابه‌جایی شغلی در ژاپن بسیار پایین است. از اینرو نظام اشتغال پایدار مؤسسات را در آموزش و کار آموزی شاغلان خود یاری می‌دهد.

در اکثر ادارات و شرکتهای ژاپنی شرایط طوری فراهم شده‌است که کارمندان تا زمان بازنشستگی در آن مؤسسات به کار ادامه می‌دهند. این امر یک تعهد قانونی نیست، بلکه یک پیمان روان شناختی و اخلاقی است که میان کارمندان و کارفرمایان بسته شده است.

به عبارت دیگر شرایط طوری فراهم شده است که وقتی فردی به استخدام یک مؤسسه در می‌آید، در حقیقت او در آن مؤسسه دوباره متولد می‌شود. به نامبرده احترام گذاشته می‌شود و حقوق و مزایای وی با گذشت سنوات خدمت، افزایش می‌یابد. برخی تدابیر نظیر دادن خانه‌های سازمانی، امتیازهای بهداشتی و پزشکی، کمکهای مالی در زمان ازدواج، تولد یا مرگ و پاداشهای وسط و آخر سال در این رابطه قابل ذکر است.

نظام ارشدیت و استخدام برای همه عمر یک پدیده ناشی از آزموده‌های سنتی ژاپن نیست، بلکه برعکس نتیجه ترکیبی از اوضاع بازار کار، تصمیم‌های مدیریت و فشارهای اتحادیه‌های کارگری است [۹].

## ۲-۹- احساس تعلق به سازمان

در نظام اداری ژاپن عضویت و کارکردن در سازمانها و شرکتهای بزرگ برای کارکنان این کشور لذت بخش است، به طوری که احساس تعلق و دلبستگی به مؤسسات مربوطه از جمله خصوصیات درونی آنها شده است.

در این نظام ارزشهای همکاری و همیاری گروهی برای دستیابی به توفیق همگانی از آغاز کار ریشه می‌گیرد و کارکنان خانه و محل کار خود را تقریباً یکسان می‌شمارند و میان آنها کمتر تمایز قایل می‌شوند.

براین اساس در ژاپن عضویت در گروه اهمیت زیادی دارد. در این نظام احساس تعلق و کار کردن در گروه نیرومند است. مردم ژاپن تمایل زیادی به گروهی زیستن و کارکردن دارند و کوششهای گروهی را بر کوششهای فردی برتر می‌شمرند و می‌کوشند تا جنبه‌های گوناگون زندگی را در قالب کوششهای گروهی پدیدار سازند. احساس "منافع ما" بر احساس "منافع من" پیشی می‌گیرد و گروه بر فرد برتری می‌یابد. از این رو سعی می‌کنند گروه ایجاد کنند و یا اگر گروه وجود داشته باشد به آن می‌پیوندند و آن را تقویت می‌نمایند و بر تحرک آن می‌افزایند.

برای یک فرد ژاپنی محل کار تنها به معنی یک سازمان که انسان بر حسب قرار داد استخدامی به آن پیوسته است، به شمار نمی‌رود، بلکه محل کار جایی است که انسان خود را به آن وابسته می‌داند و تجلی وجود خویش را به آن پیوند زده است. به همین دلیل نگرش افراد نسبت به گروه یا سازمانی که به آن پیوسته‌اند، اغلب از احساسی ژرف و درونی مایه می‌گیرد و سخت ذهنی و درونی است [۹] و فداکاری و از جان گذشتگی برای مقاصد گروهی زیاد است.

تقریباً همه کارمندان مؤسسات دولتی و خصوصی در ابتدا به یک گروه می‌پیوندند و سپس به یک شغل ویژه گماشته می‌شوند. شرکتهای ژاپنی در استخدام افراد به توانایی و ظرفیت کار آنها توجه دارند. منش، شخصیت، شور و شوق به کار، توانایی کار کردن با دیگران، نگرش مثبت به زندگی و داشتن شخصیتی دلپذیر در شمار خصوصیات هستند که شرکتهای آنها برتری می‌دهند.

در زمینه گروه‌گرایی موارد زیر قابل ذکر است:

۱- مدیران ژاپنی تلاشهای زیادی را برای ایجاد احساس تعلق به گروه و پیوستگی کارمندان به سازمانهای مربوط برای بهتر کارکردن به عمل می‌آورند. از جمله این اقدامات می‌توان تلاش برای ایجاد سرگرمیها و برنامه‌های مختلف گروهی نظیر ایجاد گروههای ورزشی و نظایر آن برای گذراندن اوقات فراغت را نام برد. علاوه بر اینها مدیران از فرصتها و مسایلی نظیر مرخصیهای سالانه، جشن تولد کارمندان، مراسم ورود و پایان خدمت در مؤسسات مربوطه و جشنهای پایان سال برای انسجام و بهم پیوستگی گروه استفاده می‌نمایند. ایجاد گروههای بازدید کننده کارشناسی و کاری ویژه نیز از جمله گروههای موقتی است که باعث تقویت روح همکاری و احساس تعلق به گروه و انسجام آنان می‌شود. بدین ترتیب که علاقه کارمندان به مذاکره درباره کارهای مؤسسات افزایش می‌یابد و آنها با تعلق خاطر بیشتری به امور مؤسسات مربوطه می‌پردازند.

پیوستگی کامل و ریشه دار فرد به جمع یکی از عناصر پویای بالندگی سازمانهای بزرگ ژاپن است. کثرت فوق العاده گروهها، جمعیتها، گروههای فرهنگی، حرفه‌ای، سیاسی و یا انجمنهای ملی که در سطوح و مراتب مختلف جامعه وجود دارد باعث شده است که ژاپن یکی از چند کشوری باشد که از روح فعالیت گروهی بیسابقه‌ای برخوردار باشد [۱۲].

۳-۹- پدیده ارشدیت - پدیده ارشدیت و سلسله مراتب ادارات نقش مهمی در سازمانها

و شرکتهای ژاپنی دارد. افراد بر پایه دستور آن در گروه جای خود را می‌یابند. تقریباً در همه موارد تازه واردان به گروه در پایین‌ترین مراتب گروهی قرار می‌گیرند و سپس با توجه به توانایی و شایستگی خود به تدریج به سوی مراتب بالا ارتقایی‌یابند. به عبارت دیگر هر وقت کارمندی به مقام مدیریت بخش می‌رسد، به طور کامل با آن بخش آشنایی دارد. زیرا در گذشته عهده‌دار انجام دادن کارهای مختلف آن بخش بوده است.

رعایت اصل ارشدیت در واقع نمونه‌ای از استقرار الگوی مدیریت حرفه‌ای ژاپن و یک ویژگی

فرهنگی این کشور است. این پدیده حتی با رشد و توسعه اقتصادی این کشور همگامی دارد.

۴-۹-آموزشهای ضمن خدمت - مدیران سازمانهای ژاپنی به خوبی با توسعه منابع انسانی آشنا هستند. زیرا می دانند که این امر مقدمه‌ای برای تغییر می‌باشد. کار فرمایان ژاپنی علاقه زیادی به فراگیری کارکنان وانطباق آنها با محیط کاردارند. در واقع تربیت افراد یک ویژگی دائمی زندگی صنعتی در ژاپن است. صنایع ژاپن در جستجوی افرادی است که بتوانند فکر کنند، بیاموزند و خود را با محیط کار انطباق دهند.

از اینرو سعی می‌نمایند کارکنان خود را در طول خدمت تحت آموزشهای مداوم قرار دهند تا تجارب کاری را با آموزشهای ضمن خدمت توأم نمایند و کارآیی کارکنان خود را بالا ببرند. آنها به خوبی از توانایی نیروی انسانی در ترکیب با سرمایه و تکنولوژی استفاده می‌کنند.

از اینرو کارکنان با آگاهی از این امر علاقه زیادی برای کار در مؤسسات مربوطه نشان می‌دهند. مدیران مربوطه سرمایه‌گذاریهای لازم را برای برگزاری دوره‌های آموزشی، کارآموزی‌های ضمن خدمت و روز آمد کردن سطح اطلاعات کارکنان انجام می‌دهند. بنگاههای تولیدی معمولاً سالیانه ۵ درصد درآمد خود را صرف آموزش کارکنان مربوطه می‌کنند. این گرایش نسبتاً زیاد برای آموزش کارکنان انعکاسی از علاقه شرکتهای ژاپنی به استخدام مادام‌العمر و نیز اشتیاق ملی برای کسب دانش و ارتقای مهارتهاست.

دوره‌های آموزشی ضمن خدمت اغلب توانایی و ظرفیت فردی را در خط نیازهای گروه قرار می‌دهند.

نکته قابل ذکر این است که شرکتهای ژاپنی منافع بلند مدت را بیشتر مد نظر دارند تا منافع کوتاه مدت، از اینرو سعی می‌نمایند که به کارکنان خود آموزشهایی در زمینه مهارتهای موردنیاز آینده بدهند.

۵-۹- تکنولوژی جدید- در تداوم راه توسعه ژاپن، توسعه منابع انسانی یک عامل راهگشا محسوب می‌شود که یک چشم انداز مهم آن منوط به اصلاح و بهبود علوم و تکنولوژی این کشور است. برای جامعه تجارت پیشگان دسترسی به تکنولوژی جدید و همینطور کار گرانی که برای به مطلوبیت رساندن این تکنولوژی آموزش کافی دیده‌اند، ضروری می‌باشد.

از اینرو شرکتهای ژاپنی در کارهای پژوهشی و توسعه سرمایه‌گذاریهای کلانی می‌کنند و شمار پژوهشگران ژاپنی با شمار آنان در آمریکا برابری دارد. علاوه بر اینها تکنولوژیهای جدید اروپایی و آمریکایی را گرفته و بومی کرده‌اند.

نکته قابل ذکر این است که ژاپنی‌ها در زمینه انهدام صنایعی که دیگر سودآور نبوده و با معیارهای معتبر ناسازگارند، لحظه‌ای به خود تردید راه نمی‌دهند. شاید بتوان گفت که بیرحمی ژاپنی‌ها نسبت به جلوگیری از فعالیتهای صنعتی بخشهای عقب مانده بیش از همه چیز موجب تسریع جنبش نوسازی صنایع این کشور شده است [۱۲].

پشتیبانی بی‌حد و حصر از صنایع جدید و صنایع صادراتی باعث ایجاد اشتغال تقریباً کامل در این کشور شده است. علی‌رغم این امر دولت ژاپن همچنان تلاش می‌نماید تا به استفاده از نوآوریهای تکنولوژی کشورهای دیگر ادامه دهد.

**۹-۶ - تمایل به پس انداز - تمایل خانواده‌های ژاپنی برای پس انداز بسیار زیاد است.** آنها با توجه به امنیت وثبات اقتصادی این کشور مازاد درآمدهای خود را پس انداز می‌کنند. این پس اندازها و سود متعلقه به آنها مردم را برای مقابله با مشکلات مالی آماده می‌سازد.

**۹-۷ - ارزیابی عرضه و تقاضای نیروی انسانی -** وزارت کار ژاپن فرآیند عرضه و تقاضای نیروی کار را ارزیابی می‌کند. این وزارتخانه به موجب قانون یک برنامه ۵ ساله به نام برنامه آموزش حرفه‌ای دارد که کارکنان مورد نیاز دوره‌برنامه را برآورد می‌کند. این برنامه همچنین آموزشهای مورد نیاز را پیش‌بینی می‌کند و معیارهایی برای انطباق عرضه نیروی کار با تقاضای بازار وضع می‌کند. این یک نظام پیوسته است و به پیش‌بینی شکافهای مهم در بازار کار ژاپن کمک می‌کند [۱].

## ۱۰- ویژگیهای جذب و نگهداری نیروی انسانی

با توجه به مطالب مطروحه ویژگیهای مهمی که باعث جذب، نگهداری و بهسازی نیروهای انسانی بویژه نیروی انسانی متخصص شده را چنین می‌توان برشمرد:

**۱۰-۱ - بالا بودن کیفیت نظام آموزشی -** بالا بودن کیفیت نظام آموزشی ژاپن باعث می‌شود که یک نیروی کار شایسته و علاقه‌مند به یادگیری مهارتهای بیشتر برای زندگی و کوشش گروهی در اختیار شرکتها و سازمانهای دولتی و خصوصی قرار گیرد. ژاپنی‌ها میان کار فکری و دستی تفاوتی را که در دیگر کشورهای جهان به چشم می‌خورد، نمی‌گذارند. دانش آموزان در آموزشگاهها می‌آموزند تا دست خود را با کاردستی آشناسازند و کاردستی را در شمار وظایف زندگی به شمار می‌آورند. دانش آموزان اوقات فراوانی را صرف کارهای گروهی می‌کنند و با مشارکت در کوششهای جمعی با ارزشهای اجتماعی، خصوصیات همتایان و حساسیتها و چشم داشتهای آنان آشنا می‌شوند



این آموزه‌های دوران آموزشگاهی آنان را برای زندگی در سازمانهای تازه آماده می‌سازد [۹]. این امر در دوره‌های دانشگاهی نیز ادامه می‌یابد.

۲-۱۰- ایجاد اشتغال - یکی از اصول کلی و اساسی کوششهای رفاهی در ژاپن آن است که هر فرد ژاپنی باید از امکانات اشتغال بهره‌مند باشد و آنان که به کار می‌پردازند و توان خود را برای سازمانی که به کار می‌بندند باید به گونه‌ای مناسب مورد حمایت و مراقبت قرار گیرند.

در این رابطه دولت ژاپن به عنوان راهنما و پیشگام نقش مهمی در گسترش و رونق کارهای اداری، اقتصادی و صنعتی ایفا کرده است. دولت و دستگاه دیوانسالاری ژاپن در ابتدا تلاش کرد تا راه را برای کوششهای بخش خصوصی در زمینه‌های گوناگون آماده سازد. آن گاه با پشتیبانی، راهنمایی و همیاری درست خویش بخش خصوصی را به پذیرش مسؤلیت و تکاپوی گسترده فراخواند.

در همین ارتباط دولت نقش هدایت و رهبری اولیه را در دست گرفت و با توجه به مخاطرات موجود، سرمایه‌گذاری در زمینه صنایع سنگین را برعهده گرفت. زیرا بخش خصوصی به راحتی حاضر نبود در این زمینه‌ها سرمایه‌گذاری نماید.

علاوه بر این دولت سیاست‌گذاری در دیگر زمینه‌های صنعتی را نیز خود در دست گرفت. توسل به تکنولوژیهای جدید جزئی از سیاست صنعتی دولت شد. دولت ژاپن از طریق نظام کنترل و نظارت، خود سهم ارزنده‌ای در ارتقای سطح کیفیت تکنولوژی این کشور ایفا کرد [۲].

دولت ژاپن همچنین برای ایجاد اشتغال، رشد و گسترش صنایع متوسط و کوچک رانیز مورد تشویق قرار داد. دولت با سیاستهای حمایتی خود به این قبیل مؤسسات کمک کرد تا در بازار رقابت خود را حفظ نمایند و فعالیتهای خود را گسترش دهند.

عوامل ضروری برای ایجاد این کار، انتقال تکنولوژی مناسب برای این صنایع و نیز تربیت نیروی انسانی متخصص در این زمینه بود که دولت ژاپن اقدامات مناسبی را در این زمینه انجام داد. بدین ترتیب دولت ژاپن با حمایت از این صنایع باعث ایجاد نوآوری تکنولوژیکی در آنها و نیز فراهم ساختن فرصتهای شغلی برای نیروهای متخصص و ماهر شد.

دولت ژاپن همچنین تلاش می‌کند تا تسهیلات و اعتبارات مالی بیشتری به مناطق نیازمند اختصاص دهد، تا این مناطق نیز همانند سایر مناطق توسعه یابند.

امکانات فراوان اشتغال در ژاپن باعث شده است تا مردم این کشور از روحیه‌ای نیرومند، احساس داشتن هدف و مقصود در زندگی، احساس احترام به خود و کوشش برای تحقق منافع گروهی و ملی برخوردار باشند.

### ۳-۱۰- هماهنگی بخش دولتی و خصوصی - درستی و شایستگی نظام دیوانی ژاپن چنان

نمایان و چشمگیر است که بازرگانان و صاحبان صنعت دنبال کردن دستورهای آن نظام را با سود خود همراه و برابر می‌دانند. میان دیوانسالاری دولتی با بخش خصوصی صنعت و بازرگانی هماهنگی، تفاهم و نزدیکی حرفه‌ای فراوان وجود دارد. آنان جملگی در راه توسعه و پیشرفت ژاپن و برابر ساختن و حتی پیش انداختن آن از دیگر کشورهای جهان می‌کوشند.

دولت و نظام دیوانسالاری ژاپن خود را از بازرگانی و صنعت ژاپن جدا نمی‌شمارد و صاحبان صنایع هم نهادهای دولتی را جز پشتیبان کار خود به شمار نمی‌آورند [۹]. زیرا دولت در اکثر موارد از یاری و راهنمایی بازرگانان خودداری نمی‌کند. دولت ژاپن همواره مشوق و تسهیل کننده امکانات تولیدی کشور بوده است و با انجام تحقیقات، ارشاد و ارائه انواع کمکها به بخش خصوصی سعی می‌کند عملکرد خود را از نظر کمی و کیفی به سطح بالاتری ارتقا دهد [۱۰]. زیرا می‌داند که توان جهش و نیروی آفرینندگی شرکتهای خصوصی به ثبات اقتصاد این کشور کمکهای فراوانی می‌تواند بکند.

بازرگانان در شوراهای مشورتی و رایزنی مشارکت دارند. این امر بعد از جنگ جهانی دوم در ژاپن شروع شده و اکنون یکی از اصول اساسی ساختار دولتی این کشور است. روابط این دو بخش همانند روابط دو همکار نزدیک است.

به طور کلی جامعه بازرگانی ژاپن بیشتر از آنکه یک گروه خصوصی تلقی شود، در شمار بنیادهای ملی به شمار رود. زیرا این بخش تلاشهای خود را صرف پیشبرد هدفهای ملی و منافع عمومی می‌نماید.

در بسیاری از کشورها تضادهای زیادی میان منافع بخش دولتی و خصوصی وجود دارد، اما در ژاپن به دلیل اینکه وظیفه کسب بالاترین سود و مطلوبیت اقتصادی از طریق تولید انبوه کالاها، خدمات و انباشت سرمایه‌های عظیم مالی به میزان زیادی بردوش بخش خصوصی قرار دارد، لذا دولت این را مغایر اهداف، روش و شأن خود نمی‌داند که با بخش خصوصی همکاری کرده و یکی از موفقترین الگوهای مرکانتیلیستی جهان را برپا نماید [۱۰].

اساساً دولت، تولیدکنندگان و بازرگانان ژاپنی، اهداف مشترکی نظیر تأمین سلامت و استحکام اقتصادی و حفاظت از منافع و مصالح ملی را پی‌گیری می‌نمایند.

در ژاپن میان دولت، بانکها و مؤسسات بزرگ خصوصی همکاری و هماهنگی بسیار نزدیکی وجود دارد، به طوری که برعکس کشورهای سوسیالیستی در ژاپن "نیروی محرکه" بخش خصوصی است.

بخش خصوصی تلاش زیادی برای رشد و توسعه سریع و ایجاد تکنولوژی جدید، به عمل می‌آورد. گستره حیطه فعالیتهای بخش خصوصی ژاپن محدود به داخل این کشور نیست و در کشورهای خارجی نیز فعالیت می‌نماید.

**۴-۱۰- حمایت‌های مالی** - بانکها، مؤسسات بزرگ را به سرمایه‌گذاری به منظور توسعه سریع تشویق می‌کنند، تا رشد اقتصادی این کشور افزایش یابد. بانکهای ژاپنی مقدار زیادی وام به مؤسسات و شرکتهای خصوصی این کشور می‌دهند، به طوری که نسبت وام به سرمایه در مؤسسات بزرگ ژاپنی قابل توجه است و گاهی اوقات به ۸۰ درصد می‌رسد که نسبت فوق‌العاده زیادی است [۱۲].

همچنین هرگاه یکی از مؤسسات بزرگ ژاپنی نیاز به کمک مالی داشته باشد، بانکهای این کشور سریعاً به کمک آن می‌شتابند. بدین ترتیب مؤسسات بزرگ می‌توانند با استفاده از اعتبارات بانکی، ذخیره‌های قابل ملاحظه‌ای به دست آورند بی‌آنکه از آهنگ توسعه خود بکاهند. به عبارت دیگر سرمایه مؤسسات ژاپنی به قیمتی بسیار ارزانتر از سرمایه مؤسسات کشورهای دیگر است و این امر موجب سهولت رشد و توسعه اقتصادی این کشور شده است.

از اینرو شرکتهای ژاپنی برای نوسازی و گسترش دامنه فعالیتهای خود می‌توانند علاوه بر گرفتن وام از بانکها، به پشتیبانی وزارتخانه‌های دولتی و جامعه نیز امیدوار باشند. زیرا دولت و مردم علاقه زیادی به تسریع رشد اقتصادی و موفقیت مؤسسات و شرکتهای ژاپنی در عرصه رقابت و تسخیر بازارهای جهانی دارند.

**۵-۱۰- تجانس جمعیت** - یک دستی و تجانس جمعیت ژاپن از جمله امتیازهای این کشور در زمینه آموزش است.

بعد دیگر تغییرات نیروی کار ژاپن، کاهش سریع نرخ زاد و ولد و ترکیب در حال تغییر جمعیت این کشور است و با کاهش آن سن کلی نیروی کار بعد از ۱۹۹۵ بالا خواهد رفت. همچنانکه عرضه نیروی کار روبه کاهش می‌گذارد، اهمیت تربیت شغلی نیز افزایش می‌یابد. برنامه‌هایی که از پیش برای این اصلاحات اندیشیده شده‌اند، عموماً بر تکنولوژی جدید متمرکز می‌باشند. ترکیب آموزش حین کار و آموزش و پرورش عمومی، مجراهای آموزش عملی مهمی هستند که باید در آینده تقویت شوند.

استراتژی ژاپن برای توسعه منابع انسانی، اقتصاد مبتنی بر بازار است. رشد بازار و شرکتهای

رهنمودهای اولیه برای بخش خصوصی

در درون دولت، هماهنگی افکار عمومی، تثبیت فرآیند تصمیم‌گیری و ارزیابی دستاوردهای توسعه منابع انسانی انجام می‌گیرد.

۶-۱۰- استخدام کارشناسان خارجی - در مورد استخدام کارشناسان خارجی، سیاست ژاپنی‌ها این بوده که از آنها برای مدت کوتاهی استفاده کنند. یعنی به هیچ عنوان به کارشناسان خارجی اجازه نمی‌دادند که در ژاپن برای مدت طولانی مستقر شوند و آنها را حداکثر برای مدت یکسال نگاه می‌داشتند. از نظر ژاپنی‌ها این کار به دلایل زیر صورت می‌گرفت:

- ۱- کارشناس دائمی خارجی جای یک ژاپنی را به طور دائم اشغال می‌کند.
- ۲- کارشناسان خارجی کم‌کم از وظایف اصلی خود منحرف می‌گردند و به دیگر فعالیتها می‌پردازند.
- ۳- شخص کارآموز به دلیل اینکه همیشه یک معلم دارد از پی‌گیری و یادگیری در یک محدوده زمانی مشخص طفره می‌رود [۶].

## ۱۱- منابع مالی

ژاپنی‌ها اجازه نداده‌اند که رکود جهانی، آموزش ملی و تلاشهای صنعتی کردن این کشور را از اهداف خود منحرف سازد. مخارج آموزش و پرورش دولت حتی در دوران رکود هم حفظ شده است و مخارج صنایع خصوصی برای آموزش نیروی کار نیز افزایش یافته است. از اینرو است که نظام آموزشی یک عامل کلیدی در احیا و توسعه اقتصاد ژاپن بوده است و خود را با نیازمندیها و توسعه مهارتها انطباق داده است.

هزینه دانشگاههای دولتی، چه در سطح ملی و چه در سطح محلی از بودجه دولت و مقامات محلی و هزینه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی از طریق شهریه دانشجویان و سرمایه‌های خصوصی تأمین می‌شود.

دولت ژاپن به مؤسسات آموزش عالی خصوصی معادل یک سوم مخارج جاری آنها کمک مالی می‌کند [۴].

## ۱۲- برنامه‌های توسعه و سیاستهای اشتغال زایی

هماهنگی نظام آموزشی با نیازهای اقتصادی و اجتماعی یکی از مهمترین سیاستهای دولت ژاپن برای رشد و توسعه این کشور بوده است. به عبارت دیگر توسعه اقتصادی و اجتماعی را می‌توان مرهون پیشرفت و تعمیم نظامی آموزشی دانست.

مقامات ژاپن در این رابطه دریافته‌اند که برای توسعه و پیشرفت باید بیش از پیش بر توان آموزشی و علمی خود بیفزایند و برای توسعه در همه زمینه‌ها، نیروی انسانی لازم را تربیت نمایند و طبیعی بود که این برنامه‌ها از طریق نظام آموزشی صورت بگیرد. از اینرو مقامات مربوطه بویژه بعد از جنگ جهانی دوم مبادرت به اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی به منظور بهبودی اوضاع جامعه و افزایش رشد و توسعه اقتصادی این کشور نمودند.

در واقع برنامه‌ریزی اساس کلیه فعالیتهای اقتصادی و اجرایی دولت و مؤسسات دولتی و خصوصی ژاپن را تشکیل می‌دهد. اکثر وزارتخانه‌ها و مؤسسات ژاپنی دارای واحدهای برنامه‌ریزی می‌باشند و در مورد مسایل مربوطه تصمیم‌گیری می‌نمایند. با توجه به این امر است که دولت ژاپن از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون ۱۱ برنامه توسعه اقتصادی برای رشد، توسعه این کشور اجرا کرده است.

برنامه دو برابر کردن درآمد ملی (۷۰-۱۹۶۱)، یکی از موفق‌ترین و پربهرترین برنامه‌های اقتصادی ژاپن در دوران رشد سریع این کشور است. ژاپن از اوایل دهه ۱۹۶۰، اقتصاد خود را بر اساس صنایع دودزا و با تولید انبوه صنایع سنگین نظیر فولاد، خودرو و کشتی سازی بنا گذاشت. هدف این برنامه که در سالهای بعد نیز دنبال شد، گسترش صادرات و افزایش درآمد مردم بود. این برنامه روی تربیت نیروی انسانی تأکید کرد. در واقع این اولین برنامه توسعه اقتصادی ژاپن بود که ارتقای توان و مهارت نیروی انسانی متخصص را یک شرط اساسی برای توسعه اقتصادی این کشور دانست. از این رو بودجه زیادی را به امور آموزشی و پژوهشی اختصاص داد.

این برنامه حمایت عمومی را برای تلاش در جهت کسب رشد سریع به دست آورد و از این رو برنامه موفق بود.

در ابتدای تدوین برنامه‌های توسعه، کمبود نیروی کار زیادی در رشته‌های فنی و مهندسی وجود داشت و با اجرای برنامه‌های توسعه، این کمبودها نمود بیشتری پیدا کردند. مقامات مربوطه دریافته‌اند

که باید به علوم و تکنولوژی به عنوان قوای محرکه شکوفایی اقتصاد این کشور بهای زیادی بدهند. از این رو ضرورت گسترش آموزشهای فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی نمایان گشت.

در این رابطه مقامات دولتی ژاپن در ابتدای قرن ۲۰، تلاشهای خود را برای ارتباط با غرب و اقتباس هوشمندانه دانشهای فنی و صنعتی و همگون ساختن آنها با شرایط اقتصادی و اجتماعی این کشور آغاز کردند. آنها به خوبی متوجه شدند که با توجه به فقر منابع طبیعی باید راه صنعتی کردن این کشور را در پیش بگیرند. دولتمردان ژاپنی طی سالهای اول برنامه توسعه سعی کردند به جوانان در آستانه ورود به بازار کار آموزشهای فنی و حرفه‌ای ارائه دهند.

ژاپن در دهه ۱۹۷۰، یعنی مرحله دوم به سمت تولید کالاهای مصرفی پیچیده‌تر مثل کامپیوترهای جیبی، تلویزیون رنگی و وسایل صوتی حرکت کرد.

ژاپن در مرحله سوم به سوی تولید صنایع الکترونیکی پیش رفت. اکنون صنایع الکترونیک ژاپن از نظر اندازه تقریباً برابر با صنعت تولید موتور است و همه پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که رشد آن ادامه خواهد یافت.

شکوفایی بعد از جنگ در زمینه ماشین حسابها، تلویزیون و این اواخر ویدیو، صنایع داخلی این کشور را قوی و غنی ساخته است.

امروزه ژاپن یک مرحله حیاتی ایجاد تکنولوژیهای جدید را از سر می‌گذراند، مثل میکروچیپ، کامپیوترها و ربات‌ها و مهم‌تر از آن مبانی مرحله چهارم توسعه خود را فراهم می‌سازد. برخی می‌گویند در بازارهای آینده، صنایعی نظیر کامپیوتر، تجهیزات کامپیوتری و ارتباطات راه دور شکل خواهند گرفت و مصرف‌کنندگان کالاها کماکان به عنوان یک مشتری مهم، اگر چه کم‌اهمیت‌تر باقی خواهند ماند.

بیوتکنولوژی زمینه دیگری است که ژاپن خود را برای توسعه سریع آن آماده می‌سازد. علاوه بر اینها، ژاپن با دورنگری بیشتر روی جوش سلولی و پرورش مصنوعی بافت کار می‌کند، به این امید که انواع جدیدی از گیاهان خوراکی را پرورش دهد که جایگزین تکنیک‌های موجود پرورش گیاه شوند.

برنامه‌ریزی بلند مدت همراه با خصیصه وحدت ملی و اخلاق کاری قوی، نقش مهمی در تعیین موفقیت ژاپن در دهه‌های بعد از جنگ ایفا کرده است. مع‌هذا توانایی ملت برای برنامه‌ریزی و انجام تغییرات نیروی محرکه اصلی تلاش بلند پروازانه فعلی ژاپن برای شماره یک بودن است.

در پایان باید گفت که خصیصه مهم برنامه‌های ملی ژاپن عبارت است از بسط و اشاعه آگاهی در میان عامه مردم، واحدهای اداری و اقتصادی کوچک و بزرگ اعم از دولتی یا خصوصی و به طور

کلی همه احاد فعال و ذینفع از اینکه مسیر اقتصاد کشور به کدام سمت حرکت نماید و کوششهای عمومی در کدام جهت بسیج و هدایت شوند. برنامه‌های ژاپن در قالب یک سرفصل و یا عنوان کلی تعریف و اعلام می‌گردند و تنها اهداف میانه و نه پایان راه را مشخص می‌سازند [۱۰].

## ۱-۱۲- برنامه‌های آینده

همانطوریکه ذکر شد نظام آموزشی ژاپن با استفاده از الگوهای غرب و توانایی‌های این کشور توانست به پیشرفتهای مهمی نایل شود. به طوری که در سالهای اخیر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ژاپن دیگر به عنوان مکانی برای تحصیل طبقات ممتاز و برتر جامعه عمل نمی‌کنند، بلکه با تغییر سیاستهای آموزشی خود به محلی برای ارائه آموزشهای همگانی تبدیل شده‌اند. همچنین تمایلات خاصی به تبدیل شدن به مراکز حرفه‌ای برای برنامه‌ریزی عملی پیدا کرده‌اند.

امروزه دیگر مهمترین مسأله نظام آموزشی ژاپن افزایش تعداد دانشگاهها و دانشجویان نیست بلکه مسأله اصلی، ارتقای سطح کیفی مؤسسات آموزش عالی است. از طرف دیگر نظام آموزش عالی ژاپن با مسایلی نظیر یکنواختی نظام آموزشی، رقابت فشرده و گسترده جوانان برای ورود به مؤسسات آموزش عالی و رقابت زیاد در امتحانات روبرو است.

از این رو نظام آموزش عالی ژاپن نیازمند انعطاف پذیری بیشتر و فراهم ساختن امکانات لازم برای پاسخگویی به تغییرات زمان است. مهمترین مسایلی که ضرورت انجام اصلاحات در نظام آموزش عالی ژاپن را مطرح ساخته است، چنین می‌توان برشمرد:

۱- نیازهای دانشجویان دائماً در حال تغییر است. از دهه ۱۹۷۰ به بعد تغییراتی در نظام آموزشی ژاپن صورت گرفته، که منجر به ایجاد تضاد بین دسته‌هایی از دانشجویان شده است.

از طرف دیگر دانشگاههای ژاپن دارای ارتباط تنگاتنگ با دیدگاههای قومی و نژادی آن کشور هستند، لذا باید تلاش کنند که به خواسته‌های دانشجویان پاسخ مناسب بدهند. این در حالی است که ارائه آموزشهای متناسب با این نیازها به آهستگی صورت می‌گیرد [۱۱].

۲- میزان جمعیت در ژاپن در حال کاهش می‌باشد. انتظار می‌رود که میزان پذیرش جمعیت هجده سالگان در این کشور تا سال ۲۰۱۰ به حدود سه چهارم میزان خود برسد (از ۲ میلیون در دهه ۹۰ به ۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر در دهه ۲۰۱۰). از اینرو ضروری است که مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی ژاپن تلاش نمایند تا خود را با شرایط دهه آینده هماهنگ سازند.

۳- علم و دانش در حال پیشرفت و اقتصاد در حال رشد است. پیشرفتهای اخیر در علوم و تکنولوژی نیاز به تربیت نیروی انسانی متخصص را افزایش داده است. بنابراین لازم است که دانشگاهها به سمت جامعه اطلاعاتی و بین‌المللی هدایت گردند. لیکن آموزش عالی در پاسخ به این رات آهسته و تدریجی عمل نموده است [۱۱].



- ۱- تقویت دوره‌های آموزشی دانشگاهها برای تربیت انسانهای کارآمد همراه با ایجاد ساختار انعطاف پذیری برای گسترش پژوهشهای بنیادی در همه زمینه‌های علمی
- ۲- تهیه برنامه‌های لازم برای گسترش دوره‌های عالی نظیر فوق‌لیسانس و دکتری، توسعه همکاریهای پژوهشی میان دانشگاهها، مؤسسات تحقیقاتی، مراکز پژوهشی و شرکتهای بزرگ صنعتی و بهینه ساختن نظام اطلاع رسانی علمی در کشور
- ۳- ایجاد زمینه‌های لازم برای گسترش فرصت‌های پژوهشی و مطالعاتی برای دانشجویان و پژوهشگران دوره‌های پس از دکتری (Post-Doctoral)، این دوره‌ها باید بیش از پیش انعطاف پذیر باشند و نیازهای زمان را در نظر داشته باشند.
- ۴- گسترش پژوهشهای مشارکتی (Collaborative Research) بنیادی و کاربردی میان دانشگاهها و مراکز صنعتی، تقویت دوره‌های آموزشهای علمی و کاربردی و ضمن خدمت میان دانشگاهها و مراکز صنعتی
- ۵- افزایش کمک‌های دولت به پژوهشهای بنیادی و ایجاد شرایطی که تعداد بیشتری از اعضای هیات علمی امکان مشارکت در انجام پروژه‌های تحقیقاتی را پیدا کنند.
- ۶- گسترش ارتباط و همکاری میان دانشگاهها و مراکز پژوهشی با جامعه، بهره‌گیری از کمک‌های مالی جامعه در امر تحقیقات و توجه بیشتر به پژوهشهای نظری در زمینه‌های علوم انسانی و جامعه‌شناسی
- ۷- توسعه مبادلات علمی در سطح بین‌المللی از طریق مبادله دانشجو و پژوهشگر، گسترش توافق‌نامه‌های علمی میان دانشگاهها و مراکز پژوهشی بین‌المللی، دعوت از اساتید و پژوهشگران خارجی، جلب مشارکت پژوهشگران خارجی در پروژه‌های ملی و شرکت فعال در پژوهشهای بین‌المللی [۶]

## منابع

- ۱- اسمیت ، میشل [ودیگران] (۱۳۷۰)، دنیای تازه صنعتی آسیا، ترجمه محسن طلائی ونوروز علی مهدی پور، تهران : کمال علم
- ۲- اوکاوا، کازوشی وهیسا هیرو (۱۳۷۲)، فازهای توسعه کشورهای در حال توسعه و تجربه ژاپن، ترجمه بهزاد سلطانزاده، تهران : شرکت تحقیقاتی صنایع الکترونیک خانگی
- ۳- پیام یونسکو (۱۳۶۸) ، فروردین ، شماره ۲۱۱
- ۴- دبیر خانه یونسکو (۱۳۷۰)، آموزش عالی در جهان یا معرفی تطبیقی نظام‌ها ومدارک دانشگاهی، ترجمه نصرت صفی نیا وداودیان ، تهران : انتشارات اساطیر
- ۵- رسایی، محمد جواد (بی تا)، سیاست‌ها وبرنامه‌های علمی ژاپن در هزاره سوم ، تهران : مرکز تحقیقات علمی کشور
- ۶- سرکارآرانی ، محمدرضا (۱۳۷۸)، از جستجوی دانش به سوی خلق دانش ، مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه وفرهنگ اسلامی، تهران : وزارت فرهنگ و آموزش عالی
- ۷- سرکار آرانی ، محمدرضا (۱۳۷۰) ، مطالعه تطبیقی آموزش وپرورش ژاپن وایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدرسی علوم تربیتی ، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، استاد راهنما محمدعلی طوسی
- ۸- سفارت جمهوری اسلامی ایران در توکیو (۱۳۶۹)، مجموعه گزارشات تحولات ژاپن ، مهر
- ۶۸- شهریور ۱۳۹۶، توکیو، جلد چهارم
- ۹- طوسی، محمدعلی (۱۳۷۱) ، فراسوی خواستن ، تهران : شباویز
- ۱۰- علیپور تهرانی، بهزاد (۱۳۷۲)، نقش نظام اداری وبرنامه ریزی ژاپن در توسعه اقتصادی، اجتماعی این کشور، تهران: مؤسسه چاپ وانتشارات وزارت امور خارجه
- ۱۱- کاظم نژاد، انوشیروان [ودیگران] (۱۳۷۶)، بررسی تطبیقی روند تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی در ایران وجهان ، تهران : وزارت فرهنگ و آموزش عالی، معاونت آموزشی، دفتر آموزشهای آزاد
- ۱۲- کان، هرمان (۱۳۵۸) ، ژاپن ، ترجمه سروش حبیبی، تهران : شرکت سهامی انتشارات خوارزمی
- ۱۳- کوبیاشی، تی. (۱۳۷۸)، ژاپن، ترجمه غلامعلی سرمد، گزیده مقالات دایره المعارف آموزش عالی، تهران : مؤسسه پژوهش وبرنامه ریزی آموزش عالی

- ۱۴- متوسلی، محمود (۱۳۷۴)، توسعه اقتصادی ژاپن با تأکید بر آموزش نیروی انسانی، تهران : مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی
- ۱۵- مهدوی ، محمدنقی (۱۳۷۲)، سیاست تکنولوژی صنعتی ژاپن، تهران : پژوهشکده مطالعات و تحقیقات تکنولوژی
- ۱۶- مهدوی ، محمد نقی (۱۳۷۴)، نقش دانشگاه در توسعه صنعتی ، فصلنامه رهیافت، پائیز، شماره دهم
- ۱۷- ووگل ، ازرا (۱۳۶۶) ، ژاپن کشور شماره ۱، ترجمه شهین دخت خوارزمی و علی اسدی، تهران: نشر فرهنگ

18- Atchourema, David (1995), Life Long Education in Selected Industrial Countries, Tokyo: National Institute for Educational Research

19- Goedegebure, Leo [And other] (1995), Higher Education Policy An International Comparative perspective, Paris: International Association of Universities

20- Hemmert, Martin and Oberlander, Christian, Technology and Innovation in Japan, London: Routledge Studies in the Growth Economies of Asia

21- Monbusho, (1987) Report on Education Reform, Tokyo: National Council on Educational Reform Government of Japan

22- Sanyal, Bikas c. (1997), Evolution in Higher Education Policy Making And Management Practice: Some International perspectives, Paris, Unesco

# فصل چهارم

## کره جنوبی

### ۱- تاریخچه

کره جنوبی دارای سطح علمی بسیار بالایی است. برنامه‌های دولت کره جنوبی جهت گسترش کمی و کیفی نظام آموزشی این کشور در چند دهه گذشته پیشرفت‌های گسترده‌ای برای این کشور در پی داشته است. البته نقش خانواده‌های کره‌ای را نیز در این رابطه نباید نادیده گرفت. زیرا آنها اهمیت زیادی به آموزش و پرورش می‌دهند و در این راه سرمایه‌گذاری می‌نمایند. به طوری که خصوصیت برجسته جامعه کره یعنی تقاضای زیاد برای آموزش و ادامه تحصیلات موجب شرطی شدن ارتباط متقابل میان دولت، آموزش و رشد اقتصادی شده است.

در این کشور ورود به دانشگاه بویژه دانشگاه سئول یک موفقیت باارزش خانوادگی محسوب می‌شود. علاوه بر اینها علاقه به توسعه، پیشرفت و رقابت با کشورهای همسایه از قبیل ژاپن، چین و کره شمالی، آنان را به تلاش‌های گسترده‌ای برای ارتقای سطح علمی و فرهنگی این کشور سوق داده است.

در واقع نظام آموزشی کره جنوبی برای رسیدن به این مرحله، راه درازی را پیموده است. زیرا توسعه نظام آموزشی این کشور بر اثر استعمار ژاپن (۴۵-۱۹۱۰) متوقف شد.

تعداد مردم باسواد در دوران استعمار ژاپن بر کره جنوبی بسیار کم بود. هر چند دولت ژاپن پس از تصرف کره، قول گسترش سوادآموزی را به مردم این کشور داد، ولی در عین حال تلاش نمود تا در نظام آموزش و پرورش کره جنوبی وفاداری به امپراتور و فرهنگ ژاپن را القا نماید.

دولت ژنرال چوزن (۱۹۱۳) تلاش کرد تا در کره جنوبی دوره‌های آموزشی تجربی، عملی و کوتاه مدت ایجاد نماید. این در حالی بود که در آن زمان نظام آموزشی کره بر اساس دوره‌های آموزشی پیچیده در رشته‌های مختلف و دوره‌های تحصیلی طولانی مدت بود. از اینرو دولت ژنرال چوزن تلاش کرد تا نظام آموزشی سابق را به کلی دگرگون سازد. علاوه بر اینها دروس به زبان ژاپنی تدریس می‌شد.

هر چند این اقدامات باعث شد تا شمار دانش‌آموزان ابتدایی در کره افزایش یابد ولی تنها ۵ درصد دانش‌آموزان ابتدایی این کشور به دوره‌های تحصیلی بالاتر راه می‌یافتند. همچنین تعداد بسیار اندکی می‌توانستند به دوره‌های تحصیلات عالی راه یابند. پس از گذشت مدتی از تحصیل کره‌ایها در رشته مهندسی جلوگیری شد.

در این دوران حقوق و مزایای معلمان ژاپنی بیشتر از هم‌تایان کره‌ای آنها بود و به آنها مناصب و مقامهای بالاتری داده می‌شد. این امر باعث کمبود معلمان مجرب و باتجربه پس از آزادی کره شد. در پایان جنگ جهانی دوم که کره آزادی خود را به دست آورد، تنها یک دانشگاه و ۱۸ دانشکده در این کشور وجود داشت.

عدم توسعه نظام آموزشی کره جنوبی بر اثر جنگ کره (۵۳-۱۹۵۰) ادامه یافت و این جنگ باعث ویرانی بیشتر نظام آموزشی این کشور شد.

اعمال محدودیتهای آموزشی بر کره‌ای‌ها در دوران استعمار موجب تقاضای زیاد برای تحصیل پس از پایان اشغال و آزادی کره شد.

با وجود فقر گسترده پس از پایان استعمار و اشغال ژاپن و همچنین پایان جنگ دو کره، تلاشهایی برای احیای نظام آموزشی این کشور صورت گرفت که یکی از نشانه‌های آن تحمیل بخش بیشتری از هزینه‌های بازسازی و تعمیر ساختمانهای مدارس و حقوق معلمان بردوش والدین بود. در این دوره دسترسی به آموزش و تحصیل باملی‌گرایی و آزادی توأم شده بود.

به طور کلی ویژگیهای اساسی نظام آموزش عالی کره جنوبی طی سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۰ را چنین می‌توان برشمرد:

- ۱- ضعف دولت مرکزی و نداشتن کنترل کامل بر مؤسسات آموزش عالی
- ۲- نبود یک سیاست آموزش ملی هماهنگ و یکپارچه در کشور
- ۳- تعداد اندک دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی
- ۴- کمبود اساتید متخصص
- ۵- کمبود منابع ملی
- ۶- افزایش تعداد داوطلبان ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی
- ۷- عدم اعتماد مردم به نظام آموزش عالی - سلطه استعمار بر کره جنوبی و به دنبال آن وجود جناحهای ایدئولوژیک چپ و راست از جمله عوامل بی‌اعتمادی مردم به نظام آموزش عالی شده بود.

دولت کره جنوبی از دهه ۱۹۶۰ بر روی نوسازی و توسعه کشور تأکید کرد و صنایع و تولیدات صنعتی خود را افزایش داد. در دهه ۷۰-۱۹۶۰، با توجه به رشد اقتصادی کره جنوبی، تقاضا برای

آموزش عالی نیز افزایش یافت. به طوری که این کشور در سال ۱۹۶۰ شاهد رشد جمعیت دانشجویی به میزان ۱۴/۴ درصد بود.

در این دهه دولت کره جنوبی برای حفظ نظم و امنیت عمومی، عدالت اجتماعی و تربیت نیروی انسانی متخصص، تلاشهای گسترده‌ای را جهت گسترش دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی انجام داد. علاوه بر اینها، دولت کنترل شدیدی را بر مؤسسات آموزش عالی اعمال کرد. در این دوره همچنین رقابتهای عادلانه‌ای در برگزاری امتحانات ورودی، حفظ تعداد و اندازه‌های مطلوب اعضای هیأت علمی و کنترل افزایش شهریه صورت گرفت.

در دهه ۸۰-۱۹۷۰ نیز تلاشها برای گسترش آموزش عالی ادامه یافت. در این دهه کیفیت دانشگاهها با اجرای آزمایشی برنامه‌های پیش‌دانشگاهی بالا رفت. همچنین قوانین و مقرراتی برای کنترل کیفیت برنامه‌های آموزشی دانشگاهها تهیه و تنظیم گردید و از آنها حمایت به عمل آمد.

علاوه بر اینها، برنامه‌های منظم و سازمان یافته‌ای برای افزایش تعداد دانشجویان در این دوره تهیه و به مورد اجرا گذاشته شد. سیاستهای این دوره باعث کاهش رشد کمی دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی شد. این امر موجب جدی‌تر شدن رقابت بین داوطلبان ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و در نتیجه افزایش تقاضای اجتماعی برای ادامه تحصیلات عالی گردید.

نظام آموزش عالی کره جنوبی طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸، شاهد رشد سریع تعداد دانشجویان و نظارت دقیق دولت بر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بود. رشد سریع سهمیه‌های دانشجویان به حدی بود که ۳۰ درصد دانشجویان از سهمیه استفاده می‌کردند و لازم بود که این سهمیه‌ها به تدریج حذف شوند.

در این دوره همچنین تغییراتی در نظام آموزش عالی کره جنوبی صورت گرفت. از جمله این تغییرات مقرر شد که مراحل ارتقا و ترفیع اعضای هیأت علمی از هر ۴ سال به هر ۲ سال تغییر پیدا کند. همچنین ارتقای مؤسسات آموزشی ارائه‌کننده دوره‌های کاردانی به مؤسسات آموزش عالی ارائه‌کننده دوره‌های کارشناسی و یا تبدیل مدارس و مراکز فنی و حرفه‌ای به کالجها و پلی‌تکنیکهای فنی و حرفه‌ای، از جمله تغییرات انجام شده در این دوره بود.

در دوره مذکور دولت همچنین با انگیزه‌های سیاسی کنترل دقیقی را بر نحوه اداره دانشگاهها برقرار کرد.

در سال ۱۹۸۳، بیش از یک میلیون دانشجو در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کره جنوبی مشغول تحصیل بودند. طی این سال ۳۶۹۹ دانشجو در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های مهندسی مشغول تحصیل بودند. مؤسسه عالی علوم و تکنولوژی (KAIST) طی سالهای ۱۹۸۲-۸۴ برای تربیت ۲/۳۲۰ دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۳۶۵ دانشجوی دوره دکتری،

برنامه‌ریزی می‌کرد. این مؤسسه طی سالهای ۹۱-۱۹۸۷، نیز برای تربیت ۴۰۰۰ دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۱۲۲۵ دانشجوی دوره دکتری در رشته‌های فوق برنامه‌ریزی می‌کرد. در مورد تحصیلات عالی نسبت ورود دانشجویان به دانشگاهها از ۱۱ درصد در سال ۱۹۷۷ به ۳۶ درصد در سال ۱۹۸۷ رسید. دولت کره جنوبی در سال ۱۹۸۸، اصلاحاتی در نظام آموزش عالی این کشور انجام داد. براساس این اصلاحات به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی اختیارات بیشتری داده شد. در سال ۱۹۸۹، تعداد ثبت نام کنندگان گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کره جنوبی به ۴۰ درصد کل دیپلمه‌ها رسید. در سال ۱۹۹۴، تعداد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کره جنوبی به ۳۱۴ واحد رسید که ۱۶۰ واحد آن دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی، ۱۳۵ واحد کالجهای دوساله و مراکز کاردانی و ۲۵۱ واحد مؤسسات آموزش عالی تخصصی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری بود. در این مؤسسات ۲/۲۰۰/۰۰۰ دانشجو که ۷۰ درصد قشر هجده تا بیست ساله این کشور را تشکیل می‌دهند، مشغول تحصیل می‌باشند. لذا جمعیت دانشجویی کره جنوبی احتمالاً بزرگترین جمعیت دانشجویی در جهان است. بیش از ۳۰ درصد دانشجویان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کره جنوبی را دانشجویان زن تشکیل می‌دهند. در کالجها و مؤسسات تخصصی نیز ۷۳ درصد دانشجویان زن هستند. در حال حاضر دانشجویان مؤسسات خصوصی ۸۲/۲ درصد کل دانشجویان را تشکیل می‌دهند.

## ۲- اهداف و سیاستهای آموزش عالی

نظام آموزشی کره جنوبی بعد از جنگ جهانی دوم به سرعت پیشرفت نمود و به طرف اصول دموکراسی و فراهم آوردن فرصتهای مساوی برای مردم این کشور حرکت کرد. نظام آموزشی این کشور براساس اصول قانون اساسی و قانون آموزشی که در سال ۱۹۴۹ به تصویب رسید، پایه‌گذاری شده است. برطبق این قانون همه مردم دارای حقوق آموزشی یکسان هستند و با توجه به تواناییهایشان می‌توانند از آنها استفاده کنند. استقلال آموزش و پرورش به رسمیت شناخته شده است و مسایل سیاسی نباید در آن دخالت کند.

همچنین بنابر قانون آموزشی سال ۱۹۴۹، اصل اساسی آموزش و پرورش تحت ایده "سعادت جهانی شدن"، هدف خود را کامل ساختن شخصیت هر فرد، توانا کردن او در اداره زندگی و تأمین مسؤلیتهایش به عنوان یک شهروند قرار داده است تا در رشد و خوشبختی ملت سهیم باشد.

نظام آموزشی کره جنوبی موظف است که فرصتهای یکسانی را برای آموزش تمام افراد براساس توانایی هایشان وبدون توجه به عقیده، جنسیت وموقعیت اجتماعی واقتصادی اشان فراهم کند. این قانون اهداف مدارس را براساس سطوح تحصیلی، مقررات مدیریت ونظارت وهمچنین برنامه ها ومواد درسی برای آموزش وپرورش تعیین می کند.

به موازات ساختن یک جامعه دموکراتیک ، تعلیم وتربیت نیز براساس اصول دموکراسی، استقلال وتساوی فرصتهای آموزشی برای همه مردم حرکت کرده است. جهت گیری رهبران سیاسی کره جنوبی به سمت توسعه ملی براساس توجه به نظام آموزشی است.

سینگمان ری رئیس جمهوری کره جنوبی در دهه ۱۹۵۰ گفت تعلیم وتربیت به عنوان وسیله ساختن ملت وتقویت جریان ضد کمونیسم به کار گرفته شده است. چونگ هی پارک رئیس جمهوری وقت کره جنوبی نیز در سال ۱۹۶۱ گفت آموزش وپرورش کلید اصلی تعیین سعادت وخوشبختی امروز وفردای جامعه است ونقش اصلی را توسعه اقتصادی بر عهده دارد.

با توجه به مسایل فوق می توان گفت هدفهای کلی آموزش وپرورش کره جنوبی رسیدن به وحدت ملی، استقلال سیاسی، گسترش فرهنگ ملی، ایجاد همبستگی بین شهروندان، ایجاد فرصتهای برابر آموزشی برای همه، شکوفایی استعدادهای افراد وتأمین استقلال آموزشی است.

نظام آموزش و پرورش کره جنوبی مشتمل بر ۶سال دوره ابتدایی، ۳سال دوره راهنمایی و ۳سال دوره دبیرستان است.

### ۳- انواع مؤسسات آموزش عالی

انواع دانشگاهها ومؤسسات آموزش عالی در کره جنوبی به شرح زیر می باشند:

- ۱- دانشگاهها ومؤسسات آموزش عالی - جمعا ۱۶۰ دانشگاه ومؤسسه آموزش عالی در کره جنوبی وجود دارد که از این میان ۳۴ دانشگاه ومؤسسه ملی، ۲ دانشگاه ومؤسسه وابسته به شهرداری و ۱۲۴ واحد دیگر دانشگاه خصوصی است.
- براساس قوانین موجود کره جنوبی هر دانشگاه حداقل باید دارای ۳ دانشکده باشد که یکی از این دانشکده ها در زمینه علوم طبیعی و یا علوم مهندسی باشد.



دانشگاههای کره جنوبی دارای دوره‌های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری می‌باشند. تعدادی از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی که دروس پزشکی و دندانپزشکی را ارائه می‌کنند، دارای برنامه‌های آموزشی ۶ ساله هستند.

بعضی از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کره جنوبی دارای دوره‌های تکمیلی برای تحقیقات و تربیت دانشجویان هستند.

**۲- کالجها** - کالجها دوره‌های آموزشی چهارساله‌ای را ارائه می‌دهند که منتج به دریافت دانشنامه کارشناسی می‌شود. تعداد آنها بالغ بر ۵۶ واحد است که آموزشهایی را در زمینه‌های علوم تربیتی، علوم مهندسی، پزشکی، داروسازی، پرورش ماهی و علوم دریایی ارائه می‌دهند.

**۳- آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای** - در کره جنوبی بالغ بر ۲۳۵ آموزشکده فنی و حرفه‌ای وجود دارد که ۱۱۰ واحد آن دولتی و بقیه خصوصی هستند. آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای بر روی دروس کاربردی و عملی تأکید دارند.

دانشجویان این مؤسسات ۲۳ درصد کل دانشجویان نظام آموزش عالی این کشور را تشکیل می‌دهند. مدت تحصیل در این آموزشکده‌ها ۲ سال و به دانش‌آموختگان مدارک کاردانی ارائه می‌شود. به استثنای مؤسسات ملوانی و ماهیگیری که دارای یک دوره دریانوردی ۶ ساله هستند. آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای دوره‌های زیر را ارائه می‌نمایند:

۱- بازرگانی، ۲- کودکیاری، ۳- فنی و مهندسی (از قبیل کشاورزی، تکنولوژی غیر نظامی و برق)، ۴- هنرهای آزاد، ۵- پرستاری و بهداشت خانواده و ۶- نساجی و طراحی قسمت عمده‌ای از برنامه‌های تربیت کودک و بهداشت توسط این مراکز ارائه می‌شود. گرچه ممکن است این برنامه‌ها توسط مؤسسات چهارساله و در سطح کارشناسی نیز ارائه گردد [۵].

**۴- دانشکده‌های تربیت معلم** - دانشکده‌های تربیت معلم که توسط وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می‌شوند ۲ نوع هستند:

- ۱- دانشسراهای تربیت معلم که طی دوره‌های چهارساله معلم تربیت می‌نمایند.
- ۲- دانشکده‌های تربیت معلم که در یک دوره دو ساله معلم تربیت می‌نمایند.

**۵- دانشکده‌های تخصصی** - دانشکده‌های تخصصی کره جنوبی اکثراً دارای دوره‌های کارشناسی ارشد و برخی نیز دارای دوره دکتری هستند ولی هیچکدام دوره کارشناسی ندارند. این دانشکده‌ها دو نوع هستند:

۱-۵- دانشکده‌های تخصصی - تعداد این نوع مؤسسات در سال ۱۹۸۸، حدود ۱۵۹ واحد بود. از جمله این دانشکده‌ها می‌توان دانشکده‌های مدیریت دولتی، مدیریت، بازرگانی، علوم تربیتی، توسعه اجتماعی و مطالعات محیطی را نام برد. این دانشکده‌ها مدارک تخصصی کارشناسی ارشد ارائه می‌نمایند. مؤسسه عالی علوم و تکنولوژی نیز که از جمله این مؤسسات است، دارای دوره تخصصی رشته تحقیقات مهندسی است.

۲-۵- دانشکده‌های عمومی - تعداد این نوع مؤسسات در سال ۱۹۸۸، ۹۲ واحد بود. برنامه‌های این مؤسسات در اختیار دانشکده بوده و به دانش‌آموختگان مدرک کارشناسی ارشد داده می‌شود. داوطلبان شرکت در دوره‌های دکتری این دانشکده‌ها باید دارای مدرک کارشناسی از دانشگاه‌های معتبر باشند.

برنامه‌های درسی این دانشکده‌ها شامل ۲۴ واحد درسی در چهارنیمسال تحصیلی در دانشکده‌های تخصصی و ۲۳ واحد در چهارنیمسال تحصیلی در دانشکده‌های عمومی، به همراه امتحان جامع، امتحان زبان خارجی و پایان‌نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد می‌باشد.

۶- دانشگاه‌های مکاتبه‌ای - دانشگاه‌های مکاتبه‌ای مؤسساتی هستند که به جوانان و بزرگسالان آموزشهایی را ارائه می‌دهند.

دانشگاه مکاتبه‌ای فعالیت خود را در سال ۱۹۷۲ در دانشگاه ملی سئول آغاز کرد. این دانشگاه در سال ۱۹۸۲ از دانشگاه ملی سئول جدا شد و به عنوان یک دانشگاه مستقل فعالیت خود را ادامه داد. در این سال یک برنامه پنج ساله را به منظور اعطای مدرک کارشناسی به داوطلبان ارائه داد.

اکنون دانشگاه مکاتبه‌ای کره جنوبی به صورت یک مؤسسه مستقل عمل می‌کند و دوره‌های دو ساله کاردانی و چهارساله کارشناسی را ارائه می‌نماید [۵].

این مؤسسات دروس خود را از طریق برنامه‌های رادیو و تلویزیون و یا مکاتبه‌ای ارائه می‌نمایند. دانش‌آموختگان دوره‌های کاردانی این دانشگاهها پس از موفقیت در آزمون تکمیلی در سال سوم یک کالج یا دانشگاه پذیرفته می‌شوند.

در حال حاضر دانشگاه مکاتبه‌ای کره جنوبی با ۳۱۰/۹۵۰ دانشجو بزرگترین دانشگاه این کشور است. این دانشگاه ۴۸ کالج و دانشکده دارد.

اولین دانشگاه آزاد در سال ۱۹۸۱ تأسیس شد، اما به تدریج این دانشگاهها توسعه پیدا کردند، به طوری که اکنون ۱۴ دانشگاه آزاد در کره جنوبی وجود دارد که دوره‌های پنج ساله با مدرک کارشناسی را ارائه می‌نمایند.

**۷- سایر مؤسسات** - این مؤسسات دارای دوره‌های تخصصی دوساله یا چهارساله و در سطح دانشکده هستند. از جمله این مؤسسات می‌توان مدارس عالی پرستاری و مدارس علوم دینی را نام برد.

علاوه بر اینها، مؤسسات غیر آموزشی دیگری نیز در کره جنوبی وجود دارند که به رشد و توسعه آموزش در این کشور کمکهای شایان ذکری کرده‌اند. از جمله این مؤسسات، می‌توان مؤسسه توسعه آموزش در کره جنوبی، مؤسسه ملی ارزشیابی آموزشی و مؤسسه تحقیقات علوم رفتاری را نام برد. دو مؤسسه اول دولتی و مؤسسه آخر توسط بخش خصوصی اداره می‌شود.

### ۱-۳- مدارک تحصیلی

**۱- کاردانی** - مدت دوره کاردانی ۲ سال است. برخی کالجها پس از پذیرش دارندگان مدرک کاردانی به آنها بعد از موفقیت در آزمون تکمیلی مدرک کارشناسی ارائه می‌نمایند.

**۲- کارشناسی** - دوره‌های کارشناسی چهارساله است. تعداد واحدهای لازم برای دریافت مدرک کارشناسی ۱۴۰ واحد است. هر دوره تحصیلی شامل ۳۵ تا ۴۰ درصد دروس اجباری، ۳۵ درصد دروس عمومی و ۲۲ تا ۳۰ درصد دروس انتخابی است.

هر دانشجو حداکثر می‌تواند ۲۴ واحد در هر نیمسال تحصیلی انتخاب کند. به طور کلی هر واحد درسی نیاز به یک ساعت حضور در کلاس در هفته در طول هر نیمسال تحصیلی دارد. دروس عملی نیز احتیاج به ۲ ساعت کار در کتابخانه آزمایشگاه و نظایر اینها به علاوه یک ساعت حضور در کلاس درس دارد.

دانشجویان دوره‌های کارشناسی برای دریافت مدرک تحصیلی باید علاوه بر موفقیت در دروس تحصیلی، یک پایان نامه و یا یک درس هم سطح و معادل آن را نیز بگذرانند.

**۳- کارشناسی ارشد** - دارندگان مدرک کارشناسی در صورت داشتن حداقل معدل ۳ یا B می‌توانند در امتحانات دوره کارشناسی ارشد شرکت نمایند. پذیرفته شدگان این دوره‌ها می‌توانند پس از دو تاسه سال تحصیل در رشته مربوط مدرک کارشناسی ارشد دریافت دارند. این دوره در مؤسسات تخصصی در ۵ نیمسال یا ۲/۵ سال تحصیلی ارائه می‌شود.

**۴- دکتری** - بالاترین درجه تحصیلات است که پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و حداقل ۳ سال تحصیل اعطا می‌شود. دوره دکتری در رشته‌های مختلف ادبیات و علوم انسانی،

فلسفه، الهیات، علوم اقتصادی، حقوق، پزشکی، علوم، فیزیک، زیست‌شناسی، داروسازی، علوم مهندسی، کشاورزی و دامپزشکی ارائه می‌شود. دوره‌دکتری شامل ۶۰ واحد درسی است. داوطلبان مدرک دکتری باید پیش از اعلام موضوع رساله، امتحان زبان خارجی را با موفقیت بگذرانند [۳]. همچنین معدل آنان باید ۳ یا B باشد. حداکثر مدت تحصیل در دوره‌های دکتری ۵ سال است.

## ۲-۳- امتحانات ورودی

در ابتدا هر دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی، آزمونهای جداگانه‌ای برگزار می‌کرد و دانشجویان مورد نظر خود را از میان داوطلبان مربوطه انتخاب می‌کرد.

در سال ۱۹۸۸، روش انتخاب دانشجویان تغییر کرد. در این رابطه برگزاری آزمون ورودی بوسیله هر دانشگاه و یا مؤسسه آموزش عالی لغو گردید و یک آزمون سراسری جایگزین آن شد. بدین ترتیب مقرر شد که همه داوطلبان ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در آزمون ورودی که توسط "مؤسسه ملی ارزشیابی آموزشی" برگزار می‌شود، شرکت کنند. آزمون مذکور شامل ۵ موضوع درسی است. حدود ۲۰ تا ۵۰ درصد سهمیه کل پذیرفته شدگان مختص دارندگان گواهینامه ملی مهارت است.

رقابت میان داوطلبان با توجه به افزایش سالیانه تعداد دیپلمه‌ها و سهمیه پذیرش دانشجویان هر سال فشرده‌تر می‌شود.

از سال ۱۹۹۳ برای تعیین صلاحیت داوطلبان، نمرات درسی دوره دبیرستان نیز با امتحانات سراسری آنها ترکیب می‌شود.

رقابت برای ورود به دانشگاهها آنقدر شدید است که تنها ۱۳ درصد داوطلبان می‌توانند وارد این مؤسسات آموزش عالی شوند.

## ۳-۳- زبان تحصیلی

زبان رایج در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کره جنوبی، زبان کره‌ای است. اما برخی دروس به زبانهای انگلیسی، چینی، فرانسه و آلمانی نیز ارائه می‌شود. از این زبانها می‌توان برای امتحانات، پایان نامه‌ها و گزارشهای علمی نیز استفاده کرد.

### ۴-۳- اعطای بورس به خارجیان

دولت کره جنوبی برای ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی و گسترش فرهنگ این کشور مبادرت به اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان خارجی می نماید. براساس این سیاست دانشجویان کشورهایی که دارای روابط دیپلماتیک با کره جنوبی می باشند ارجحیت بیشتری برای دریافت بورس دارا می باشند و کسانی که بورس تحصیلات عالی این کشور را دریافت می کنند، حدود ۴ سال طول می کشد تا مدرک دکتری را اخذ نمایند. تعداد دانشجویان خارجی مشغول به تحصیل در کره جنوبی گرچه کمتر از تعداد دانشجویان کره ای مشغول به تحصیل در خارج از این کشور است، ولی تعداد آنان در سالهای اخیر به تدریج در حال افزایش است. در سال ۱۹۹۲ تعداد دانشجویان خارجی در کره جنوبی ۱۹۸۹ نفر بود [۱].

### ۴-آموزشهای فنی و حرفه ای

در گذشته هنرستانهای فنی و حرفه ای پسران چندان مورد پذیرش دانش آموزان نبود و اهمیت کمی داشتند، در حالی که بسیاری از هنرستانهای فنی و حرفه ای مقدمه ای برای ایجاد دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بودند. در سال ۱۹۶۳ یک برنامه پنج ساله برای هنرستانهای فنی و حرفه ای تدوین و اجرا شد که منجر به دریافت مدرک کاردانی توسط دانش آموختگان مراکز مزبور می شد. دولت کره جنوبی برای توسعه و گسترش آموزشهای فنی و حرفه ای و غلبه بر مقاومتها نسبت به ارائه چنین آموزشهایی اقداماتی انجام داد که برای سایر کشورها می تواند مورد استفاده قرار گیرد. ابتکارات این کشور برای غلبه بر چنین مقاومتهایی شامل ارائه تسهیلات بهتر برای مراکز آموزشهای فنی و حرفه ای، بورس تحصیلی و اقداماتی نظیر اینها بود. علاوه بر اینها، دولت کره جنوبی در سال ۱۹۶۷، لزوم تشکیل برنامه های آموزشی برای کارمندان صنایع بخش خصوصی و دولتی را مورد تأکید قرار داد. طبق "قانون آموزش حرفه ای" سال ۱۹۶۷ کلیه بنگاههای اقتصادی دولتی و خصوصی موظف شدند که برای سازمانهای خود مراکز آموزشی دایر کنند و یا کارمندان خود را با تقبل هزینه آموزشی آنان به مؤسسه های آموزشی رسمی

در نقاط دیگر اعزام کنند. در غیر این صورت سازمان مذکور می‌بایست مبلغ مشابهی را به دولت بپردازد.

بدین ترتیب تا سال ۱۹۸۵، تعداد ۷۷ مؤسسه آموزشی در این کشور دایر شدند که ۲۳۸۰۰ تن از کارکنان ادارات را تحت آموزشهای فنی و حرفه‌ای قرار دادند.

۲۵۷۰۰ کارمند دیگر در ۱۸۸ بنگاه اقتصادی در داخل کارخانه‌ها آموزش می‌دیدند و ۱۴۲۰۰ نفر دیگر نیز در ۴۶ مؤسسه از انواع دیگر مؤسسات آموزشی دوره آموزشی خود را طی می‌کردند [۷]. دولت کره جنوبی همچنین در سال ۱۹۷۳ برای تربیت کادر صنعتگران ماهر قانون ملی صلاحیت فنی را به منظور افزایش مهارتهای فنی نیروی انسانی تصویب کرد. هدف نهایی این قانونی، تضمین ارتقای رتبه قانونی مشاغل تخصصی و افراد ماهر به سطح هم تراز دانش آموختگان رشته‌های فنی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بود. فلسفه‌ای که در پس این قانون نهفته بود، کمک به ایجاد رضایت در میان عامه مردمی بود که پشتوانه مشاغل تخصصی هستند تا شاید افراد جوان وبا استعداد با غرور و دلگرمی بسیار، به عنوان حرفه اصلی خود چنین مشاغلی را انتخاب کنند. زیرا بدون این دلگرمی به سختی می‌توان تمایل جوانان را به تلاش برای تحصیلات دانشگاهی تغییر داد [۷].

بدین ترتیب کره جنوبی نیز که همانند ژاپن از نظر منابع طبیعی محروم است، برای رشد و توسعه اقتصادی خود بر روی نیروی انسانی تکیه کرد.

دولت کره جنوبی همچنین برای افزایش توان فنی و تکنولوژیکی این کشور مبادرت به ایجاد مؤسسات و سازمانهایی نموده است که عمده‌ترین آنها را چنین می‌توان برشمرد:

#### ۱-۴- مؤسسه اطلاعات صنعتی و تکنولوژی کره

دولت کره جنوبی در ژوئن ۱۹۶۲، در چهار چوب برنامه‌های کمیسیون ملی یونسکو، مرکز اطلاعات علمی و فنی کره "کورستیک" (Korea Scientific and Technological Information Centre- KORSTIC) را تأسیس کرد. این مرکز به عنوان کانون ملی مرکزی خدمات علمی و فنی در کره جنوبی فعالیت می‌کرد.

در ژوئن ۱۹۸۲، "کورستیک" با مؤسسه اقتصاد بین‌المللی کره ادغام گردید و از ادغام این دو مؤسسه اقتصاد صنعتی و تکنولوژی کره (Korea International Economic Institute- KIEI) به وجود آمد.

در جولای ۱۹۸۷، بر اساس بند ۱۴ قانون توسعه صنعتی، مرکزی به نام مرکز اطلاعات فنی صنعتی (The Centre for Industrial Technical Information - CITI) به صورت سازمانی

فرعی با استقلال داخلی از KIEI به شروع به فعالیت کرد. CITI در ژوئن ۱۹۹۱ رسماً از KIEI جدا شد و به عنوان سازمانی مستقل تحت نام مؤسسه اطلاعات صنعتی و تکنولوژی کره (Korea Institute of Industry and Technology Information- Kiniti) مشغول فعالیت شد.

#### ۱-۴-۱- وظایف و فعالیتهای اصلی kiniti

kiniti به عنوان یک سازمان مادر در زمینه اطلاع رسانی، نقش مهمی در ایجاد یک نظام ملی اشاعه اطلاعات برای حمایت از توسعه صنعتی و تکنولوژی برعهده دارد. مهمترین مسؤلیتهای kiniti عبارتند از: ایجاد سهولت دستیابی و استفاده از منابع اطلاعات، توسعه نظامهای اطلاع رسانی خط پیوسته (On-line)، فراهم نمودن اطلاعات مورد نیاز تحقیقات، افزایش آگاهی عمومی از خدمات اطلاعاتی، تربیت متخصصان اطلاع رسانی، ایجاد شبکههای همکاری با سازمانها و مراکز اطلاع رسانی در داخل و خارج از کشور و خود کفایی مالی از طریق حق الزحمه خدمات

مهمترین فعالیتهای kiniti در رابطه با خدمات اطلاعات فنی و صنعتی در کره جنوبی عبارتند از:

- الف- گردآوری منابع اطلاعات فنی و صنعتی در مقیاس گسترده جهانی
- ب- پردازش اطلاعات و ایجاد پایگاههای اطلاعاتی (Data Base-DB)
- ج- جستجوی اطلاعات
- د- تجزیه و تحلیل اطلاعات
- هـ- بازار یابی اطلاعات
- و- تهیه تکنیکهای (روشهای) مدیریت اطلاعات
- ز- ارائه انواع مختلف خدمات از قبیل: خدمات فتوکپی، زیراکس، ترجمه، کتابخانه و غیره
- ح- شبکه خدمات اطلاع رسانی خط پیوسته (on-line)
- ط- همکاریهای بین المللی [۸]

#### ۲-۴- پروژههای ملی تحقیق و توسعه

وزارت علوم و تکنولوژی کره جنوبی در سال ۱۹۸۲، به منظور پیشبرد و توسعه فعالیتهای تحقیقاتی و نیل به اهداف توسعه ملی، پروژههای ملی تحقیقاتی را مشخص کرد. اهداف این

پروژه‌ها دستیابی به تکنولوژیهای کلیدی وزیر بنایی با تأکید خاص بر تکنولوژیهای صنعتی به منظور حضور هر چه بیشتر در صحنه رقابتهای بین‌المللی است. این پروژه‌ها توسط مؤسسات تحقیقاتی، دانشگاهی و همچنین بخش خصوصی اجرا و پیگیری می‌شوند [۱۰].  
عمده‌ترین پروژه‌های ملی تحقیق و توسعه در کره جنوبی عبارتند از:

### ۱-۲-۴- پروژه‌های تحقیق و توسعه سطح بالا و پیشرفته (HAN PROJECTS)

هدف دولت کره جنوبی از اجرای این پروژه‌ها، افزایش توان تکنیکی و دستیابی به توسعه جهت دار در سطح ملی و همگامی و رقابت با کشورهای پیشرفته صنعتی است.  
دو نوع پروژه‌های ملی سطح بالا مدنظر دولت کره جنوبی می‌باشد. اولین نوع تحت عنوان ”پروژه‌های توسعه تکنولوژی محصول“، می‌باشد که جهت تولید محصولات نیازمند تکنولوژی سطح بالا است. ممکن است این پروژه‌ها سهم و درصد قابل توجهی نیز در بازار فروش جهانی به خود اختصاص دهند.

نوع دوم ”پروژه‌های توسعه تکنولوژی پایه“ است که نقش اساسی در پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و رفاهی جامعه دارند و بایستی جداً مورد توجه و حمایت قرار گیرند.  
اکثر این پروژه‌ها به طور دراز مدت اجرا می‌شوند. نظام مدیریت و کنترل آنها از طریق همکاری وزارتخانه‌های دولتی و آژانسهای مربوطه اعمال می‌گردد. فعالان امر تحقیق و توسعه نظیر دانشگاهها، صنایع و بخشهای تحقیقاتی تحت حمایت دولت نیز در آنها نقش دارند و در بعضی زمینه‌ها که منابع و امکانات داخلی محدود و یا کم است، مشارکت بین‌المللی نیز اعمال می‌گردد.

### ۲-۲-۴- پروژه‌های استراتژیک تحقیق و توسعه

این پروژه‌های ملی در زمینه‌های بیوتکنولوژی، صنایع نرم‌افزار کامپیوتری، هوا فضا، انرژی هسته‌ای، اقیانوس شناسی، تکنولوژیهای چندرشته‌ای، تکنولوژی صنعتی، تکنولوژی اطلاع رسانی و ارتباطات از راه دور است.



### ۳-۲-۴- پروژه‌های تحقیقاتی مشترک بین‌المللی

دولت کره جنوبی در سال ۱۹۸۵ به دلیل درک و اهمیت نقش همکاری‌های تحقیق و توسعه بین‌المللی به عنوان راهی جهت دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته، اقدام به همکاری با سایر کشورهای دنیا نمود. وزارت علوم و تکنولوژی کره جنوبی طی مدت ۹ سال، تعداد ۵۵۴ پروژه تحقیقاتی مشترک بین‌المللی را با سرمایه‌ای معادل ۴/۱ میلیون دلار اجرا کرد.

تا سال ۱۹۹۳، از مجموع پروژه‌های تحقیقاتی مشترک، ۹ پروژه در زمینه تکنولوژی لیزری، تولید مواد پیشرفته و زمین شناسی باکمک آلمان، ۱۵ پروژه با همکاری ژاپن در زمینه تکنولوژی اطلاع رسانی، شیمی آلی و بیوتکنولوژی و ۷ پروژه نیز با همکاری آمریکا در زمینه تکنولوژی اطلاع رسانی، شیمی آلی و پزشکی بوده است.

دولت کره جنوبی همچنین در سال ۱۹۶۲ قانون تشویق سرمایه‌گذاری خارجی را به تصویب رساند. این قانون طی دهه ۶۰ و ۷۰ نقش مهمی در صنعتی کردن کره ایفا کرد.

کره جنوبی به دنبال صنعتی کردن کشور، شروع به صدور تکنولوژی به دیگر کشورها نمود. به طوری که طی سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۲ حدود ۳۰۴ مورد تکنولوژی به کشورهای نظیر چین، اندونزی، هند، مالزی، عربستان سعودی، فیلیپین و دیگر کشورها نمود. تکنولوژی‌های مذکور در زمینه صنایع نفت، پتروشیمی، شیمی آلی، برق و الکترونیک، سرامیک و داروسازی بوده است.

### ۴-۲-۴- پروژه مؤسسات تحقیق و توسعه تحت حمایت دولت

این پروژه‌ها در راستای برنامه‌های میان مدت و دراز مدت نهادهای تحقیقاتی به صورت مستقل اجرا می‌شوند. اعتبار مالی منظور شده برای پروژه‌های مذکور طی سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲ معادل ۱۴۶۸ میلیون دلار آمریکا بوده است.

وزارت صنایع، انرژی و تجارت کره جنوبی، نقش اصلی را در تأمین اعتبار مالی اجرای این پروژه‌ها- بویژه توسعه تکنولوژی‌های صنعتی و انرژی‌های نو- را برعهده دارد. وزارت مخابرات نیز بر نحوه اجرا و تأمین نیازهای پروژه‌های توسعه تکنولوژی‌های ارتباطات و مخابرات نظارت دارد [۱۰].

### ۳-۴- دانشگاه و صنعت

همکاریهای دانشگاه و صنعت در کره جنوبی توسط مؤسسه تحقیقات صنعتی صورت می‌گیرد. این مؤسسه مستقل و چند رشته دارد. علاوه بر این وزارت علوم و تکنولوژی کره جنوبی چند لایحه بسیار مهم را برای توسعه علوم و تکنولوژی تصویب کرد که مهمترین آنها عبارتند از:

الف- لایحه ارتقای توسعه تکنولوژی در سال ۱۹۷۲ به منظور فراهم ساختن کمکها و تشویقهای مالیاتی برای صنایع خصوصی جهت توسعه تکنولوژی

ب- لایحه افزایش خدمات مهندسی در سال ۱۹۷۳ به منظور پیشرفت شرکتهای مهندسی داخلی از طریق تأمین بازارها و فعالیت بر طبق استانداردها

ج- لایحه الحاقی سازمانهای تحقیقاتی ویژه در سال ۱۹۷۳، به منظور فراهم ساختن تشویقهای حقوقی، مالی و مالیاتی برای دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی در زمینههای تخصصی و مورد نیاز دولت و صنایع خصوصی

د- لایحه تأسیس بنیاد علوم و مهندسی کره در سال ۱۹۸۶ به منظور ایجاد زیربنای قانونی برای تأسیس بنیادی که به مثابه یک عامل اصلی در راه تقویت پژوهشهای علوم و مهندسی بنیادی و کاربردی به فعالیت بپردازد. این بنیاد تلاش می‌نماید تا کاربرد وسیع علوم و مهندسی را در راه رفع نیازهای کشور امکانپذیر سازد.

در مجموع کره جنوبی در سالهای اخیر اقدامات اساسی و جدی را در جهت همکاریهای متقابل دانشگاه و صنعت انجام داده است. این اقدامات بیشتر بر عهده بنیاد ملی علوم و مهندسی کره جنوبی است که بودجه تحقیقات مشترک توسط صنایع و دانشگاهها را برای توسعه تکنولوژیهای جدید تأمین می‌کند.

این برنامه بنیادی هدفدار، اساتید دانشگاهها و مدیران واحدهای تحقیق و توسعه صنعتی را دوریکدیگر گرد می‌آورد تا فهرست کاملی از زمینههای تحقیقاتی دانشگاهی را که برای انجام فعالیتهای صنایع جهت توسعه تکنولوژیهای جدید ضروری است، فراهم سازند [۹].

## ۵- آموزش عالی خصوصی

مؤسسات آموزش عالی خصوصی در حدود ۷۰ درصد از مؤسسات آموزش عالی را به خود اختصاص می‌دهند. مخارج آنها از طریق شهریه دانشجویان تأمین می‌شود. همانطوریکه ذکر شد دولت کره جنوبی پس از رهایی از سلطه استعمار ژاپن و جنگ کره با توجه به اشتیاق مردم، تلاشهایی را برای گسترش نظام آموزش عالی این کشور انجام داد. این دولت در ابتدا به منظور تسریع حرکت خود را موظف به ایجاد و اداره دانشگاههای ملی کرد. علاوه بر این مبادرت به تأسیس و اداره کالجهای تخصصی و مراکز فنی و حرفه‌ای نمود. در دوره بعد دولت کره جنوبی تصمیم به مشارکت دادن بخش خصوصی در نظام آموزش عالی گرفت.

بودجه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی عمدتاً توسط شهریه دانشجویان تأمین می‌شود. بررسی درآمدهای مالی مؤسسات مذکور نشانگر این است که حدود ۸۹ درصد درآمدهای آنها از طریق شهریه‌ها تأمین می‌شود. بقیه درآمدها نیز از طریق کمکهای مالی داخلی و خارجی، موقوفات و کمکهای دیگر تأمین می‌شود.

در سال ۱۹۹۴، تعداد ۱۶۰ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی در کره جنوبی مشغول فعالیتهای آموزشی بودند که ۱۲۴ واحد آنها غیر دولتی بودند. در مؤسسات مذکور ۱/۵۸۰/۱۰۶ دانشجو مشغول تحصیل بودند که ۶۸۸/۵۰۶ نفر آنها در مؤسسات آموزش عالی خصوصی اشتغال داشتند.

## ۶- ساختار نظام اداری

ساختار نظام آموزشی و اداری کره جنوبی از کودکستان تا دانشگاه توسط قانون آموزشی که در سال ۱۹۴۹ به تصویب رسید، تعیین شده است. براساس قانون مذکور، ساختار نظام اداری شامل ۲ بخش است:

۱- وزارت آموزش و پرورش به عنوان سازمان مرکزی دولتی که مسؤولیت تدوین و اجرای خط مشی، برنامه‌ریزی و ارزیابی سیاستهای مربوط به آموزش و پرورش را برعهده دارد.

۲- هیأت مدیره‌های آموزش و پرورش به عنوان سازمان اداری مستقل که در ایالات مختلف به طور تقریباً مستقل برفعالیتهای آموزشی و اداری مدارس ابتدایی و متوسطه نظارت می‌کنند.

هیأت مدیره‌های آموزش و پرورش دارای دفاتر اصلی در مراکز ایالات و دفاتر فرعی در دیگر مناطق و شهرستانها می‌باشند.

## ۱-۶- مدیریت در سطح ملی

اداره آموزش عالی به صورت متمرکز (ملی) انجام می‌گیرد و اساساً مبتنی بر مدیریت ایالتی یا ناحیه‌ای نیست. وزارت آموزش و پرورش به طور مستقیم بر سیاستها و برنامه‌های دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی نظارت می‌کند. به عبارت دیگر وزارت آموزش و پرورش کره جنوبی بر کیفیت تدریس، خواسته‌ها و نیازهای تحصیلی، مدارک تحصیلی، استانداردهای آموزشی، ایجاد رشته‌های تحصیلی، امور اداری و مالی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی نظارت می‌کند.

تمام مؤسسات آموزش عالی (اعم از دولتی یا خصوصی) باید طبق قوانین آموزشی و با حکم وزیر آموزش و پرورش تأسیس و تحت سرپرستی وزارتخانه متبوع باشند.

وزارت آموزش و پرورش برای نظارت بر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی "دفتر دانشجویی و آموزش دانشگاه" را ایجاد کرده است. این دفتر دارای ۴ بخش زیر است:

مدیریت آموزش دانشگاه، امور دانشجویی دانشگاه، آموزش ملی و آموزش نظامی که هر کدام از این بخشها نیز دارای تقسیماتی هستند.

در عین حال دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کره جنوبی دارای اختیاراتی نیز هستند. شورای مرکزی آموزش دانشگاهها که مرکب از رؤسای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی است در توسعه و گسترش آموزش عالی نقش مؤثری دارد. وزارت آموزش و پرورش معمولاً در تصمیم‌گیریهای مهم با این شورا مشورت می‌کند و در صورت امکان آنها را به مورد اجرا می‌گذارد.

وزارت آموزش و پرورش معمولاً در امور مهم زیر تصمیمات شورای مرکزی آموزش دانشگاهها را به مورد اجرا می‌گذارد: سیاست آموزش عالی، سرپرستی، اداره، ارتقای کیفی دانشجویان، کارکنان و اعضای هیأت علمی، تشکیلات گروهی، تعداد اعضای هیأت علمی و شهریه دانشجویان [۲]

هیأت‌های امنای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی کره جنوبی حق انتخاب رؤسای دانشگاههای مربوطه را برعهده دارند.

## ۲-۶- مدیریت دانشگاهها

ساختار اداری و مدیریتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کره جنوبی براساس موازین دموکراتیک است. کارکنان مؤسسات آموزش عالی دولتی را وزارت آموزش و پرورش منصوب می‌کند.

در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی، هیأت‌های امنا، رؤسای دانشگاههای مربوطه را انتخاب و به وزارت آموزش و پرورش معرفی می‌کنند. وزیر آموزش و پرورش نیز معمولاً اشخاص انتخاب شده را تأیید می‌کند. رئیس دانشگاه نیز رؤسای دانشکده‌ها و گروه‌ها و دیگر مقامات اجرایی را انتخاب و منصوب می‌کند.

شورای دانشگاه نیز معمولاً از رؤسای دانشکده‌ها و مدیران تشکیل می‌شود. شورای عمومی اساتید دانشگاه، گهگاه مسئولیت معرفی رئیس دانشگاه را بر عهده می‌گیرد. اخیراً در بعضی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، اعضای هیأت علمی، کارکنان و حتی دانشجویان در شیوه‌های اداری و تصمیم‌گیری مشارکت داده می‌شوند. علاوه بر اینها، شوراهای اعضای هیأت علمی و کمیته‌های منتخب خاصی مسئولیت بحث و تصمیم‌گیری درباره امور آموزشی و تحصیلی نظیر توسعه برنامه‌های درسی جدید و یا تجدید نظر درباره برنامه‌های قدیمی را برعهده دارند.

## ۷- ویژگیهای نظام اداری

دولت کره جنوبی در آوریل ۱۹۶۳، قانون خدمات ملی کشوری را به عنوان پایه قانونی برای سروسامان بخشیدن به دیوانسالاری این کشور تصویب کرد.

براساس این قانون مقرر شد که انتصابات به جز در چند مورد خاص براساس نتایج آزمون رقابتی برای عموم یکسان باشد. ارتقای کارمندان براساس ارزشیابی عملکرد آنها در پست مربوطه باشد. همچنین امنیت شغلی همه کارمندان کارمندان تضمین گردید.

در مورد مسایل استخدامی کره جنوبی باید گفت که دیوانسالاری حرفه‌ای این کشور براساس یک نظام ۲درجه‌ای و مشابه نظام دیوانسالاری ژاپن است. رقابت در آزمون استخدامی بسیار شدید است و نظام استخدامی به اشخاصی که در آزمون استخدامی کشوری نمرات بالاتری را کسب

کنند، اجازه می‌دهد که در سطح بالاتری نسبت به دیگر داوطلبان شروع به کار نمایند. آنها در رتبه ۵ استخدام می‌شوند که برای مستخدمین معمولی چند سال طول می‌کشد تا به این رتبه برسند. معمولاً سلسله مراتب بالای ادارات همیشه نصیب کسانی شده که در آزمون استخدام کشوری نمرات بالایی را کسب کرده‌اند.

بدین ترتیب نظام استخدامی کشوری با دادن مجوز شروع به کار به افراد شایسته توانسته است بسیاری از افراد نخبه را جذب نماید.

به خاطر رقابت شدید و نیز انتخاب دقیق مستخدمین ارشد کشوری از نظر مردم دارای احترام خاصی هستند. احترامی که در واقع منعکس کننده سنت کنفوسیوس در احترام گذاشتن به دیوانسالاران دانشمند است. بنابراین کارمندان ارشد کشوری خود را نه تنها به عنوان نگاهدارنده منافع ملی می‌انگارند، بلکه همچنین به عنوان یک گروه از رهبران برگزیده می‌نگرند [۶].

در مورد اعضای هیأت علمی نیز باید گفت که آنها از بدو استخدام تا سن بازنشستگی (۶۵ سال) در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی کار می‌کنند.

دارندگان مدرک کارشناسی ارشد بعد از ۲ تا ۳ سال کار می‌توانند به عنوان مربی مشغول فعالیت شوند. اما به توجه به افزایش دارندگان مدرک دکتری، فرصت برای دارندگان چنین مدارکی کم شده است.

دارندگان مدرک دکتری در صورت تأیید توسط کمیته امور کارکنان می‌توانند به عنوان استادیار مشغول کار شوند. کمیته کارکنان مرکب از رئیس دانشگاه، رؤسای دانشکده‌ها، گروههای مربوطه و تعدادی از منتخبین اعضای هیأت علمی است.

ارتقای اعضای هیأت علمی نیز براساس قوانین دانشگاه مربوطه و سنوات خدمت صورت می‌گیرد. به طور کلی سنوات خدمت در مراتب اعضای هیأت علمی به شرح زیر است: مربی ۳ سال، استادیار ۴ تا ۵ سال، دانشیار ۵ تا ۶ سال

بالاترین مرتبه هیأت علمی در کره جنوبی مرتبه استادی است.

ساعات تدریس و میزان فعالیتهای اعضای هیأت علمی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و خصوصی، براساس قوانین و مقررات وزارت آموزش و پرورش تعیین می‌شود. معمولاً رؤسای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی با توجه به قوانین و مقررات مذکور ساعات کار، تحقیق و فعالیتهای اداری اعضای هیأت علمی را مشخص می‌نمایند.

## ۸- منابع مالی

بودجه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی توسط وزارت آموزش و پرورش تأمین می‌شود. قبل از دهه ۱۹۶۰ که در آمد سرانه کره جنوبی کمتر از ۱۰۰ دلار آمریکا بود، وضعیت مالی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی این کشور چندان مناسب نبود، اما با توجه به رشد اقتصادی و توسعه صنعتی این کشور این وضعیت بهبود یافت.

بودجه وزارت آموزش و پرورش کره جنوبی در سال ۱۹۸۷، حدود ۲۰/۱ درصد کل بودجه دولت را تشکیل می‌داد، که بعد از بودجه وزارت دفاع در رده دوم قرار داشت. در این سال ۶۷/۱ درصد بودجه وزارت آموزش و پرورش به پرداخت حقوق اعضای هیأت عملی و کارکنان اختصاص داشت. از اینرو مسئولین امور آموزشی و عمرانی خواستار اختصاص بودجه بیشتری به آنها برای گسترش کمی و کیفی وظایف محوله می‌شوند.

امروزه منابع مالی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کره جنوبی از طریق راههای زیر تأمین می‌شود.

۱- بیشتر بودجه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ملی، دولتی و ایالتی را دولت مرکزی و یا ایالات مربوطه تأمین می‌کنند. بودجه دانشگاههای خصوصی نیز توسط هیأت‌های امنای آنها تأمین می‌شود.

۲- ادارات و سازمانهای مرکزی و یا منطقه‌ای نیز کمکهای مالی در اختیار دانشگاهها می‌گذارند. کمکهای مالی بلاعوض، و اگذاری طرحهای تحقیقاتی و اعطای بورسهای تحصیلی به دانشجویان از جمله این کمکها است. انجمن‌های دانش‌آموختگان دانشگاههای مذکور نیز بنوبه خود کمکهایی به این مؤسسات آموزش عالی می‌نمایند.

۳- درآمدهای متفرقه، درآمدهای اختصاصی، کمکها و هدایای کشورهای خارجی و موقوفات نیز از جمله دیگر منابع درآمدهای دانشگاهها است.

به طور کلی امروزه بودجه وزارت آموزش و پرورش حدود ۱۹/۲۵ درصد کل بوجه دولت را تشکیل می‌دهد.

بزرگترین مشکل توسعه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کره جنوبی، مشکلات مالی است. زیرا به منظور دستیابی به اهداف بلند مدت آموزش عالی و انطباق نظام آموزش عالی با روند سریع توسعه صنعتی، این کشور نیازمند سرمایه‌گذاری گسترده در این بخش است [۱۲].

## ۹- برنامه‌های توسعه و سیاستهای اشتغال‌زایی

کره جنوبی که در سال ۱۹۵۰ بارشد ناخالص ملی سرانه‌ای کمتر از نیجریه و مصر از فقیرترین کشورهای جهان بود، در دهه بعد تلاشهایی را برای رشد و توسعه آغاز کرد. موفقیت کره نیز همانند ژاپن با یک اقتصاد جنگ‌زده آغاز می‌شود. یعنی در شرایطی که حدود دوسوم ظرفیت تولیدی و ۱/۵ میلیون نفر را در جنگ با ژاپن و کره شمالی از دست داده بود. این کشور با منابع طبیعی فقیر، تراکم بالای جمعیت و اقتصاد نابسامان توانست با اتخاذ سیاستهای مناسب یک قرن رشد را به طور فشرده در سه دهه انجام دهد. به طوری که در فاصله سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۴، میزان رشد تولید ناخالص ملی سرانه این کشور در سال ۷ درصد بوده است. دولت کره جنوبی طی سالهای یادشده برنامه‌هایی را برای رشد و توسعه اجرا کرد، به طوری که رشد اقتصاد این کشور بدون وقفه ادامه یافته است. در واقع از سال ۱۹۶۲ یعنی زمانی که توسعه اقتصادی این کشور با جدیت آغاز شد تاکنون از نظر آهنگ رشد اقتصادی در شمار موفق‌ترین کشورهای جهان قرار داشته‌است.

اقتصاد کره جنوبی از مراحل گوناگون با خصوصیات متفاوت عبور کرده‌است که می‌توان آنها را به مراحل زیر تقسیم کرد:

### ۹-۱- استقلال کره جنوبی

اشتغال کره از سال ۱۹۱۰ که بطور رسمی ضمیمه ژاپن شد تا آزادی آن در سال ۱۹۴۵، به طور مستمر ادامه یافت. کره در این دوره تحت اشتغال ژاپن بود و در مدت مذکور هیچگونه رشد و توسعه مهمی صورت نگرفت. ژاپن ابتدا از کره به عنوان منبع تولید محصولات کشاورزی و مواد اولیه برای خود و همچنین بازاری برای کالاهای تولید شده این کشور استفاده می‌کرد. اما در دهه سی (۱۹۳۰) برخی صنایع سنگین و شیمیایی و همچنین صنایع سبک از ژاپن به شبه جزیره کره انتقال یافت. پس از تجزیه شبه جزیره کره و تشکیل دو کره، در بخش جنوبی شماری صنایع سبک برجای ماند که بیشتر آنها در مالکیت ژاپنی‌ها قرار داشت. افزون بر این، کره جنوبی منابع طبیعی محدودی داشت و از نیروی انسانی ماهر زیادی نیز برخوردار نبود، اما بازسازی کره پس از پایان استعمار ژاپن، به دلیل بروز جنگ کره (۱۹۵۰-۳) که موجب نابودی حدود دوسوم ظرفیت تولیدی این منطقه شد، متوقف گردید.



بیش از ۳ میلیارد دلار خسارات زمان جنگ سبب شد تا رشد اقتصادی کره جنوبی در سال ۱۹۵۱، ۱۵/۱ درصد و در سال بعد ۶ درصد تنزل پیدا کند. با این وجود، اقتصاد کره پس از جنگ به شدت احیاء و با قدرت بازسازی گردید.

جنگ سرد نشان داد که کره جنوبی می‌تواند دریافت‌کننده کمک‌های خارجی باشد که اکثر آنها از آمریکا سرچشمه می‌گرفت، هر چند سازمان ملل متحد هم چنین کمک‌هایی به کره کرد. سرزیرشدن جریان سرمایه‌ها به کره، این کشور را قادر به تحمل هزینه‌های مشترک دفاعی و رشد و توسعه کرد. در نتیجه طی سالهای ۵۷-۱۹۵۴، تولیدات صنعتی کره از رشد متوسط معادل ۲۰ درصد برخوردار بود و همچنین اقتصاد این کشور سالانه ۵/۵ درصد رشد کرد. در این دوره تمرکز اصلی و اولویت سرمایه‌گذاری در جایگزینی واردات به وسیله نرخ مبادله ارز بیش از ارزش واقعی و همچنین در پیش گرفتن اقدامات حمایتی بویژه در مورد واردات کالاهای غیر ضروری و غیر حیاتی بود. همچنین در این دوره نفوذ آمریکا و سازمانهای بین‌المللی و جهانی از اهمیت بسیاری برخوردار بود. این در حالی بود که کره از نظر داخلی و خارجی نسبتاً در آرامش بسر می‌برد. مثلاً یک برنامه تثبیت در سال ۱۹۵۷ مشترکاً به وسیله دولت کره و هیات کمک‌های آمریکا در کره جنوبی به اجرا گذاشته شد. در سال ۱۹۵۷ رشد متوسط سالانه کره به ۷/۲ درصد رسید.

در این سالها اصلاحات ارضی نیز بوقوع پیوست و پس از پایان جنگ دوم جهانی دولت نظامی آمریکا حاکم بر کره جنوبی، زمینهایی را که در مالکیت ژاپنی‌ها قرار داشت، به کشاورزان اجاره نشین باز گرداند. اما دولت کره در سال ۱۹۴۹، به اصلاحات دیگری دست زد و به تقسیم زمینهایی پرداخت که از شرکت‌های بزرگ کره‌ای زمینداران و اربابان عمده باز پس گرفته شده بودند.

در پی این اصلاحات در کره جنوبی، در شمال نیز در آغاز جنگ دو کره هنگامی که به کره جنوبی حمله شد، مجدداً اصلاحات ارضی بوسیله کره شمالی صورت گرفت. اهمیت همه این اصلاحات ارضی در توسعه بعدی کره جنوبی از آن جهت بود که موجب تقسیم بخش بزرگتری از درآمدها میان زارعان و همچنین رهایی زمینداران عمده برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و تبدیل آنها به سرمایه داران صنعتی بود.

## ۲-۹- از سیاست جایگزینی واردات تا صنعتی شدن با گرایش

صادرات (۱۹۷۵-۱۹۶۰)

عمر سیاست جایگزینی واردات نسبتاً کوتاه بود و ضمناً سیاست استراتژیک دولت کره جنوبی هم به شمار نمی‌آمد. سیاست دولت کره تا سرنگونی رژیم چنگ دچار مشکلاتی بود. یعنی نه تنها کمک‌های سالانه دولت آمریکا قطع شده بود، بلکه اقتصاد هم تا سال ۱۹۶۱ را کد و کساد بود. رژیم نظامی جدید به ریاست پارک چونگ هی (Park Chung hee)، به رشد اقتصادی به عنوان دومین پایه و اساس مشروعیت خود ابراز تعهد کرد. نخستین پایه مشروعیت آن نیز مبارزه با کمونیسم بود.

دولت کره جنوبی در سال ۱۹۶۰ با توجه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی پس از دو جنگ (ژاپن و کره) با در آمد سرانه ۸۷ دلار و نرخ بیکاری ۱۱/۲ درصد و با هدف ایجاد اشتغال و افزایش در آمد عمومی شروع به اقداماتی کرد.

با شروع این دهه تحت ریاست جمهوری پارک چونگ هی، استراتژی توسعه کره از صنعتی شدن درون نگر (Inward Looking Industrialization) به توسعه برون نگر (Outward looking Export Development) متکی بر صادرات تغییر یافت. این تغییر سیاست جالب بود، زیرا در آن دوران ایدئولوژی غالب در اغلب کشورهای تازه به استقلال رسیده صنعتی شدن با اتخاذ سیاست درون گرای جایگزینی واردات بود.

این دوره شاهد ظهور دولت توسعه مدار بود. این رژیم بر استراتژی صنعتی سازی صادرات محور (با گرایش صادرات) متکی بود. نخستین برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی در سال ۱۹۶۲ آغاز گردید. در این برنامه رشد بر محور صادرات جایگزین سیاست جایگزینی صادرات شد که دچار ۲ مشکل کمبود منابع طبیعی و بازار کوچک داخلی شده بود. توسعه صنعتی بر محور صادرات در جو اقتصادی مساعد جهانی و با کمک اضافی آمریکا که بازارهایش را بر روی واردات از کره جنوبی که متحد سوق الجیشی و راهبردی آن به شمار می‌رفت، آغاز گردید. در حالیکه صنایع ابتدایی و اولیه در دهه ۱۹۵۰ اهمیت خود را از دست می‌دادند، اما روند کاهش اهمیت آنها از اواسط دهه ۱۹۶۰ تسریع و شدت یافت.

خصوصیت دیگر در روند و عملکرد رشد کره به ویژه در دهه ۱۹۶۰، اتکای نسبی بیشتر دولت بر استقراض به جای سرمایه گذاری مستقیم خارجی به منظور تأمین سرمایه گذاری بود. در حالیکه در سایر کشورهای تازه صنعتی شده آسیای شرقی اتکای دولت بر استقراض به منظور

سرمایه گذاری کمتر از کره جنوبی بود. سرمایه گذاری خارجی به شدت کنترل می شد و فقط به بخشهای مخصوص و برگزیده ای اختصاص داده می شد، زیرا دولت کره جنوبی از تسلط بیگانگان بر اقتصاد این کشور هراس داشت و معتقد بود که کنترل و نظارت بر عملکرد شرکت های چند ملیتی دشوارتر از نظارت و کنترل بر شرکتهایی است که تحت مالکیت اتباع این کشور قرار دارند. استفاده از شیوه استقراض منجر به بروز دشواریهایی در باز پرداخت اقساط وامها تا اوایل دهه ۱۹۸۰ شد که استفاده از استقراض خارجی قاطعانه و به نحو قابل توجهی کاهش داده شد.

جدول شماره ۱۰- سهم بخش های صنعتی در تولید ناخالص داخلی کره جنوبی

سال	اولیه	ثانویه	ثالث
۱۹۶۶	۳۴/۸	۲۰/۵	۴۴/۷
۱۹۷۱	۲۶/۸	۲۳/۲	۵۱/۰
۱۹۷۶	۲۳/۵	۲۸/۴	۴۸/۱
۱۹۸۱	۱۵/۶	۳۱/۳	۵۳/۱
۱۹۹۶	۱۱/۵	۳۲/۶	۵۵/۹
۱۹۸۹	۱۰/۲	۳۱/۹	۵۷/۹
۱۹۹۲	۷/۴	۲۸/۱	۶۴/۵

مأخذ: بانک کره (به نقل از سازمان خدمات اطلاعات خارجی کره)

یک منبع عمده اصلی پویایی در مرحله جدید معجزه اقتصادی کره جنوبی همانند مراحل بعدی بود که در آن هیأت برنامه ریزی اقتصادی که به تازگی تأسیس شده بود اختیار و توانایی ابتکار و نوآوری داشت، طرحها و برنامه های اقتصادی را هماهنگ و به اجرا در آورد. گذر کره جنوبی از مرحله انتقال به مرحله صنعتی شدن صادرات محور از طریق پرداخت و اختصاص یارانه مستقیم به برخی اقلام صادراتی و در همان حال اختصاص دادن وامهای ترجیحی به همه صنایع صادراتی میسر و امکان پذیر گردید. تعیین اهداف صادراتی در برخی بخشها و سایر اقدامات و ابتکارات برای افزایش و گسترش صادرات به اجرا گذاشته و پیشرفت این برنامه ها تحت نظارت قرار گرفت. دولت کره جنوبی همچنین با کاهش دادن ارزش وون به میزان صد درصد و جایگزینی نظام مبادله و خرید و فروش ارز دوبرخی به جای نظام تک نرخی به مبادله ارز، صادرات را تقویت کرد. کنترل و نظارت دولت بر نحوه و چگونگی اختصاص و هزینه بودجه، منابع خارجی و سایر اعتبارات دولت را به

بازیگر اصلی در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری تبدیل کرد که منجر به نقش عمده دولت در هدایت اقتصاد و تعیین جهت و مسیر آن گردید.

دولت در دومین برنامه ۵ ساله، صادرات کالاها و محصولات تولید شده در کره جنوبی را به عنوان موفقترین بخش شناخته و تصمیم گرفت که در آینده در این بخش سرمایه‌گذاری نماید. همچنین وام‌های یارانه‌ای به چائوبول (chaebol) که یک شرکت چند پیشه‌ای کره‌ای عظیم بود اختصاص یافت. برنامه کلان شیمیایی و توسعه صنعتی (HCZP) درست پس از روی کار آمدن و استقرار رژیم یوشین که مخالف پارک رئیس جمهوری پیشین بود به همراه دادن آزادیهای سیاسی و کارگری آغاز گردید.

سومین برنامه ۵ ساله (۶-۱۹۷۲) که بر صنایع سنگین HCZP تاکید داشت در سال ۱۹۷۳ شروع به سرمایه‌گذاری در ۶ صنعت راهبردی یعنی فولاد، الکترونیک، پتروشیمی، کشتی‌سازی، ماشین‌سازی و فلزات غیر آهنی نمود.

صنعت اول به خاطر پیشبرد سیاست **”خودکفایی در مواد خام صنعتی“** و ۳ صنعت دوم به دلیل تبدیل آنها به **”صنایع تکنولوژی بر“** توسعه یافته انتخاب شدند. دولت کره جنوبی همچنین برای هر کدام از صنایع مذکور قانون گسترش ویژه آن را تصویب کرد.

هزینه اجرای این طرح از طریق یک صندوق ملی سرمایه‌گذاری تامین می‌شد که اختصاصاً برای این منظور و با هدف بسیج و انگیزش بودجه‌ها و صندوق‌های بازنشستگی شاغلان و نسبت زیادی از پس اندازهای خصوصی ایجاد شده بود. اما هدف تولیدات HCZP که تولید بالغ بر ۵۰ درصد کالاهای صادراتی تا سال ۱۹۸۰ بود، تا سال ۱۹۸۳ تحقق نیافت، هر چند پس از آنهم بحث وجدل بر سر موفقیت این طرح ادامه یافت. همزمانی دوره اجرای HCZP با نخستین شوک نفتی منجر به تعدیل استراتژی صادرات محور در کره جنوبی گردید. همچنین در ترکیب صادرات کالا بازسازی و تجدید نظر به عمل آمد به گونه‌ای که اولویت به صادرات کالاها و تولیدات با ارزش افزوده بیشتر داده شد و همزمان با آن در شرکای تجاری کره تغییراتی داده شد و انگیزشهایی برای تولید محصولات کشاورزی داخلی در نظر گرفته شد.

در طول این دوره مداخله دولت حتی گسترده‌تر گردید. انگیزه‌ها فقط مختص صنایع نبود بلکه گاهی فقط به شرکت‌های تجاری و بازرگانی اختصاص داده می‌شد. پارک رئیس جمهوری کره هم اقدام به تشکیل ائتلافی با چائوبول کرد و سرمایه‌های داخلی و خارجی را با بهره‌ارزان و سایر تشویق‌ها و انگیزه‌ها به آن اختصاص داد. حتی برخی وام‌هایی که در این راستا داده می‌شد، با نرخ بهره منفی پرداخت می‌شد. البته دولت توسعه‌ای کره در اواخر دهه ۱۹۷۰ در قویترین و نیرومندترین موقعیت خود بود. براساس این سیاستها، دولت به شرکتهایی که کارآیی خوبی داشتند، پاداش می‌داد

وشرکتهای فاقد کارآیی یا آنهایی که توان دستیابی به اهداف تعیین شده برای تولید را نداشتند، را تنبیه می‌کرد.

اما با گذشت ۱۵ سال متوجه شد که سیاستهای مذکور نه تنها کار آمد نبوده بلکه باعث افزایش اختلاف طبقاتی و گسترش نارضایتی عمومی نیز شده است. از این رو در سال ۱۹۷۵، سیاستهای مذکور را کنار گذاشته و از آنها عقب نشینی نمود.

### ۳-۹- مرحله سوم توسعه (۱۹۷۵-۸۵)

مقامات کره جنوبی به دنبال شکست سیاستهای مرحله اول توسعه با استفاده از الگوها و تجارب کشورهای هندوستان و ژاپن سیاستهای جدیدی را اتخاذ نمودند. براساس این سیاستها رشد صنایع بزرگ را کاهش داده و به حمایت و توسعه صنایع کوچک اشتغالزا پرداختند. آنها همچنین مبادرت به گسترش فرهنگ توسعه صنعتی در سطح کشور نمودند. در نتیجه این سیاستها در مدت یک دهه موفق به کاهش اختلاف طبقاتی و نرخ رشد بیکاری شدند.

در سال ۱۹۸۰، اقتصاد کلان به سمت ساختاری که در دراز مدت بتواند خود را با مشکلات تطبیق دهد، سوق داده شد. در این راستا یک سری اصلاحات در ساختار اقتصاد این کشور صورت گرفت. براساس این اصلاحات به تدریج برخی محدودیتها در زمینه‌های واردات کاهش پیدا کرد و تعرفه‌های یکسان برای اجناس مختلف وارداتی اعمال شد.

اصلاحات مالی در زمینه خصوصی سازی بانکها، اعطای استقلال داخلی برای عملیات گسترده تر توسط بانکها و ایجاد یک سری ابزارهای متنوع مالی متفاوت با سیستمهای عادی و معمول نرخ بهره و مدیریت همراه بود.

### ۴-۹- مرحله چهارم توسعه (۱۹۸۵-۹۵)

موفقیتهای حاصله از مراحل دوم و سوم توسعه و سازگار بودن سیاستها با اهداف توسعه در آن مرحله، سیاستگذاران توسعه کره جنوبی را بر آن داشت که با توجه به نقش و اهمیت صنایع کوچک در توسعه این کشور به حمایت از آنها پردازند. دولت با فرصت دادن به بخش خصوصی و منضبط سازی شرکتهای منفرد، سعی کرد فرآیند صنعتی شدن را هدایت کند.

از این رو با تصویب اصولی در قانون اساسی این کشور دولت مسئول حمایت و پشتیبانی همه جانبه از صنایع متوسط و کوچک در کشور شناخته شد.

بدین ترتیب توسعه صنایع کوچک به عنوان یکی از سیاستهای موفق کره جنوبی شناخته شد و با عنایت به چرخه توسعه (اهداف، سیاستها، منابع و امکانات) موجود در حدود ۳۸ مؤسسه سازمان حمایت از صنایع کوچک در این کشور ایجاد شد [۴]. هدف دولت کره جنوبی در این مرحله انتقال یک کشور سریعاً در حال توسعه به یک کشور توسعه یافته جدید است.

در اواسط دهه ۱۹۸۰، سیاست صنعتی براساس توسعه صنایع با تکنولوژی بالا و ارزش افزوده مورد توجه قرار گرفت و سیاست صنعتی به سوی علوم و تکنولوژیهای جدید مورد هدف قرار گرفت و براین اساس تلاشها بر روی گسترش صنایع میکرو الکترونیک و بیوتکنولوژی متمرکز گردید.

در اوایل دهه ۱۹۹۰ نیز سیاستهای صنعتی بر روی کمک به واحدهای تحقیق توسعه R&D توسعه منابع انسانی متمرکز شد. در واقع خطوط ترسیم شده سیاستهای صنعتی و تجاری براساس سیاستهای سازمان تجارت جهانی و آپک بوده است. در راستای این سیاستها در سال ۱۹۹۴، هفت دانشگاه ایجاد شد که صرفاً به امر تربیت مدیران کار آفرین (Entrepreneur) و مدیران صنعتی در صنایع متوسط و کوچک در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری می پرداختند.

کره جنوبی در سال ۱۹۹۵ با رشد سرانه ناخالص ملی که فقط ۴۰ درصد بیشتر از میانگین آن در OECD (Organization of Economic Cooperation and Development) بود، به عضویت این سازمان اقتصادی درآمد.

بدون تردید اقتصاد کره جنوبی برای ادامه حیات نیاز به رقابت آزاد واز بین بردن موانع حمایتی در مقابل کشورهای رقیب خود دارد. این امر مستلزم آن است که دانشگاهها اشخاصی را تربیت نمایند که دارای دانشها و مهارتهای تکنولوژیکی در سطح رقبا باشند.

خلاصه سیاستهای توسعه کره جنوبی و همچنین نتایج آنها در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۱۱- خلاصه اهداف و سیاستهای توسعه کره جنوبی در طی سه مرحله

مرحله اول ۱۹۷۵-۱۹۶۰	مرحله دوم ۱۹۸۰-۱۹۷۵	مرحله سوم ۱۹۹۴-۱۹۸۰
<b>اهداف:</b>	<b>اهداف:</b>	<b>اهداف:</b>
۱- فقرزدایی و بالا بردن رفاه عمومی	۱- فقر زدایی	۱- توسعه صادرات صنعتی
۲- اشتغال زایی	۲- توسعه صنایع در تمام نقاط کشور	۲- ایجاد توازن و تعادل در بخشهای اقتصادی، منطقه ای و صنایع
	۳- خودکفایی داخلی	۳- ایجاد رفاه عمومی
<b>سیاستها:</b>	<b>سیاستها:</b>	<b>سیاستها:</b>
۱- ایجاد و توسعه صنایع بزرگ زود بازده	۱- ایجاد صنایع کوچک اشتغالزا به صورت فراگیر	۱- ایجاد و توسعه صنایع کوچک و تکنولوژیهای پیشرفته
۲- ایجاد و گسترش خدمات زیربنایی و جذب سرمایه های خارجی	۲- رکود آهنگ رشد صنایع بزرگ و کمک به توسعه صنایع کوچک	۲- فراگیر کردن انجام پیمانکاریهای فرعی صنایع کوچک و متوسط با صنایع بزرگ
	۳- زمینه سازی برای تقویت پیمانکاریهای فرعی کوچک و متوسط با صنایع بزرگ	۳- استقبال از سرمایه گذاریهای خارجی و چند ملیتی
<b>نتایج:</b>	<b>نتایج:</b>	<b>نتایج:</b>
۱- افزایش اختلافات طبقاتی	۱- کاهش اختلاف طبقاتی	۱- افزایش در آمد سرانه از ۸۱ دلار در سال ۱۹۶۰ به ۱۰۰۰۰ دلار در سال ۱۹۹۴
۲- افزایش رشد بیکاری به ۱۱/۲٪	۲- کاهش فرهنگ صنعتی در کشور	۲- تخصیص ۴۵ میلیارد دلار از ۱۰۰ میلیارد دلار صادرات در سال ۱۹۹۴ به صنایع کوچک و متوسط
	۳- کاهش نرخ رشد بیکاری	۳- کاهش نرخ بیکاری از ۱۱/۲٪ در سال ۱۹۶۰ به ۱/۹٪ در سال ۱۹۸۸
		۴- بازگشت ۹۹/۸٪ محققین و صاحب نظران بنام کره ای به کشور

## ۵-۹- علل گرایش مردم به سوی آموزش

ریشه مشترک تقاضای زیاد برای ادامه تحصیل در کشورهای آسیای شرقی را می‌توان در میراث چینی آن جستجو کرد. براساس عقاید متداول و سنتی علت این امر وجود زمینه مشترک کنفوسیوس است که براساس آن اشخاص تحصیل کرده از احترام، مقام و مرتبت بالایی برخوردارند. هر چند بدون شک این عامل موثر است و در واقع تلاش برای دسترسی به آموزش را می‌توان نقطه مرکزی این عقیده و فلسفه دانست. به نظر می‌رسد علل اجتماعی و اقتصادی دیگری نیز در این مورد از اهمیت برخوردار باشند. نظام طبقاتی قدیمی، سنتی و کهنه کره در دوره استعمار و اشغال ژاپن و سپس جنگ دو کره عمده‌تاً نابود شد و فرو ریخت و موجب یکدستی و یکسان شدن بیشتر جامعه شد. بنابراین آموزش و تحصیل به مسیر و راهی قابل دسترسی برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی تقریباً همه مردم کره شد. البته به شرط اینکه بتوانند در مدرسه پیشرفت کرده و والدینشان توانایی مالی پرداخت هزینه‌های تحصیلات و آموزش آنها را داشته باشند.

همچنین جنبه تساوی انسانها در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که بطور نسبی در رشد اقتصادی کره جنوبی وجود داشت، موجب تمرکز سرمایه انسانی شد و به این ترتیب آموزش منبع عمده‌ای برای تشکیل طبقات گردید. همزمان با این امر، اعتقاد به تساوی انسانها در همه امور موجب برانگیختن مردم و تبدیل به راهی برای یافتن سود جهت پرداختن هزینه‌های آموزش بیشتر شد. حصول اطمینان از میزان تأثیر تمایل اجتماعی برای آموزش بطور مستقل در رشد آموزشی دشوار است، زیرا تقاضای اجتماعی با انگیزه‌های اقتصادی مرتبط است.

هر چند ورود به دانشگاه و وارد شدن در سلک دانشجویان، نشانه قابل توجهی از پرستیژ اجتماعی است، اما علاوه بر این امنیت مالی و اقتصادی نیز برای افراد به ارمغان می‌آورد. همچنین تقاضای صنایع و تجارت کره جنوبی و میزان جذب دانش‌آموختگان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی نیز ناشی و وابسته به همان نظام است که به قابلیت‌های دانشگاهی، ارزش بالایی می‌دهد. در بیشتر ۳۰ سال گذشته پیشرفت سریع در چابول مشخصاً با آموزش رسمی دانشگاه مرتبط بوده است.

دو پیامد این تقاضای برجسته اجتماعی برای تحصیل عبارتند از:

۱- میزان بالای اختصاص بودجه بخش خصوصی برای آموزش، در حالی که دولت در سال ۱۹۹۵، میزان ۳/۷ درصد تولید ناخالص ملی را صرف هزینه‌های مدارس و دانشگاهها کرد. والدین نیز بصورت شهریه و کمک مالی ۲/۱ درصد دیگر بر این میزان افزودند و ۶ درصد دیگر نیز به صورت



شهریه خصوصی پرداخت شد. به طوری که دولت موفق شد حتی میزان کمتری صرف آموزش کند. براساس اعلام وزارت آموزش و پرورش کره جنوبی و مؤسسه توسعه آموزشی کره جنوبی (۱۹۹۶) اختصاص بودجه زیاد از سوی بخش خصوصی احتمالاً به دلیل هزینه ناکافی عمومی برای این منظور باشد. هر چند این وزارتخانه اکنون می‌گوید که «خصوصی سازی بیش از حد» در بخش آموزش صورت گرفته است. زیرا در گذشته از نظر دولت تمایل بخش خصوصی و والدین برای تأمین هزینه تحصیلات در روند توسعه مفید بود.

امروزه دولت کره جنوبی در صدد است که منابع مالی‌اش را به سایر اولویت‌های ملی از جمله توسعه اقتصادی یا دفاع بدون تأثیر منفی بر آموزش اختصاص دهد.

در این میان کودکان، نوجوانان و جوانان نیز با اختصاص مدت بیشتری از عمر خود به تحصیل به دلیل طولانی بودن ساعات کارمدارس و درس خواندن در منزل به نسبت استانداردها و معیارهای غربی، سهم خود را در این روند آموزش ادامی کنند.

۲- یکی از مثبت‌ترین پیامدهای در خواست و تقاضای زیاد برای آموزش این است که به منظور وارد کردن دانشجویان به ثبت نام در برنامه‌های آموزشی انتخاب استراتژیک خود (که نوعاً علوم تجربی و عملی را ترجیح می‌دهند)، اغلب فقط به تغییر تقاضا به وسیله محدود کردن آن و یا تغییر مسیر آن به سوی بخشهای مورد نظر اقدام می‌کنند. تغییر مسیر یک تقاضا در بیشتر اوقات باید آسانتر از تحریک و تشویق افراد غیر علاقمند در مرحله نخست باشد.

بهر حال چند مشخصه نیز در این میان وجود دارد که در نظام آموزشی کره به تقاضای زیاد اجتماعی بستگی دارد ولی از محبوبیت کمتری برخوردار است که از جمله می‌توان به مدرک‌گرایی، شبکه‌های دانش آموزان بزرگسال، طرح و برنامه آموزش در کلاس‌های بزرگ و یادگیری با استفاده از انگیزه امتحانات و آزمونهای رقابتی اشاره کرد. این عوامل همگی از جمله دلایل اصلاحات عمده در نظام آموزشی کره جنوبی در حال حاضر است [۱۱].

## ۶-۹- روابط میان آموزش و رشد و توسعه اقتصادی

در حالی که در بیشتر کشورها به ویژه آنهایی که در زمره نخستین و دومین گروه کشورهای صنعتی بودند، تحصیلات و نظام آموزش و پرورش به طور نسبی از رشد و توسعه اقتصادی جدا و منفک بودند، خصوصیت مشخص مهارت آموزی در اقتصاد کشورهای تازه صنعتی شده آسیای شرقی نزدیکی و همراهی روابط میان دو نظام تحصیلات و رشد و توسعه اقتصادی است.

تشکیلات نهادی تحت نظارت و کنترل یک سازمان دولتی برنامه‌ریزی اقتصادی است که سیاستها و خط مشی‌های مناسب برای دستیابی به اهداف برنامه اقتصادی را هماهنگ می‌کند. سیاست مهارت آموزی همانند خط مشی‌ها و سیاستها در سایر حوزه‌ها به وسیله گروه کوچکی از نخبگان سیاسی و دیوانسالار هدایت ورهبری می‌شود. هدف این بخش شناسایی نهادهای اصلی در کره جنوبی است که مسؤول ترکیب دونهظام هستند.

یک جنبه مهم نظامهای آموزشی میزان کنترل و نظارت است. هدف اصلی نیروهای اشغالگر آمریکا در کره، حرکت به سوی نظام تمرکز زدایی تحصیلات با انگیزه رواج ارزشهای لیبرال دمکرات بود. اما حتی با آغاز نخستین جمهوری در سال ۱۹۴۸، نظارت و کنترل تحصیلات به دولت مرکزی سپرده شد.

در دهه ۱۹۶۰، دولت پارک چونگ‌هی، کنترل و نظارت مطلقه را بر سیاستگذاری آموزشی همزمان با تاسیس حکومت توسعه‌ای تقویت کرد. کنترل تحصیلات همگانی و فنی و حرفه‌ای به وزارت آموزش و پرورش (MOE) محول شد، در حالی که وزارت کار (MOL) بر آموزشهای فنی و حرفه‌ای نظارت داشت. کنترل و نظارت متمرکز علاوه بر مدارس و دانشکده‌های عمومی و همگانی، بخش خصوصی را نیز از طریق قانون مدرسه خصوصی در برمی گرفت و شامل روشهای پذیرش، ثبت نام، سهمیه‌های دانش آموزی، شهریه آموزش و مقررات سفت و سخت درباره برنامه‌های درسی و آموزشی، انتشار کتاب درسی، درآمدها و هزینه‌ها می‌شد.

از تمرکز به عنوان وسیله‌ای برای اجرای یک سیاست جامع نیروی انسانی استفاده شد، ولی چگونه سیاستهای توسعه‌ای توانایی تأثیر گذاشتن بر سیاستهای آموزشی و تحصیلی را پیدا کردند؟ سیاست نیروی انسانی تا چه اندازه دقیق بود و چگونه هماهنگ و اجرا شد؟ پاسخ این سؤالات در مشخصات و خصوصیات نهادهای دولت توسعه‌ای نهفته است.

هیأت برنامه ریزی اقتصادی (EPB) در سال ۱۹۶۱ به عنوان هسته مرکزی اصلی ساز و کار دولت توسعه تشکیل شد و از آن زمان به عنوان نهاد اصلی در دولت توسعه‌ای کره باقی ماند. در این هیأت عملکردهای مختلف وزارتخانه‌های گوناگون در هم ادغام شد. این هیأت، مسؤولیتهای برنامه ریزی و طراحی را از وزارت بازسازی، بودجه بندی به شکل دفتر بودجه از وزارت دارایی و اداره آمار را از وزارت کشور گرفت.

نهاد EPB سه نقش اصلی داشت: برنامه ریزی و طراحی و تنظیم و تدوین برنامه‌های خط مشی اقتصادی، هماهنگ کردن سیاستهای اقتصادی و سایر سیاستهای وزارتخانه‌ها و ارزیابی برنامه‌های اجرایی وزارتخانه‌ها. از آنجا که این نهاد به منظور مجزا کردن آن از سایر وزارتخانه‌ها

ادارات "Board" نامیده می‌شد، نقش عمده و مهمی در تدوین و تهیه برنامه برای کره جنوبی از جمله برنامه‌های مهارت آموزی داشت.

نهاد EPB بطور اخص، تدوین و تهیه کننده برنامه‌های اقتصادی ۵ ساله بود. طرحهای مهارت آموزی با توجه و هماهنگی با طرحهای توسعه اقتصادی تهیه می‌شد. این امر از طریق ترتیبات ویژه نهادی و سازمانی قابل دستیابی بود که در آن EPB، برنامه ریز و طراح، هماهنگ کننده و ارزشیابی کننده سایر وزارتخانه‌ها بود و به دلیل وضعیت توسعه اقتصادی (با دفاع ملی) به عنوان هدف اصلی دولت محسوب می‌شد.

در زمینه مهارت آموزی، نهادهای دولتی مرکزی ذیل برای تهیه و تدوین خط مشی مشارکت داشتند: هیأت یا سازمان برنامه‌ریزی اقتصادی (EPB)، موسسه توسعه کره (KDZ)، موسسه توسعه آموزشی و تحصیلی کره (KEDZ) و موسسه علوم و فناوری پیشرفته کره (KAIST)

این نهادها در برنامه ریزی استراتژیک و پژوهش دخیل هستند. نهاد اول پشتیبان EPB و نهاد دوم پشتیبان MOE است. KDZ به وسیله پارک چونگ‌هی رئیس جمهوری وقت کره جنوبی برای تأمین پشتیبانی نظری از سیاستهایش تأسیس شد. طرح نیروی انسانی هسته مرکزی روند برنامه ریزی اقتصادی در چهارچوب EPB بود. این سازمان یک آژانس نیروی انسانی است که با MOE، MOL و وزارت علوم و فناوری در باره ماهیت برنامه‌ریزی نیروی انسانی مشاوره می‌کرد. برنامه ریزی نیروی انسانی براساس تحلیلها بود. ولی در مورد اینکه همیشه پیش‌بینی‌ها در مورد نیروی انسانی مورد توجه و پیگیری MOE قرار می‌گرفت، شک و تردید وجود دارد.

نقش هماهنگ کننده EPB در آموزشهای فنی و حرفه‌ای حیاتی و بسیار مهم بود و آموزش بین وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و کار به ترتیب تقسیم می‌شد. افزون بر این سازمانها و نهادهای اجرایی، شوراهای مشورتی نیز به تحکیم بیش از پیش امور اجرایی می‌پرداختند. این نهادها و سازمانها نوعاً به تشریح و روشن کردن مفهوم ارتباط میان سیاستگذاری آموزشی با برنامه‌ریزی اقتصادی می‌پرداختند. یکی از این نهادها، کمیسیون اصلاحات آموزشی ریاست جمهوری (PGER) بود. این کمیسیون در سالهای اخیر از نفوذ زیادی برخوردار بود.

با اینکه این ساختار نهادی به مدت سه دهه باقی ماند، ولی در آن دگرگونی‌ها و تغییراتی بوجود آمد که ناشی از برقراری دموکراسی سیاسی، نوگرایی و مدرنیزاسیون اقتصادی بود.

قدرت EPB در دهه ۱۹۹۰ کمتر از سالیان قبل از آن بود، گرچه کاهش قدرت آن به اندازه‌ای نبود که دولت کره می‌خواست به سازمان تجارت جهانی (WTO) و سایر کشورهای عضو OECD بقبولاند و بیاوراند.

عادی سازی عملکردها و کارکردهای EPB هنگامی مشخص و آشکار شد که در سال ۱۹۹۴ با وزارت دارایی ادغام و تبدیل به وزارت دارایی و اقتصاد (MOFE) گردید. اختلافات و ناهماهنگی‌ها میان وزارتخانه‌ها از این پس آشکار گردید، در حالی که تا قبل از آن وزارتخانه قدرتمندتر می‌توانست این اختلافات را سرکوب و پنهان کند. در همین حال MOFE هنوز هم قدرت و برتری قابل ملاحظه‌ای بر سایر وزارتخانه‌ها داشت. مثلاً در مورد اصلاحات آموزشی اخیر که با پیشنهاد MOE اجرا شد، MOFB، به شدت کارکنان وزارت آموزش و پرورش را به اجرای این اصلاحات ترغیب کرد و آشکار بود که انتظار اطاعت گسترده آنان را از در خواست خود داشت.

ارتباط میان برنامه‌ریزی اقتصادی و آموزشی برای برآورده کردن نیازهای آتی در مورد نیروی انسانی وجود داشت، اما این ارتباط تنها در صورتی می‌توانست نتیجه بخش باشد که ابزاری برای به اجرا در آوردن نیازها وجود داشته باشد. اما در مورد کره جنوبی تقاضای زیاد برای تحصیل، کار و اشتغال را محدود کرد و موجب هدایت این تقاضاها از طریق کاربرد سهمیه‌ها (سهمیه بندی) براساس پیش‌بینی از روی طرحهای نیروی انسانی گردید. این امر از طریق نظارت و کنترل متمرکز MOE برآموزشهای خصوصی و همگانی که قبلاً ذکر شد، امکان پذیر گردید.

اجرای طرح سهمیه بندی از طریق ثبت نام در مدارس و دانشگاهها و نظام برگزاری آزمون بود. همچنین از اختصاص بودجه گزینشی برای گسترش برخی رشته‌های ویژه درسی نیز برای این منظور استفاده شد. مثلاً، اکنون که تاکید بر فن‌آوری مبادله اطلاعات است، بودجه مربوط به این بخش افزایش داده می‌شود و در همان حال بودجه بقیه بخشها و قسمتها محدود می‌گردد. همچنین کاربرد سهمیه بندی ورودی در مورد دوره تحصیلی و رشته درسی نیز گسترده است. سهمیه بندی‌ها براساس در خواست و تقاضاهای وزارتخانه‌های مختلف تعیین می‌شود که میزان نیاز خود را به نیروی انسانی پیش‌بینی و اعلام می‌کنند. مثلاً وزارت علوم و فناوری (MOST) به وزارت آموزش و پرورش (MOE) برای مبادله و تغییر سهمیه‌های علمی همکاری کرد و در همان حال وزارت صنایع و بازرگانی خواستار تغییر در سهمیه‌ها برای برخی حوزه‌های ویژه صنعتی گردید. البته MOE این در خواستها را براساس و با توجه به استراتژی جامع و کلی بررسی و تصمیم گیری می‌کند.

بنابراین در بیشتر سالیان پس از جنگ کره، دولت کره از نهادها، قدرت و ابزارهای سیاستگذاری و قانونی برای برقراری ارتباط میان عرضه افراد تحصیل کرده و کارگران ماهر و تغییر نیازهای اقتصادی این افراد بهره برداری می‌کرد. نقش دولت تنها منحصر به مداخله در یک موقعیت بخصوص که بازار اقتصاد دچار رکود شده بود، نمی‌شد، بلکه دولت برای برقراری رقابت میان عرضه و تقاضا بوسیله برقرارکردن کنترل استراتژیک بر هر دو سوی بازار تلاش می‌کرد [۱۱].

## ۷-۹- نقش نیروی انسانی در رشد و توسعه

همگان بخوبی آگاهند که کره جنوبی وضعیت انتقالی را از جنبه اقتصادی در چند دهه اخیر تجربه کرده است که در ضمن آن نرخ رشد سرانه در حدود ۷ درصد در سال از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۹۰، وضع این کشور را از فقر گسترده به ثروت و برتری مادی رسانده است. همچنین رشد نظام آموزشی کره در این دوره کاملاً آشکار و مشهود است.

میانگین دسترسی به آموزش (براساس سالهای تحصیل در مدرسه) در میان نیروی کار کره جنوبی در حال حاضر حتی از بسیاری از کشورهای صنعتی غرب نیز فراتر رفته است. معمولاً این دو واقعیت را رویهمرفته با لغت ساده "معجزه" توصیف می کنند و قابل توجه است که رشد ناشی از نیروی انسانی بوده است. بررسی دقیقتر نشان می دهد که عوامل بسیار دیگری از جمله افزایش سرمایه به دلیل میزان بالای پس انداز مردم نیز در رشد اقتصادی این کشور موثر بوده است و نمی توان تنها به استدلال ساده برگرفته از روابط متقابل که قابل مشاهده است، بسنده کرد.

به منظور بیان میزان اهمیت سرمایه نیروی انسانی برای کره جنوبی، از روشهای محاسبه رشد برای ارزیابی عوامل گوناگون موثر بر تولید و پیشرفت فنی در افزایش رشد استفاده شده است. نتایج این بررسیها نشان داده است که در کره جنوبی میزان مشارکت نیروی انسانی در سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۲ بیش از ۷ درصد مجموع رشد یا در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰، ده درصد رشد بوده است. بقیه عوامل رشد در کره جنوبی ناشی از رشد سایر عوامل (عمدتاً سرمایه مادی) و باقیمانده رشد فنی دانسته شده است.

این یافته، هم ارز و معادل یافته های حاکی از نقش بسیار کوچکتر برای سرمایه انسانی با استفاده از روش محاسبه رشد در سایر اقتصادها است.

با این حال، بررسیهایی که برای محاسبه رشد شده شامل راههایی نمی شود که در آنها سرمایه انسانی موجب گسترش و افزایش سرمایه مادی و همچنین دستیابی به پیشرفت فنی می گردد. این در حالی است که برای هر دو این عوامل از لحاظ تجربی، نقش اساسی در نظر گرفته شده است. برخی از شواهد بر این موضوع تاکید می کند که ثبت نام در مدارس ابتدایی و راهنمایی در مراحل نخست صنعتی شدن از اهمیت بخصوصی برخوردار است و حتی بانک جهانی نیز این موضوع را به عنوان یک نکته بسیار مهم پذیرفته است (بانک جهانی ۱۹۹۳). هر چند روابط متقابل میان عوامل گوناگون که در رشد و توسعه مشارکت دارد بسیار مهم و حیاتی است ولی ارزیابی و محاسبه دقیق آنها بسیار دشوار است.

با اینکه نظریه نقش عمده آموزش و پرورش در معجزه اقتصادی کره جنوبی از نظر تجربی و عملی اثبات شده است، اما بررسی شاخص‌های اقتصادی بخصوص کره جنوبی برای این کار کافی نبوده و از نتایج گردآوری شده از شمار زیادی از کشورها این امر امکانپذیر گردیده است. با این حال استفاده از روشهای بررسی شاخصهای اقتصادی هنوز نتوانسته پیچیدگیهای روابط و ارتباط پویای میان سرمایه انسانی و رشد اقتصادی را آشکار سازد. به نظر می‌رسد متغیر اصلی و اساسی میزان و سطح ثبت نام برای تحصیل در آغاز دوره صنعتی شدن و یا برخی مقیاس‌های سرمایه‌های انسانی در یک مقطع زمانی باشد، ولی ما نمی‌توانیم از این تحقیقات به اهمیت تناسب بین سطح و نوع سرمایه انسانی نسبت به اقتصاد در مراحل گوناگون دوره رشد و توسعه پی ببریم. همچنین این عوامل نمی‌توانند راه حل مسأله عمده اصلی یعنی چرائی و چگونگی دستیابی به گسترش وسیع سرمایه انسانی را آشکار نمایند. هدف این بخش مشارکت در دانستن و درک منشاء های شکوفایی نیروی انسانی در کره جنوبی با استفاده از مدل مهارت آموزی مبتنی بر رشد و توسعه است. بدین منظور نقش نیروی انسانی متخصص در رشد و توسعه کره جنوبی بررسی می‌شود:

در حالی که مشخصات و خصوصیات کره جنوبی و سنگاپور از برخی جنبه‌های مهم نظیر گذراندن دوره پس از استعمار و نیاز به بقا و ادامه حیات همزمان و در میان تهدیدهای خارجی مشترک است، اما کره جنوبی نمونه‌ای از کشور بسیار بزرگتر است که می‌توان در آن به بررسی چگونگی تاثیر و کارکرد این مدل پرداخت. افزون بر این کره جنوبی در سال‌های دهه ۱۹۵۰، کشور بسیار فقیری بود و حتی تا سال ۱۹۶۰، در آمد سرانه آن تنها یک سوم در آمد سرانه سنگاپور در همین دوره بود. باید توجه داشت که کشورهای به شدت توسعه نیافته نه تنها مجبور به رویارویی با محدودیت‌های ساختاری داخلی به منظور جهش صنعتی هستند، بلکه باید از محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از ارتباطشان با اقتصاد کشورهای بزرگ و سرمایه داریهای بین‌المللی فراتر روند. طرفداران مکتب‌های وابستگی معتقدند که اقتصادهای سرمایه‌داری بین‌المللی باقی خواهند ماند، هر چند طرفداران توسعه وابسته (گولد ۱۹۸۶) مجاز به تحرک به سوی بالا هستند. برای مثال ژاپن و اقتصادهای تازه صنعتی شده آسیای شرقی مبارزه گسترده‌ای را با وابستگی‌ها آغاز کردند.

گرشنکرون در دهه ۱۹۶۰، امتیازها و مزایای توسعه صنعتی را به شرطی که دولت به عامل اصلی جمع‌آوری سرمایه از جمله گردآوری جدیدترین فن‌آوری و روشهای نمونه برداری و کپی برداری سیاست صنعتی باشد، به صورت مفصل بیان کرد. آیس آمسدون (۱۹۸۹) در تجزیه و تحلیل مفصل و معتبرش که براساس نظریه گرشنکرون اجرا شد، از نمونه صنعتی شدن کره که به صورت گرفتن فن‌آوری از سایر کشورها بود، استفاده کرد. این نگرش می‌تواند بیشترین راهنمایی‌ها را برای

توسعه نهادهای مهارت آموزی و به تبع آن اهمیت مهارت آموزی در مرکز برنامه‌ها و طرحهای توسعه اقتصادی به ما ارائه دهد. نقطه تمرکز استدلال آمسدون براین واقعیت استوار است که کشورهایی که به تازگی صنعتی شده‌اند، از طریق اخذ و گرفتن فن‌آوری از سایر کشورها به توسعه دست یافته‌اند که این روند بطور گسترده با واژه "یادگیری" توصیف می‌شود. دراین روند دولت بازیگر اصلی برای مدیریت و اداره بازارها، تنظیم و منظم کردن کسب و کاروسر، سامان دادن به سرمایه‌هاست. یک خصوصیت اصلی دیگر در این چهارچوب گروه مهندسان حقوق‌بگیر که دروازه‌بان فن‌آوریهای خارجی شده‌اند و همچنین وجود تعداد فراوان نیروی کار ارزان، کم‌هزینه و آموزش دیده و ماهر می‌باشد. اگر چه وی توجه به کیفیت‌های مبهم و ناآشکار را در نظام آموزشی کره، نقطه تمرکز اصلی خود می‌داند.

درباره نظام آموزشی کره جنوبی کتابها و نوشته‌های قابل توجه زیادی وجود دارد که اکثراً با مشارکت و همکاری افراد معتقد آموزش و پرورش (Educationalists) نوشته شده‌است، اما از میان این کتابها و نشریات فقط تعداد کمی به مسأله‌ای که ناشی از فرضیه ماست می‌پردازد. یکی از آثار مهم و اصلی درباره نظام آموزشی کره کتاب مک‌گین (۱۹۸۰) است که به بازسازی و یکپارچگی نظام آموزشی کره تا هنگام روی کارآمدن حکومت پارک می‌پردازد. این کتاب افزون بر این به دو موضوع کلی که مورد توجه ماست می‌پردازد. نخست موضوع تاثیر آموزش بر توسعه اقتصادی و دوم تک و بی‌همتا بودن تجربه کره‌است. با توجه به نکته اول، نویسندگان این کتاب معتقدند "که هر گونه مشارکت و تاثیر آموزش در مدرنیزاسیون کره را نمی‌توان نتیجه و ناشی از تحلیل و برنامه‌ریزی دقیق و با توجه" دانست. میسون (۱۹۸۰) نیز ظاهراً با این فرضیه موافق است. بخشی از این استنتاج از ادغام رژیم غیر توسعه‌ای ری (Rhee) در دهه ۱۹۵۰ در تحلیل و تمرکز بر نیازهای فردی بجای اقتصاد آتی می‌باشد. مک‌گین معتقد است که نظام آموزشی کره بیشتر بوسیله نیاز به ساخت یک ملت و کشور برانگیخته شده تا نیازهای اقتصادی، این دیدگاه برای سراسر رژیم ری کاملاً قابل قبول و معقول است، اما در ذیل استدلال می‌شود که تجربیات پس از سال ۱۹۶۰ ما را به استنتاج متفاوتی درباره این نهاد و کارآیی دولت می‌رساند. مک‌گین همچنین معتقد است که بی‌همتایی و یکتایی نظام که به شکل و شرایط تقاضای زیاد برای آموزش، میزان رشد در ثبت نام برای تحصیل علی‌رغم درآمد اندک و پایین ملی و وجود ارتباط احتمالی میان توسعه اجتماعی و اقتصادی نشان داده می‌شود. ما معتقدیم که این خصوصیات هر چند در کره جنوبی وجود دارد، ولی در سایر موارد در مدل مهارت آموزی توسعه‌ای ما نیز وجود دارد و مشترک است.

ایم (IHM, ۱۹۹۵) در بررسی جدیدتری که انجام داد بطور مختصر بر اهمیت ارتباط میان سیاست و خط‌مشی آموزشی و توسعه منابع انسانی تاکید می‌کند، گرچه جزئیات این ارتباط همچنان

از جنبه سیاستگذاری در ابهام وجود دارد و همه ابعاد آن روشن نیست و نقش اساسی دولت توسعه‌ای و نهادهایش هنوز کاملاً معلوم و آشکار نیست. در نهایت آدامز و گاتلیب (۱۹۹۳) نگرش فراگیر و بسیار عالی و تحسین برانگیزی بر آموزش در کره جنوبی از جنگ دوم جهانی ارائه دادند. هر چند نویسندگان این اثر بر نهادهای سیاستگذار آموزشی و سیاستگذاری پی‌درپی تاکید می‌کنند، اما به دست آوردن چهارچوب تئوریک درباره ارتباط رشد آموزشی با تحلیل رشد اقتصادی یا باروند سیاستگذاری دشوار است. در بیشتر بخشهای کره جنوبی کمبود افراد شرکت کننده در دوره‌های آموزشی و تحصیلی وجود ندارد. تقاضا برای درس خواندن و مدرسه رفتن ناشی از وضعیت برانگیخته شده بوسیله اعتقاد به تعالیم و آیین کنفوسیوس دانش آموزی و همچنین در آمدهای بالای اقتصادی است. اما نقش اصلی و مرکزی دولت توسعه‌ای در کره هدایت کردن این تقاضا در خدمت توسعه اقتصادی است.

نهاد اصلی درگیر در انتقال اقتصادی کره جنوبی از دهه ۱۹۶۰ به این سو، هیأت برنامه ریزی اقتصادی (Economic Planning Board) است. این هیأت از طریق نفوذ زیاد خود بر سایر وزارتخانه‌ها علاوه بر نظارت مستقیم از طریق دفتر ریاست جمهوری، توانایی تضمین انتقال نسبتاً سریع نظام آموزش و پرورش را در مجرا و مسیر همراه با تغییرات برنامه‌ریزی شده در اقتصاد دارد. دولت با کنترل مستقیم خط مشی‌ها بر مدارس و دانشگاهها از طریق قانونگذاری مستقیم، تعیین سهمیه‌ها و بودجه بندی و همچنین گسترش نظام آموزشهای فنی و حرفه‌ای همگانی و خصوصی، در پی متناسب کردن میزان عرضه کارگران ماهر با تقاضای متغیر چابول و سایر شرکتها و موسسات کوچکتر اقتصادی است. دولت در همین زمان، به تعیین خصوصیات و مشخصات این تقاضا از طریق کنترل و نظارت بر صنایع پرداخت. این ارتباط، نظام آموزش و پرورش کره جنوبی را قادر به مشارکت گسترده نه تنها در جهش اقتصادی بلکه در پیشرفت در مراحل گوناگون اقتصادی و صنعتی کرد.

هر چند که این ارتباط نیز دچار دشواریها و موانعی است و در دوره کنونی ضعیف‌تر شده است. مشکلات و دشواریهای مشاهده شده در سالیان اخیر شامل ناتوانی برای برانگیختن آموزش در هنگام کار در تاسیسات و کارخانه‌ها، تاکید مداوم و بیش از حد بر آموزش دانشگاهی از طریق روشهای یادگیری منظم و معمول و رقابت بیش از حد آموزشی است. هدف اصلاحات کنونی در نظام آموزش و پرورش حل یا برطرف کردن این مشکلات و پایه‌ریزی الگوی نظام جدیدی برای اقتصاد آتی کره جنوبی است. هر چند این اصلاحات به هیچ روی صددرصد مقرون به موفقیت و پیشرفت نیست، اما نشانگر تضاد اساسی در توسعه کره است. هر چند توسعه بر اساس نظام آموزش همگانی روی داده که موجب رشد و پیش آمدن دشواریهایی شد که در بالا رخ داد، اما



امکان دارد رشد در آینده نیازمند به انتقال باشد که در این صورت بروز نظام مردم سالاری در حکومت دستیابی به این هدف را از طریق کنترل و اقدام مستقیم دشوارتر می‌سازد [۱۱].

دولت کره جنوبی همچنین با اتخاذ سیاستهایی نه تنها توانست از فرار مغزها از این کشور جلوگیری کند، بلکه تعداد کثیری از دانشمندان و مهندسان کره‌ای را که در خارج از این کشور کار می‌کردند به وطن بازگرداند.

براساس برنامه‌ای که با حمایت مالی دولت برای بازگرداندن دانشمندان و مهندسان کره‌ای که در خارج کار می‌کردند، انجام شد، باعث شد که تا سال ۱۹۸۵ تعداد ۱۷۹۶ نفر از چنین اشخاص از کشورهای پیشرفته برای کار در صنایع و مؤسسات آموزشی و پژوهشی به این کشور باز گردند. دولت کره همچنین طرحی را تدوین کرد که براساس آن مقرر شد تا سال ۲۰۰۰ از ۳۰۰۰ دانشمند و مهندس دیگر برای بازگشت موقت و یا همیشگی به کشور دعوت شود.

در جریان این اقدامات دولت کره جنوبی، نکته‌ای پدیدار شد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند برای کشورهای دیگری که با مشکلات فرار مغزها روبرو هستند بامعنی باشد و آن این است که جذابیت حقوق در این افراد انگیزه‌ای برای بازگشت به میهن ایجاد نمی‌کند، بلکه نوع کار آنان را برای شرکت بالقوه در امور به میدان عمل فرا می‌خواند.

به عبارت دیگر تجربه کره نشان داده‌است که در تصمیم‌گیری برای بازگشت به میهن و یاماندن در خارج، ملاک عمل برای یک فرد واجد شرایط فنی این است که آیا فرصتهایی برای استفاده از استعدادها و مهارتهای او به نحو احسن وجود دارد یا نه [۷].

## ۱۰- دلایل پیشرفتهای اقتصادی

کره جنوبی ظرف ۴۰ سال گذشته با اتخاذ سیاستهای توسعه برونگر و صنعتی مناسب توانست از یک اقتصاد کشاورزی با درآمد پایین به یک کشور پیشرفته صنعتی تبدیل شود. در واقع کره جنوبی الگوی توسعه صنعتی جدیدی را براساس مشارکت دولت و شرکتهای بزرگ پایه‌ریزی کرد. طی مدت یادشده، سیاست صنعتی و تجاری به گونه‌ای تکامل یافته که به طور مداوم رقابت، آزاد سازی و شفافیت را افزایش می‌دهد.

عمده‌ترین دلایل پیشرفتهای اقتصادی کره جنوبی را چنین می‌توان برشمرد:

۱- **ثبات سیاسی و رهبری قوی** - در واقع کره جنوبی با سیاستگذاریهای مناسب و اجرای درست و سنجیده آنها و همچنین وبا توجه به رهبری قوی رئیس جمهوری توانست پیشرفت نماید. پارک چونگ‌هی که تا پیش از تصدی پست ریاست جمهوری کره جنوبی رئیس ستاد ارتش

این کشور بود، فردی قوی بود به طوری که لقب "رئیس جمهوری اقتصادی" گرفت. وی در دورانی که مردم کره جنوبی از وضعیت اقتصادی این کشور ناامید شده بودند، به مردم این کشور اعتماد بخشید که می‌توانند پیشرفت کنند. پارک معتقد بود که اگر مردم به توسعه اعتقاد داشته باشند تمام کوشش‌های خود را صرف ارتقای زندگی خواهند کرد. نقش رهبران کره جنوبی در ثبات سیاسی این کشور قابل توجه است.

**۲- سیاست‌های مناسب صادراتی** - آنچه سیاست‌های توسعه کره جنوبی را از سیاست‌های توسعه سایر کشورها متمایز می‌سازد تنها این حقیقت نیست که عمدتاً در کوشش‌های موفق بوده، بلکه بیشتر از این نظر است که سیاست آگاهانه دولت از ابتدا بر این بوده که محصولات تولیدی این کشور از نظر بین‌المللی قابل رقابت باشند. در واقع کره از لحاظ منابع معدنی بسیار فقیر است. از طرف دیگر بازار داخلی این کشور نیز محدود است، از اینرو دولتمردان این کشور با اتخاذ راهبردهای مناسب صادراتی توانستند به بازارهای جهانی راه پیدا کنند. از جمله طرح‌های این راهبرد، تخصیص منابع و حمایت از صنایع کلیدی و مادر و دارای قدرت رقابت بود. از جمله دلایل اتخاذ این راهبردها در آن دوران، محدودیت منابع و سرمایه بود. کره سعی می‌کرد مرغوبیت کالاهای خود را بهبود بخشد تا در بازارهای بین‌المللی قابل رقابت باشند.

**۳- برنامه ریزی درست** - دولت کره جنوبی علاوه بر برنامه‌ریزی کلی در برنامه‌ریزی جزئی نیز موفق بود. سیاست دولت در مرکز توسعه قرار داشت و مؤسسات آموزشی و پژوهشی را تقویت می‌کرد.

علاوه بر اینها، دولت مدیریت اقتصاد کلان را برعهده گرفت و اعتبارات زیادی برای توسعه صادرات اختصاص داد. بر روی منابع انسانی و زیربنایی نیز سرمایه‌گذاری کرد.

**۴- آینده نگری** - یکی از خصوصیت مهم برنامه ریزی صنعتی کره جنوبی طبیعت آینده‌نگر آن بود. برنامه‌های توسعه به صراحت تأکید می‌کردند که تکنولوژی‌های جدید باید تشویق گردند.

**۵- تأمین منابع مالی** - تأمین منابع مالی نیز از جمله دیگر نکات برنامه ریزی کره جنوبی بود که بوسیله سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی تأمین می‌شد. مردم کره جنوبی تمایل زیادی به پس‌انداز دارند. پس‌اندازهای شخصی در دهه ۱۹۶۰ به طور متوسط ۲۱ درصد محصول ناخالص ملی این کشور بود. سپس در دهه ۱۹۷۰ به متوسط ۷ درصد رسید و سپس با یک افزایش انفجاری به ۱۶ درصد در دهه ۱۹۸۰ رسید.

در صورتی که پس‌اندازهای شرکتها را به پس‌اندازهای مردم و دولت اضافه کنیم، نتیجه این می‌شود که پس‌اندازهای ملی از ۱۰ درصد محصول ناخالص ملی در دهه ۱۹۶۰ به ۲۱ درصد در دهه ۱۹۷۰ و بالاخره به ۳۸-۳۵ درصد در دهه ۱۹۸۰ رسید.

در مورد سرمایه‌گذاریهای خارجی (کمک یا وام تضمین شده خارجی) نیز باید گفت که این سرمایه‌گذاریها در دهه ۱۹۶۰ به طور متوسط ۳۵ تا ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری داخلی را تأمین می‌کرد و در دهه ۱۹۸۰ به ۸۰ درصد رسید.

کره که در ابتدا متکی به کمکهای خارجی بود، با افزایش سریع پس‌اندازهای داخلی و کمکهای خارجی و تعقیب دقیق سیاستهای تکنولوژی (در رابطه با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) قادر گردید که سرمایه‌های مورد نیاز را تأمین کند. هنگامی که این امر با یک نیروی کار مستعد که ساعات طولانی کار می‌کرد، ترکیب گردید، باعث ایجاد یک اقتصاد با بهره‌وری بالا و رشد سریع شد.

**۶- حمایت بخش خصوصی** - بخش خصوصی نقش بسیار مفید و اساسی در توسعه کره جنوبی ایفا نموده است. دولت کره جنوبی از بخش خصوصی برون‌نگر حمایت نموده و آن را برای رسیدن به اهداف مربوط به صادرات ملی تشویق کرده است. بخش خصوصی نیز با توجه به عوامل زیر توانست از مشارکت به رهبری اقتصاد این کشور دست یابد.

الف - اختصاص نیروی کار ماهر به تولید

ب - ایجاد انگیزه براساس معیار کارایی

ج - کار آفرینی

د - انعطاف در سیاستها جهت انطباق با تحولات بین‌المللی

**۷- آموزش و تحصیلات** - با توجه به علاقه مردم برای دریافت آموزشهای به هنگام جهت ایفای نقش مؤثر در عرصه‌های صنعتی و اقتصادی، گرایش عامه به تحصیلات عالی قابل توجه است، به نحوی که حتی روستائیان زمین و دامهای خود را در راه تحصیل فرزندان خویش به فروش می‌رسانند.

طبیعی است که هر چند سطح آموزش و تحصیلات مردم کشوری بالا باشد، آن کشور بهتر و سریعتر می‌تواند پیشرفت نماید.

**۸- روحیه خود باوری مردم** - روحیه مردم کره به آنان کمک نمود، تا بر مشکلات و نابسامانیهای دوران قبل از مدرنیته شدن کشور و دوره پس از جنگ غالب شوند.

مهمترین نکته در این زمینه تلاش دولتمردان کره برای ایجاد حس خود باوری در میان مردم و صاحبان صنایع این کشور می‌باشد. اگر چه این روحیه در میان مردم کره در حدود ۴۰ سال پیش شروع شد، اما اجرای طرحهای مختلف اقتصادی این باور را میان مردم بوجود آورد که با تلاش و ابتکار می‌توان به موفقیت‌های بزرگ دست یافت.

## ۱۱- برنامه‌های آینده

همانطوریکه ذکر شد کره جنوبی از سال ۱۹۶۰ به بعد اقداماتی را برای گسترش کمی و کیفی فعالیتهای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی انجام داد. براساس این اقدامات نه تنها از عهده تعادل عرضه و تقاضای آموزش عالی برآمد، بلکه نیروی انسانی مورد نیاز برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشور را نیز تأمین نمود.

مسایل اساسی آموزش عالی کره جنوبی کیفیت آموزشی و میزان استقلال دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی است. همچنین مسایل عمده‌ای در خصوص وضعیت کمی و کیفی مالی، نحوه پذیرش دانشجویان و ارائه تسهیلات لازم به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مطرح است. به طور کلی مشکلات نظام آموزش عالی کره جنوبی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

**۱- انعطاف پذیری و تنوع گرایی** - انعطاف پذیری نظام آموزش عالی باعث ایجاد تنوع در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و ایجاد مؤسسات آموزش عالی تخصصی شده است. به طور قطع، توجه به خلاقیت و ارائه دیدگاههای جدید آموزشی در کلیه مراحل (از مرحله سیاست گذاری آموزشی تا تکلیف و تمرینات درسی)، تنوع گرایی در نظام آموزشی و استفاده از روشهای گوناگون آموزشی می‌تواند در کاهش مشکلات مؤثر باشد.

**۲- ارائه آموزش به عنوان یک نوع از خدمات و وضعیت اشتغال** - مؤسسات آموزش عالی نیازمند اصلاحات اداری برای پاسخگویی بهتر و دقیقتر به تقاضاهای دانشجویان می‌باشند. در حقیقت باید به آموزش به عنوان یک خدمت توجه نمود و لازم است خدمات آموزشی وسیله‌ای برای شکوفایی استعدادهای درخشان باشد.

یکی از مشکلات مربوطه در این زمینه نسبت دانشجویان به استاد است که در کره جنوبی در ابتدا خیلی زیاد بود، اما این نسبت با اجرای برنامه‌های پنجساله توسعه بهبود یافت. ولی علی‌رغم اقدامات مذکور این نسبت باز هم زیاد است، به طوری که این نسبت اکنون ۳۷ به یک است که خیلی بیشتر از میانگین آن در آمریکاست.

**۳- تعادل بین آموزش و بازار کار** - تعادل بین نیروهای تربیت شده توسط دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و نیازهای بازار کار یکی از مسایل اساسی و پراهمیت است که لزوماً باید در این راه گامهای اساسی برداشته شود.

۴- کمبود تنوع - متأسفانه تفاوت چندانی در ارائه خدمات آموزشی و دوره‌های تحصیلی هر منطقه و یا هر دانشگاه وجود ندارد. بدون تردید برای رفع این معضل باید نحوه اداره دانشگاهها تغییر یافته و یک نوع مدیریت بین‌المللی و رقابتی پایه ریزی شود. همچنین اهدافی نظیر تخصصی کردن دانشگاهها و گروههای آموزشی، استقلال مدیریت و مدیریت مشارکتی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی به طور جدی تعقیب شود [۵].

دروانان از نظام آموزش عالی خواستار ایجاد شرایطی برای ساختن جامعه‌ای برابر

## منابع

- ۱- باقری ، محمد (۱۳۷۶)، کره جنوبی ،تهران : دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ۲- پارک، جون‌هی (۱۳۷۸) ، کره، گزیده مقالات دایره‌المعارف آموزش عالی، ترجمه مهرناز روشنایی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
- ۳- دبیر خانه یونسکو (۱۳۷۰)، آموزش عالی در جهان یا معرفی تطبیقی نظام‌ها و مدارک دانشگاهی، ترجمه نصرت صفی نیا و الماد اودیان تهران: انتشارات اساطیر
- ۴- شریف النسبی ،مرتضی (۱۳۷۵)، چرخه توسعه راهنمای رشد شتابان توسعه اقتصادی - صنعتی کشورهای جنوب شرقی آسیا، تهران : مؤسسه خدمات فرهنگی رسا
- ۵- کاظم نژاد، انوشیروان {ودیگران} (۱۳۷۶) ، بررسی تطبیقی روند تأسیس مؤسسات آموزش عالی خصوصی در ایران و جهان ،تهران : وزارت فرهنگ و آموزش عالی، معاونت آموزشی، دفتر آموزشهای آزاد
- ۶- کیم، کی‌وان و لپیزگر، دنی (۱۳۷۵)، کره جنوبی یک مورد توسعه بارهبری دولت، تجربه توسعه در شرق آسیا، ترجمه احمد مجتهد، مجموعه مقالات توسعه، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه
- ۷- مرکز انتقال تکنولوژی آسیا و اقیانوسیه (۱۳۷۱)، سیاست گذاری و برنامه ریزی تکنولوژی در منطقه آسیا و اقیانوسیه، ترجمه طرح مطالعه خطوط اساسی توسعه تکنولوژی کشور، تهران : سازمان برنامه و بودجه
- ۸- مهدوی ، م.ن. (۱۳۷۲) ، مؤسسه اطلاعات صنعتی و تکنولوژی کره جنوبی ، تهران : پژوهشکده مطالعات و تحقیقات تکنولوژی
- ۹- مهدوی، محمدنقی (۱۳۷۴)، نقش دانشگاه در توسعه صنعتی ، فصلنامه رهیافت ، پاییز، شماره دهم
- ۱۰- نوروزیان ، احمد (۱۳۷۴) ، پروژه‌های ملی تحقیق و توسعه در کره جنوبی، تهران : پژوهشکده مطالعات و تحقیقات تکنولوژی

11- Ashton, David [and other] (1999) , Education and Training for Development in East Asia, London

12- Ministry of Education (1989) , Educational Development in Korea 1986-1988, Report to 41 st Session of the international Confernce on Education Geneva

“ ” ( )  
(Life-Long Education)

(Capital Intensive Technology)

(Labour Intensive Technology)

“ ” “ ”

(Knowledge Intensive Technology)







( )

“ ”

èèö

(FDI))

			( )			
/		/			( )	
/		/			( )	
/		/			( )	
		/			( )	

Ü			ø			Ý Ü			É / Ø
	È	Û		È	Û		È	Û	
ì / ð	î / ï	è / é	í / ç	î / é	ë / ï	ì / ð	î / ð	ë / é	è / ç
ì / ï	î / ï	é / è	í / è	î / ï	ë / ç	í / è	ï / ç	ë / è	è / ç
ì / ð	î / ç	é / è	í / é	î / è	ë / ï	-	-	-	è / è
ì / ð	î / ï	é / è	í / é	î / è	ë / ï	ì / ï	ï / ï	ë / ð	è / é
ì / ð	î / é	é / è	í / é	î / è	ë / ç	-	-	-	è / è
í / ç	î / è	ë / ç	í / è	î / ï	ë / ï	-	-	-	è / è
í / ç	î / ï	ë / ï	í / è	î / è	ë / è	í / ç	ì / ð	ë / è	è / ï
í / ç	î / è	ë / ð	í / è	î / è	ë / è	-	-	-	è / ï
í / ç	î / é	ë / è	í / è	î / è	ë / ï	-	-	-	è / ï

(ççç) ÜÛ È			(⊞) ÝÛ Ç			ÝÛ Ç / Ø	Û
	È	Û		È	Û		
ï ï ï	ë / ç	ë / ï	-	-	-	è / ç	è
è / é	è / ï	î / ð	-	-	-	è / ç	é
é / ç	è / é	ï / ï	-	-	-	è / è	é
é / è	è / é	ð / ç	-	-	-	è / é	è
é / é	ë / é	ë / é	è / ç	é / é	ì / è	è / ï	ì

(ççç) ÜÊ È			( Æ) ÝÊ Ç			ÝÊ Ç / Ø	Ë
	È	ÛÊ		È	ÛÊ		
èèèç	î çç	ëèç	é/ç	é/ç	é/ç	èðî ç	è
èèèç	î î ç	î î ç	é/è	é/ç	é/é	èððç	é
èèèç	î î ç	ì ðç	é/è	è/ð	é/é	èððè	ê
èèèç	î éç	í çç	é/é	é/è	é/é	èððé	ë
èí î ç	ð î ç	î éç	é/î	é/è	é/î	èððè	ì
èðèç	èèèç	î çç	é/ð	é/î	é/ç	èððè	í
èèçç	èèèç	î î ç	é/é	é/è	é/é	èððî	î
èéí ç	èèèç	ðèç	é/è	é/è	é/è	èððî	ï
èéðç	èéí ç	ðèç	é/è	é/è	é/è	èððî	ð

(ççç) ÜÊ È			( Æ) ÝÊ Ç			ÝÊ Ç / Ø	Ë
	È	ÛÊ		È	ÛÊ		
èì è	éèè	èèè	é/è	é/ð	è/î	èððç	è
èèí	éí î	èèð	é/é	é/î	è/ð	èððè	é
éí î	èçî	èí ç	é/è	é/î	é/è	èððé	ê
ì î ç	èí î	èí î	é/î	é/é	é/é	èððè	ë
èí ð	éèè	èì î	é/è	é/î	è/ð	èððè	ì
èèð	éí ç	èèð	é/ç	é/è	è/î	èððî	í
èéì	éðç	èèè	é/ç	é/è	è/î	èððî	ï
ì î í	èì é	éçè	é/î	é/î	é/è	èððî	ï

Ū			ø			Ú			Ý Ū			È Ū
	È	Ū		È	Ū		È	Ū		È	Ū	
í é/é	ī ī/ī	ēđ/ī	í é/í	ī ī/ī	ī ċ/ē	í é/í	ī đ/é	é ĳ/é	ī ī/ē	ī é/ē	í é/í	è
ī ī/ī	ī ī/ē	ī é/ċ	í é/í	ī ī/ē	ī đ/ī	í é/đ	ī ċ/í	é ĳ/é	í đ/ī	ī é/é	í è/đ	è - í è
ēē/ē	é ĳ/é	ēđ/ī	ē ĳ/ī	ēđ/ē	ē ĳ/ī	ēē/ċ	ī đ/ē	é ĳ/đ	í é/é	í é/í	ēē/í	è - ēē
ī ī/ī	đē/ċ	ī ī/ē	ī é/é	đ ĳ/ī	ī ī/ī	í é/í	đ ĳ/ē	é ĳ/đ	í đ/é	đ ĳ/đ	í é/đ	é - í è
ī ī/ī	ī è/é	ī è/í	ī ī/đ	ī ī/ē	ēđ/ī	ī ċ/í	ī è/í	ē ĳ/ē	ī ī/ī	ī é/ċ	ī è/ċ	ī ī - í è
é ĳ/ī	ē ĳ/ī	ēċ/é	ēē/é	é ĳ/ī	è ĳ/ē	ēē/ē	ī ī/ī	ēē/é	é ĳ/ī	í é/í	ēē/í	ī ī

Ū			ø			Ú			Ý Ū			Ø		
	È	Ū		È	Ū		È	Ū		È	Ū			
ēē/ċ	ēē/ċ	ēđ/ċ	ēċ/ē	ī ĳ/ī	ēē/é	ēđ/ē	é ĳ/ē	ī ċ/ċ	ī ī/đ	ī ī/ē	ī é/ċ	ÝĒŪ	ēđ ċ	è
ēđ/ċ	ēē/é	ēē/í	é ĳ/ē	ēđ/ī	é ĳ/ē	é ĳ/ē	é ĳ/ē	é ĳ/đ	ēē/é	ēē/é	ēē/é	Ā		
é ĳ/ċ	é ĳ/đ	é ĳ/é	ī é/ċ	ī é/ē	ī ī/é	ēē/ī	é ĳ/é	ēē/ē	ēċ/é	ēđ/ē	ēē/ċ	Ā		
é ĳ/đ	é ĳ/ē	ēċ/é	ī ĳ/é	ī ĳ/ē	ī ĳ/ī	é ĳ/ē	-	-	ī ī/đ	ī ī/ī	ī ī/ē	ÝĒŪ	ēđċ	é
é ĳ/ē	ēđ/ċ	ēċ/ē	ēē/ē	é ĳ/ī	é ĳ/ē	é ĳ/ē	-	-	ēē/ī	ēē/í	ēē/ē	Ā		
é ĳ/ī	ēē/ī	ēđ/í	ī ī/é	ī é/ī	í é/í	é ĳ/ē	-	-	ēċ/é	ēđ/ī	ēē/ē	Ā		
é ĳ/ī	é ĳ/ċ	é ĳ/í	ī ĳ/í	ī ĳ/ċ	ī ĳ/ī	é ĳ/í	-	-	ī é/đ	ī é/ē	ī é/í	ÝĒŪ	ēđēē	ê
é ĳ/đ	ēċ/ċ	ēđ/ī	ēē/ē	ēđ/ē	é ĳ/ī	é ĳ/í	-	-	ēē/ī	é ĳ/ċ	ēē/í	Ā		
é ĳ/ē	é ĳ/ċ	ī é/í	ī ī/ē	ī é/ē	í é/é	é ĳ/ē	-	-	ēē/ē	ēċ/í	ēē/ē	Ā		
é ĳ/ī	ēē/é	é ĳ/ċ	ī ĳ/ē	ī ĳ/ī	ī ĳ/ē	ēē/ī	-	-	ī é/đ	ī é/í	ī ī/ī	ÝĒŪ	ēđēē	ë
ēē/đ	ēċ/ē	é ĳ/ē	ēē/í	ēđ/í	é ĳ/ē	ēđ/ē	-	-	ēē/ē	ēē/đ	ēē/í	Ā		
ēđ/ē	é ĳ/ī	ī é/í	ī ī/ī	ī é/ē	ī ī/ċ	é ĳ/đ	-	-	ēċ/đ	ēē/é	ēċ/í	Ā		
ēē/í	ēē/ċ	é ĳ/ē	ī ĳ/đ	ī ĳ/ē	ī ĳ/ī	ēē/í	-	-	ī ċ/í	-	-	ÝĒŪ	ēđēē	ì
ēē/í	ēđ/ċ	é ĳ/ē	ēē/ē	ēđ/ī	é ĳ/í	ēċ/ē	-	-	é ĳ/ī	-	-	Ā		
ī é/í	é ĳ/ē	ī ī/ē	ī đ/é	ī é/í	ī ī/é	é ĳ/ē	-	-	ēē/ī	-	-	Ā		
ēē/í	ēē/ē	é ĳ/đ	ī ĳ/ī	ī ĳ/ē	ī ĳ/ī	ēē/ċ	-	-	é ĳ/ē	-	-	ÝĒŪ	ēđēē	í
ēē/é	ēđ/é	ēē/é	ēē/ċ	ēđ/ī	é ĳ/ī	ēċ/í	-	-	é ĳ/ī	-	-	Ā		
ī é/é	é ĳ/ī	ī đ/đ	ī đ/ī	ī é/í	ī ī/ē	é ĳ/ē	-	-	é ĳ/ċ	-	-	Ā		
ēē/í	ēē/ċ	ēē/í	ī ĳ/ī	ī ĳ/ē	ī ĳ/ī	ēē/ē	-	-	ēē/ċ	-	-	ÝĒŪ	ēđđ	î
ēē/é	ēđ/í	ēē/í	ēē/í	ēđ/ē	é ĳ/ċ	ēē/ē	-	-	é ĳ/ē	-	-	Ā		
ī é/é	ēđ/é	í é/í	ī ċ/é	ī ī/ē	ī ī/é	é ĳ/ī	-	-	é ĳ/ī	-	-	Ā		
ēē/í	ēċ/ē	ēē/í	ī ĳ/ī	ī ĳ/ċ	ī ĳ/é	ēē/ċ	-	-	ēē/ċ	ēē/ē	é ĳ/ċ	ÝĒŪ	ēđđ	ï
ēē/í	ēđ/ē	ēē/đ	ēē/ē	ēđ/é	ēē/í	ēċ/í	-	-	é ĳ/ē	ēđ/ī	é ĳ/đ	Ā		
ī ī/đ	ī ċ/í	í é/í	ī ċ/í	ī ī/ē	ī ī/ī	ēē/ī	-	-	é ĳ/đ	é ĳ/ē	ēđ/ē	Ā		
ēē/ċ	đ ĳ/ī	ēē/ċ	ī ĳ/ē	é ĳ/đ	ī ĳ/ċ	-	-	-	ēē/é	ēċ/í	ēē/ċ	ÝĒŪ	ēđđ	ō
ēē/ē	é ĳ/ē	ēē/ē	ēē/ē	ēđ/é	ēē/ē	-	-	-	ēđ/ċ	ēċ/í	é ĳ/ē	Ā		
ī ī/ī	ī è/đ	ī ī/đ	í é/ē	ī ī/ē	í đ/ē	-	-	-	ēđ/ī	é ĳ/ī	ēē/í	Ā		





-

-

-

-

-

--

-

-

“

”



( )

--

)

(

.

.

:

-

-

.

.

-

-

.

.

.

-- --

-

-

.

.

.

”

“

.

-

-

-

-

.

.

-

-

-

-

-

:

-

-

-

”

“

-

-

( )









— ( ) —  
 :  
 ( ) —  
 :  
 : ( ) —  
 ( ) —  
 :  
 ( ) { } —  
 :  
 : ( ) —  
 ( ) . —  
 :  
 ( ) —  
 :  
 : ( ) —  
 ( ) —  
 :  
 ( ) —  
 ( ) —  
 : ( ) —  
 : ( ) . —

- ( ) -
- : ( ) -
- ( ) . -
- :
- ( ) -
- :
- 32- Ashton, David[and other] (1999), Education and Training for Development in East Asia , London: Routledge
- 33- Atchourema,David(1995),Life Long Education in Selected Industrial Countries, Tokyo: National Institute for Educational Research
- 4-Bambang Sahendro (1997), Policy Reforms in Higher Education in Indonesia, Paris, Unesco
- 35- Goedegebure,leo[and other] (1995), Higher Education Policy An International Comparative perspective, Paris: International Association of Universities
- 36- Hemmert,Martin and Oberlander, Christian, Technology and Innovation in Japan, London: Routledge Studies in the Growth Economies of Asia
- 37- International Labour Office,key Indicators of the Labour Market, 1999, Geneva (IIO)
- 38- Ministry of Education(1989), Educational Development in Korea 1986-1988, Report to 41 st Session of the International Conference on Education Geneva
- 39- Ministry of Education and Culture (1998) The Development of Education System in Indonesia, A Country Report
- 40-Monbusho, (1987) Report on Education Reform, Tokyo: National Council on Educational Reform Government of Japan
- 41- Sanyal, Bikase c.(1997), Evolution in Higher Education Policy Making And Management Practice: Some International perspective Paris,Unesco

\*\*\*